



عنوان طرح:

## الزامات پیشرفت در شرایط انقلابی

(گزارش نهایی)

کارفرما:

معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی

مجری:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

پژوهشکده علوم انسانی

گروه پژوهشی علوم سیاسی

مسئول طرح:

محمد کمالی زاده

آذر ۱۳۹۹



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	فصل اول: کلیات تحقیق
۵	• بیان مساله
۸	• پرسش‌های تحقیق
۸	• روش تحقیق
۱۰	فصل دوم: الزامات پیشرفت و کارآمدی در اندیشه امام خمینی (ره)
۱۱	• مقدمه
۱۱	• رهنامه پیشرفت در گفتمان امام خمینی (ره) از منظر رهبر معظم انقلاب
۱۳	• کارویژه‌ها و الزامات حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره)
۲۱	• جمع بندی
۲۴	فصل سوم: الزامات پیشرفت و کارآمدی در اندیشه مقام معظم رهبری
۲۵	• مقدمه
۲۵	• «انقلابی بودن» به مثابه دال اصلی سیاست ورزی انقلابی
۲۷	• «مردم»، مبنای تحقق نظام اسلامی
۳۰	• پیشرفت و کارآمدی
۳۲	• «ثابت» و «متغیر» در سیاست خارجی
۳۵	• انسجام ملی و سیاسی
۳۹	• ضرورتی به نام حفظ نظام اسلامی
۳۹	• ضرورت پشتیبانی همیشگی ملت ایران از دولتها
۴۱	• جهاد اقتصادی با تکیه بر ظرفیتهای داخلی
۴۵	• شاخص‌های دولت مطلوب
۴۷	• محورهای اصلی بیانیه «گام دوم انقلاب»
۵۰	فصل چهارم) انقلاب و پیشرفت از منظر صاحب‌نظران
۵۱	• مقدمه
۵۳	• نسبت میان انقلابی بودن و پیشرفت
۶۰	• نسبت میان توسعه‌گرایی و ارزش‌گرایی
۶۹	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۷۴	منابع

# **فصل اول**

## **کلیات تحقیق**

## بیان مساله:

اصولاً نظام‌های سیاسی، واجد کارویژه‌های گوناگونی هستند که در این زمینه می‌توان به حفظ امنیت و رفاه شهروندان اشاره کرد. نظام جمهوری اسلامی اما، به دلیل ماهیت انقلاب «اسلامی» و فضای فرهنگی جامعه، نظامی است که علاوه بر سایر کارویژه‌ها و وظایف متعارف نظام‌های سیاسی، واجد کارویژه خاص دیگری نیز هست: پاسداری و پیگیری ارزشهای دینی و انقلابی. این کارویژه، ماهیتی خاص به این نوع از دولت بخشیده است. در این میان، جامعه ایرانی به عنوان جامعه ای متمایل به رشد، پیشرفت و توسعه همه جانبه و مدعی داشتن فرهنگ و تمدنی خاص، هم خواستار حفظ ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی است و هم متمایل به دستیابی به توسعه ای همه جانبه. از اینرو، نظام جمهوری اسلامی به عنوان ثمره عملی اندیشه انقلاب اسلامی، نظامی است که به دنبال تحقق این اهداف؛ اهدافی که جزو آرمانهای انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند. در این فضای فکری، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، ایجاد تحول در نظام مدیریتی کشور و استقرار نظامی مطلوب در جهت تسریع در روند حل و فصل امور، طراحی برنامه‌های منطقی برای توسعه کشور و تسهیل در اجرای آنها و ارائه خدمات مورد نیاز به مردم در عین حفظ و استمرار ارزشهای دینی و ملی جامعه، همواره مورد توجه مقامات مسئول قرار داشته است. اما، چرا علیرغم تأکید مقامات نظام بر ایجاد یک روند متناسب و متوازن توسعه و پیشرفت مطابق با انتظارات موجود از یک نظام مردم‌سالارانه دینی، همچنان در این زمینه عقب‌مانده‌ایم؟

برای پاسخ به این پرسش نظرات متفاوتی بیان شده است. عده‌ای از معارضان نظام جمهوری اسلامی را نظامی از پیش ناکام تصور می‌کنند. برخی دیگر، بر اهمیت کلیدی بحران‌های تحمیل شده بر نظام (عموماً از جانب کشورهای مطرح در نظام بین‌الملل و بازیگران منطقه‌ای از یک‌طرف و ساختارها و نهادهای بین‌المللی، از طرف دیگر) در عدم تحقق اهداف انقلاب تأکید می‌کنند. به غیر از تحلیل اول که به دلیل پیش‌فرض گرفتن عدم کارایی دین در حوزه عمومی، نگاهی واقع‌بینانه و تاریخی بر تحولات کشور ندارد، بقیه رویکردها، وجهی از واقعیت را نشان می‌دهند. اما، به‌راستی با چه رویکردی می‌توان پاسخی شایسته به چرایی عدم تحقق کامل اهداف انقلاب داد؟

پاسخ این سؤال، در دورشدن از ماهیت آن چیزی نهفته است که این نوشتار آن را «هست و ماهیت» انقلاب اسلامی می‌داند. انقلاب مردم ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷، واجد هسته‌ای چند وجهی و ماهیتی چند بُعدی بود. این انقلاب، هم انقلابی ضدامپریالیسم، هم انقلاب ایدئولوژیک، هم انقلابی بر ضد یک رژیم فاسد و ناکارآمد و هم انقلابی فرهنگی به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی از یک سو، دارای ماهیتی فرهنگی بود که تحول فرهنگی و اتکا به ارزشهای دینی و ملی جامعه را هدفی مهم برای خود مطرح کرده بود. از طرفی دیگر، ماهیتی سیاسی داشت که در پاسخ به بحران مشروعیت نظام حاکم بر ایران، سعی در بسط و گسترش مشروعیت نظام اسلامی نوپا داشت. در وجهی دیگر، انقلاب اسلامی، ماهیتی اقتصادی داشت چرا که در پاسخ به توسعه در ایران پدید آمده بود. تأکید بر توسعه بومی، توسعه ای که متکی بر مولفه‌های هویت ایرانی باشد، به عنوان الگویی برای نظام جدید مطرح بود. الگویی که رکن اساسی آن کارآمدی و کارایی نظام باشد.

به طور کلی، می‌توان گفت که شکل‌گیری آرمانهای برانگیزنده و متعالی در فضای اوج‌گیری حرکت انقلابی، بر مبنای گفتمانهای نوین اجتماعی و سیاسی ای کلام که امام خمینی(ره) با تکیه بر فرهنگ و معارف اسلامی و

درک صحیح نیازهای ریشه‌ای جامعه ارائه می‌کند، توانست پایه‌های جدید فکری و سیاسی‌ای را در ملت ایران ایجاد کند. این پایه‌ها، هسته و ماهیت انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهند. در نگاهی کلی، هسته انقلاب دارای دو سویه اصلی است: بُعد معنوی که همان حفظ و استمرار ارزشها در جامعه است و بُعد مادی که همان دستیابی به توسعه در همه وجوه آن است. این دو بُعد حیاتی در هسته مرکزی اندیشه انقلاب اسلامی، از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. ریشه داشتن این دو بُعد در بطن تفکر اسلامی، ماندگاری آنرا در فرهنگ و هویت ایرانی تثبیت کرده است. در واقع، یکی از اهداف ارزشهای اسلامی، دست‌یابی به کارآمدی و کارایی و در نتیجه پیشرفت و توسعه است. به نظر امام «اسلامی که انسان را به بازداری از همه خرافات و اسارت‌های قدرتهای ارتجاعی و ضد انسانی دعوت می‌کند، چگونه ممکن است با تمدن، پیشرفت و نوآوری مفید برای بشر و دست‌یابی به کارایی بیشتر که حاصل تجربه بشر است، سازگار نباشد؟» به نظر امام، هدف تشکیل حکومتی است که هم احکام اسلامی در آن جریان داشته باشد (حفظ و استمرار ارزشها) و هم نیازهای مادی مردم در آن، به بهترین وجه تامین شده باشد (کارایی، کارآمدی و توسعه یافتگی) و در نتیجه الگویی مناسب برای اداره امور بشر به جهانیان عرضه گردد. طبیعی است که دینی که در صدد ارائه الگویی جامع و مانع برای سعادت دنیا و آخرت انسانها است، نمی‌تواند هیچ کدام از دو وجه اهمیت ارزشها و لزوم توسعه یافتگی را کمرنگ جلوه دهد. تأکید بر هر دو اصل به طور همزمان و ارائه سنتزی کارا از این دو، هم ارزشها را حفظ می‌کند و هم مسیر پیشرفته و توسعه کشور را هموار خواهد کرد. از این‌رو، ماهیت انقلاب اسلامی که ریشه در اعمال فرهنگ و هویت ایرانی دارد، هسته مرکزی آرمان‌های ایرانیان را تشکیل می‌دهد. نظام جمهوری اسلامی به عنوان محصول انقلاب اسلامی، در ماهیت خود تابعی از دو بعد فوق بوده و هست. نظام اسلامی از همان ابتدا، ترکیبی موثر و هوشمندانه از اصول ارزشی جامعه با نگرشی به پیشرفت و توسعه کشور بود. نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظامی بی‌بدیل در جهان کنونی، حاصل پرهیز از افراطها و تفریطهای رایج بوده است. مردم ایران با درک روند تاریخی کشور خود، نیک دریافته بودند که هیچ الگویی نمی‌تواند برای جهان افراطها و تفریطهای انسانی موثرتر از الگویی متعادل و در برگیرنده دو بعد مادی و معنوی باشد. برای انسان ایرانی به طور اخص، و انسانی در بعد جهانی به طور اعم، زندگی در چارچوب آسایش مادی و آرامش معنوی، دوران استقرار بهترین الگو برای زندگی در جهان پرآشوب است. نظام جمهوری اسلامی، خود برآیند منطقی این تفکر بوده است. بر بستر بینش فوق است که می‌توان دغدغه‌های مقام معظم رهبری در مورد نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب به عنوان «دهه پیشرفت و عدالت» را فهم کرد. پیشرفت در گفتمان رهبری در ابعاد ایجابی در کنار مولفه‌هایی نظیر حفظ ارزشها و عدم گسست از آرمانها، تأکید ویژه بر مقوله عدالت، تأکید بر رفع فقر و استضعاف، تأکید بر فسادستیزی و پاکدستی، تأکید بر روحیه مقاومت و استکبارستیزی و تأکید بر نگاه اجتماعی و فرهنگی معنا می‌یابد. بدون التزام به این مولفه‌ها، هر الگوی پیشرفتی در خطر لغزیدن به الگوهای توسعه غربی قرار خواهد گرفت. در این الگو، سعادت انسانها تنها در گرو رفاه مادی نیست بلکه توجه به رستگاری آسمانی انسانها و سعادت اخروی ایشان از محورهای اصلی این الگوی پیشرفت به شمار می‌رود: «آنچه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه‌ی خودمان ناکافی بدانیم، در درجه‌ی اول این است که نگاه جامعه‌ی غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلفند؛ اما برآیند همه‌ی آنها این است - با نگاه اسلام به انسان، بکلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. لذا پیشرفت که برای انسان و به وسیله‌ی انسان است، در منطق فلسفه‌ی غرب معنای دیگری پیدا می‌کند، تا در منطق اسلام. پیشرفت

از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵)

علیرغم همه این تأکیدات همچنان در شرایط فقدان هرگونه الگوی جامع و کاربردی پیشرفت اسلامی - ایرانی قرار داریم. مهمترین چالش در این زمینه رسیدن به یک درک و برداشت اجماعی از مفهوم توسعه بومی در شرایط انقلابی است. مفهومی که با مخالفین و معاضین فراوانی در سطح نخبگان و مدیران کشور روبروست. اما واقعیت آن است که مفاهیمی مانند توسعه مفاهیمی عینی و دارای ما به ازای بیرونی هستند. در چارچوب علم مدیریت و یا نظریات توسعه هر چند نظریات حالتی آرمانی به خود می‌گیرند اما بسیاری از آنها برآمده از واقعیاتی عینی بوده و یا در تعاملی جدی با یک امر واقعی شکل گرفته‌اند. در تاریخ معاصر ایران شاهد غلبه نوعی نگاه ناب گرایانه به پدیده‌ها هستیم که به انکشافی دیدن مفاهیم عینی و شاخص داری نظیر توسعه یا مدیریت و به تبع آن، عدم توجه به واقعیات منتهی شده است. غلبه چنین نگاههایی موجب شده است تا توسعه و مدیریت و... افق‌هایی غیرقابل دسترسی تلقی شوند که تنها در کتابها و نظریات باید در جستجوی آنها بود و بر مبنای یک پیش فرض، واقعیات عینی که در حال رخ دادن است آنچنان از الگوهای متعارف و نظریات علمی بدور است که حتی ارزش توجه و مشاهده را نیز ندارند چه رسد به مطالعه و تامل.

منظور از توسعه چیست؟ مگر نه اینکه توسعه به مفهوم متداول و متعارف آن دارای شاخص‌های معینی است که در هر جامعه‌ای قابل اندازه‌گیری بوده و بر مبنای آنها می‌توان درباره میزان توسعه‌یافتگی جوامع قضاوت کرد؟ چگونه است که اتفاقی کاملاً مشخص و مبتنی بر شاخص‌های توسعه در کشور و جامعه‌ای دیگر حرکتی در مسیر توسعه و یا به عنوان نماد توسعه‌یافتگی قلمداد می‌شود اما اتفاقی مشابه در ایران ما نشانه توسعه نیست؟ بواسطه غلبه چنین نگاههایی از خودبیگانه و خود کم بینی است که رشد و پیشرفت در بسیاری از شاخص‌های علمی و فناورانه و حتی تعریف و تمجید بیگانگان از توسعه علمی کشور برای ما غیرقابل باور است و به جای آنکه آن را توصیفی مبتنی بر واقعیت و داوری صحیح بدانیم و بدنبال اصلاح دیدگاه خود باشیم، آن را نشانه درک ناصحیح آن ناظر خارجی از واقعیات کشورمان دانسته و بر عقیده و نگاه ناصواب خود تأکید می‌کنیم.

چگونه است که می‌توان از الگوی توسعه و مدیریت بومی ژاپنی و چینی و کره‌ای و آلمانی و... سخن گفت و نه تنها از چارچوب علم خارج نشد بلکه به روزآمد بودن خود نیز افتخار کرد، اما نمی‌توان درباره توسعه و مدیریت بومی ایرانی سخن گفت و متهم به سطحی نگری نشد؟ چگونه است که تجارب موفق دیگران در این زمینه، حتی اگر در بستر کمک‌های بیشمار دیگران باشد، در خور تامل و حتی تقلید و یادگیری است اما تجارب موفق ما، در محیطی آکنده از تهدید و تحریم، حتی لایق بازبینی و بازخوانی نیز نیست؟

به نظر می‌رسد که غلبه رویکردهای انتزاعی و اصالت دادن به هر امر غیربومی در مقایسه با امر بومی، آفتی است که در بهترین حالت، بسیاری از دستاوردهای بومی ما را به محاق و انزوا می‌برد و در بدترین

حالت، به از دست دادن فرصتها و دریچه‌های با ارزش اما دیریابی منتهی می‌شود که می‌توانند مسیر توسعه و پیشرفت بومی و درون زای ما را هموار تر سازند.

با توجه به آنچه گفته شد، تبیین و اجرای نوعی الگوی توسعه بومی که با اقتضائات و شرایط انقلابی جامعه ایران نیز نه تنها سازگار بوده بلکه مقوم یکدیگر باشند، مهمترین ضرورت امروز جامعه ایران برای حرکتی مستمر و ضابطه‌مند به سمت توسعه همه جانبه تلقی می‌شود. این پژوهش بدنبال دستیابی به پاسخ‌ها و راهبردهایی برای آن دسته از چالش‌های نظری و عملی است که توسعه در چارچوب آرمانهای انقلاب اسلامی را غیرممکن یا غیرعملی می‌سازند. بنابراین پرسش اصلی ما در این تحقیق آن است که چگونه ایران می‌تواند در سطح ملی و در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، هم انقلابی باقی بماند و هم پیشرفت کند؟

### پرسش‌های تحقیق

- الزامات تحقق پیشرفت در چارچوب ایران اسلامی - انقلابی چیست؟
- مقاومت و استکبارستیزی در الگوی توسعه بومی ایران چه جایگاهی دارد؟
- ابعاد راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب توسعه بومی کدامند؟
- فرصتها و تهدیدهای انقلابی بودن برای توسعه بومی ایران کدامند؟
- مهمترین شاخص‌های جامعه و دولت انقلابی از منظر رهبران انقلاب اسلامی کدام اند؟
- مهمترین رویکردهای معارض در این زمینه در ایران امروز کدامند؟

### روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از منظر روش شناسی، روش کیفی است؛ و از منظر روش اجرای تحقیق (تکنیک‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات)، از دو مرحله تشکیل می‌شود:

**مرحله اول)** شامل مطالعات نظری مربوط به مستندات و ادبیات موضوع است که به تدوین چارچوب و الگوی ساختاری اولیه تحقیق منجر خواهد شد. هدف از این روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی پیرامون دیدگاهها و نظرات رهبران انقلاب اسلامی پیرامون نسبت میان آرمانهای انقلاب اسلامی و مقوله پیشرفت و توسعه است.

**مرحله دوم)** این مرحله از روش، به «مصاحبه عمیق» با خبرگان این حوزه اختصاص دارد. در این نوع از مصاحبه‌ها که به نام مصاحبه‌های «باز»، «ژرفانگر»، «بی ساختار» و «آزاد» نیز شناخته شده است. «پرسشگر در بیان پرسشها و پاسخگو در طرح آن آزادی کامل دارند، یعنی پرسشگر آنچه را که به نظرش ضروری می‌رسد مطرح می‌کند و در طرح سؤال خود هیچگونه محدودیتی احساس نمی‌نماید و پاسخگو در جواب دادن به سئوالها آزادی کامل دارد. پرسشگر چنین مصاحبه‌ای می‌تواند ایده‌های خود را در هر پرسش کلامی قرار دهد و سئوالهای خود را با هر عبارت که کامل باشد مطرح نماید و پاسخگو نیز می‌تواند جواب خود را به هر صورت که مایل باشد و در هر لفظی که دوست داشته باشد بیان دارد.» (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۲۱۴). پس در این نوع از مصاحبه «دست پژوهشگر یا پرسشگر باز است که:



اولاً- درباره نکته مورد نظر خود با سئوالات پی در پی آنقدر کنجکاوی نموده و عمق آنرا دنبال نماید که به نظرش لازم می رسد.

ثانیاً - ترتیب سئوالات و یا نکات را به دلخواه و نظر خود تغییر دهد.

ثالثاً - از هر شخص مطلع سئوالات متعددی را جویا شود» (رفیع پور، ۱۳۷۰: ۳۰۵).

### اعتبار و روایی پژوهش

راهکارهایی که برای اعتباربخشی به نتایج استفاده می شود شامل شنیدن و خواندن مکرر مصاحبه‌ها و استفاده از نظرات همکاران است. همچنین از نظارت خارجی استفاده خواهد شد؛ بدین معنا که بخشی از داده‌ها به محقق که ارتباطی با پژوهش نداشته، به منزله یک ناظر خارجی، داده خواهد شد تا مشخص شود که آیا او نیز درک مشابهی از داده‌ها دارد، یا خیر.

### جمعیت آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

در اینجا با نوعی نمونه گیری نظری و نه تصادفی سروکار داریم. هدف نمونه گیری نظری، نمونه گرفتن از حوادث، رخدادها و امثال آنها است که نشانگر مقولات و خصوصیات و ابعاد آنها است، لذا می توان آنها را به طور مفهومی گسترش و ارتباط داد. (کربین و اشتراوس، ۲۰۰۸: ۵۷) در تحقیقات کیفی رجوع به واقعیت تا وضعیت کفایت ادامه می یابد. کفایت هنگامی است که این قدر داده بدست آمده باشد که حالت اشباع نظری پیش آید. اشباع نظری زمانی اتفاق می افتد که در خلال مصاحبه یا مشاهده هیچ اطلاع جدیدی ظهور نکند و طبقه بندی‌ها و دسته بندی‌ها به خوبی تثبیت و اعتبار یافته باشد. (کربین و اشتراوس، ۲۰۰۸: ۲۱۲) به همین منظور سعی خواهد شد حداقل ۳۰ نفر از صاحب نظران این حوزه تا رسیدن به سطح اشباع نظری، گزینش و در سه گروه مورد مصاحبه قرار گیرند. گروه اول به متخصصین دانشگاهی مرتبط با حوزه علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت و مسایل توسعه در کشور اختصاص داشته و گروههای دوم و سوم را مسئولین و مدیران اجرایی یا صاحب تجربه در حوزه‌های تقنینی و اجرایی یا فعالان حزبی متعلق به دو جریان اصلی سیاسی در کشور تشکیل می دهند.

### روش‌ها و تکنیک‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها:

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می شود. بکارگیری این روش پژوهش شامل مراحل زیر می باشد:

۱. تلخیص داده‌ها: تفسیر مصاحبه‌ها، خلاصه کردن عبارت‌ها یا عبارتهای مترادف، قراردادن عبارات در

دسته بندی‌های وسیع تر.

۲. عرضه داده‌ها: یافته‌های حاصل از هر مصاحبه در جدولی جداگانه قرار گرفته و یک جدول کلی نیز

برای کدهای اختصاص یافته به مفاهیم تکمیل شد.

۳. نتیجه گیری: تحلیل محتوا در این پژوهش به به شرح زیر انجام می گیرد: آماده سازی داده، آشنا

شدن، کدگذاری و حصول معانی و مفاهیم.

## **فصل دوم**

### **الزامات پیشرفت و کارآمدی در اندیشه امام خمینی (ره)**

## مقدمه

اندیشه‌ها و آراء رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) تاکنون بارها مورد بررسی قرار گرفته و از زوایای فراوان بدان پرداخته شده است. چنین تحقیقاتی هر چند در شناخت ابعاد گوناگون وجودی و اندیشه‌ای آن امام بزرگوار مفید و موثر است اما بعضاً فاقد آن اصالت و جامعیت راهبردی است که مبتنی بر نسبت میان اندیشه‌های ایشان و مبانی انقلاب و نظام اسلامی باشد. دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون اندیشه‌های امام راحل (ره) هم از جهت آشنایی و قرابت ایشان با کنه اندیشه‌های امام (ره) و هم از جهت نوع نگاه راهبردی ایشان به این اندیشه‌ها می‌تواند تفسیر متمایز و اصیل تری نسبت به دیدگاه‌های موجود باشد. در قسمت اول این نوشتار با رجوع به برخی از بیانات معظم له پیرامون شخصیت و اندیشه‌های امام راحل (ره) در حوزه حکومتی سعی خواهیم کرد تا خوانشی مجدد از اندیشه‌های آن رهبر بزرگ در ارتباط با پیشرفت و توسعه کشور ارایه دهیم که بیش از هر چیز واجد خصایل راهبردی برای تداوم مسیر انقلاب اسلامی است. قسمت دوم این فصل به ارایه برخی از مولفه‌های مورد تاکید حضرت امام (ره) در پیوند با پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی دارد.

## الف) رهنامه پیشرفت در گفتمان امام خمینی (ره) از منظر رهبر معظم انقلاب

## • خودباوری؛ رمز رهایی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) نه تنها مهمترین نماد سیاسی و اجتماعی ایران معاصر است بلکه ایشان را می‌توان مهمترین نماد مقاومت و حق طلبی در دوران اخیر در تمام جهان دانست. ویژگی‌ها و خصایل شخصیتی ایشان در مقام یک انسان کامل و عبد صالح خدا به ایشان شخصیتی متمایز نسبت به سایر مصلحین اجتماعی جهان بخشیده است. در جهانی که بسیاری از منادیان اصلاح طلبی و رهایی بخشی از میان وابستگان به مکاتب الحادی برخاسته بودند، امام خمینی (ره) تنها منجی بزرگی بود که راه رهایی انسانها و جوامع از یوغ استعمار و استکبار و استبداد را پیوند با خالق هستی و حرکت در خودباوری و خواتکایی ملتها می‌دید. در پرتو چنین جایگاهی است که رهبر معظم انقلاب، عصر حاضر را عصر امام خمینی (ره) می‌نامند: «این عصر را باید عصر امام خمینی نامید و ویژگی آن عبارتست از پیدایش و جرأت و اعتماد به نفس ملتها در برابر زورگویی ابرقدرتها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سر بر آوردن ارزش‌های معنوی و الهی.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۶۹/۳/۱۳)

مهمترین رمز پیروزی انقلاب اسلامی این بود که ملت ایران به این خودآگاهی دست یافت که می‌تواند با رسیدن به خودباوری و عزت نفس ملی بر هر مانعی غلبه کند و سرسخت ترین نظام‌های استبدادی را نیز به زانو در آورد. امام راحل (ره) هم خود مظهر خودباوری بود و هم روحیه خودباوری را در میان تمام آحاد ملت ایران گسترش داد: «همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما میتوانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین.» (بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)،

(۱۴/۰۳/۱۳۹۱)

از نظر امام بزرگوار مان، رمز اقتدار یک ملت، توجه به قدرت و اقتدار درونی است. آنچه مایه پیشرفت یک کشور و یک ملت است، نه وابستگی آنها به بیگانگان بلکه تاکید بر درونگرایی و استحکام درونی است: «وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه میکنید، می‌بینید تکیه‌ی اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که این یک کار مقطعی نیست؛ این یک کار مستمر است، یک کار ادامه‌دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستائی مقابله کند. عواملی وجود دارد که یک انسان پیشرو را، یک ملت پیشرو را متوقف میکند.» (همان)

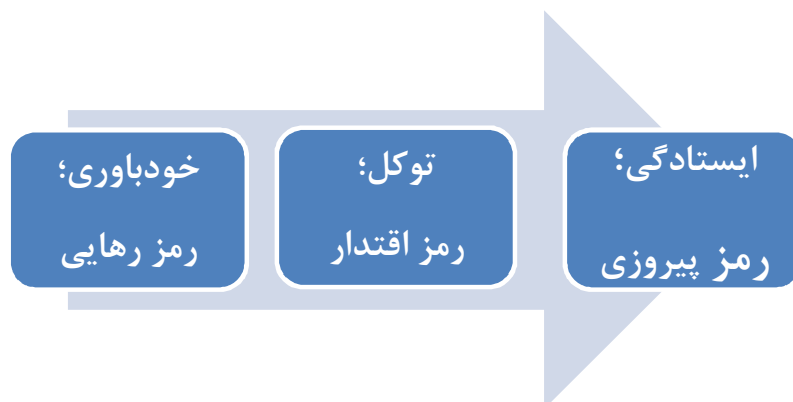
### • توکل؛ رمز اقتدار

اقتدار معنوی مهمترین وجه اقتدار یک رهبر است و امام خمینی(ره) بر مبنای چنین اقتداری توانست بزرگترین انقلاب قرن را هدایت کرده و به سرمنزل مقصود برساند. آنچه سیاستمداران الهی را از سیاست ورزان متداول، متمایز می‌کند، ارتباط آنها با ذات لایزال الهی است، همین توکل و اتکای بر خداوند است که هم به یک رهبر الهی عزت و سربلندی می‌دهد و هم ملت‌ها را در هدایت الهی به پیش می‌برد: «امام خمینی(ره) مصداق آیه «و توکل علی‌العزيز الرحيم» اگر عزت نفس در درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمیگذارد؛ هوی‌های نفس در انسان اثر نمیگذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه‌ی خود قرار نمیدهد. ما امام را اینجور شناختیم. امام در طول حیات، چه در حوزه‌ی علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت - در همه‌ی اینها مصداق «و توکل علی‌العزيز الرحيم» بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه میگفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه‌ی سدهائی که گفته می‌شد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود.» (بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱)

### • ایستادگی؛ رمز پیروزی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، ملت ایران از امام(ره) بزرگوارش آموخته است که تنها راه رهایی و نیل به عزت و سربلندی، مقاومت در برابر مستکبرین و استقامت در مسیر حق و عدالت است. «فرهنگ و روحیه مقاومت» مهمترین مولفه فرهنگ انقلاب اسلامی بود که توسط رهبر کبیر انقلاب به تاسی از معارف ناب اسلامی و شیعی در خدمت رهایی و عزتمندی ملت ایران قرار گرفت: «خصوصیات امام بزرگوار ما در آن چیزهائی که پیشرفت جامعه و حیات جامعه‌ی اسلامی محتاج آن هست، شبیه خصوصیات امیرالمؤمنین بود؛ البته با فاصله‌ی مشخصی که بین آن قله‌ی عظیم با انسانهای معمولی هست. امام بزرگوار ما در راه حق و عدالت قائل به رودربایستی و ملاحظه‌ی این و آن و ترس و ضعف و عقب‌نشینی نبود؛ او هم همانطور که امیرالمؤمنین توصیه فرموده بود که: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهل»، از تنهائی نمیترسید؛ از اینکه تنها بماند، نمیترسید، و اهمه نداشت؛ حق با اوست، پس خدا با اوست. با مجاهدت حرکت کرد، خدای متعال هم ملت ایران و ملت‌های مسلمان را با او در دل و در جوارح همراه کرد و دیدید چه حرکت عظیمی به وجود آمد. امام اینجوری بود. امروز هم مسئولان کشور و آحاد مردم ما اگر میخواهند ملت ایران به آن قله‌ی بلند عظمت و افتخار و عزتی که آرزویش را دارد، دست پیدا کند، باید همین راه را دنبال کنند؛ باید با شجاعت تمام، با آگاهی و بینش کامل، با خطرپذیری در مقابل قدرتمندان و زورگویان و

زورمندان عالم این راه را ادامه دهند. موفقیت در «ایستادگی» است.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت امیرالمومنین(ع)، ۱۳۸۶/۵/۰۶)



### ب) کارویژه‌ها و الزامات حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

#### • ایجاد رفاه مادی (توسعه)

در منظومه فکری امام خمینی(ره) نیز به تاسی از معارف اسلامی، حکومت اسلامی متکفل تامین ابعاد گوناگون زندگی مادی و معنوی انسانها است. ایشان بر مبنای همین رویکرد است که برقراری رفاه و سعادت برای همگان را از جمله نتایج برقراری حکومت اسلامی عنوان می کنند: «انشاءالله اگر حکومت اسلامی جریان پیدا بکند، برای همه رفاه هست، برای همه سعادت است، برای همه رفاه و سعادت دنیا و آخرت است. (امام خمینی، ج ۷: ۶۱) و حکومت اسلامی اگر همه انشاءالله پیاده بشود، به آنطوری که بر پیغمبر اسلام نازل شده است، سعادت دنیا و آخرت ملتها را ضمانت کرده است. (همان، ج ۱۳: ۳۶۶)

کارآمدی حکومت اسلامی به خاطر توجه و برنامه‌ریزی این حکومت برای ابعاد گوناگون زندگی انسانها و نیز تاکید بر اجرای این برنامه‌ها و قوانین است. برای تحقق این برنامه‌ها و نیل به کارآمدی، حکومت اسلامی مولفه‌ها و جهتگیری‌های مشخصی را دنبال می‌کند که یکی از مهمترین آنها از دیدگاه حضرت امام(ره) احیای تمدن بزرگ اسلامی است. از این رو حرکت به سمت پیشرفت همه جانبه کشور - مطابق با شرایط و معیارهای روز- از جمله ضروریات کارآمدی حکومت اسلامی محسوب می‌شود. امام(ره) در این باره می‌فرماید: «حکومت اسلامی مساوی با پیشگرایی و تمدن و ترقی است، نه مخالف با آن است.» (همان، ج ۵: ۶۹ - ۷۰)

امام خمینی (ره) ایجاد رفاه همگانی را از جمله مبانی اصلی ساختار حکومتی اسلام عنوان کرده و می‌فرماید: «در حکومت اسلامی، اداره‌اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس جمهورش برای رفاه مردم است، نخست‌وزیرش برای رفاه مردم است.» (همان، ج ۷: ۲۳۸)

ایجاد رفاه مادی در اندیشه امام راحل در گرو اجرای برنامه اقتصادی اسلام است: «اگر ملت ایران تسلیم احکام اسلام شوند و از دولتها بخواهند برنامه مالی اسلام را با نظر علمای اسلام اجرا کنند، تمام ملت در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد.» (همان، ج ۱۷: ۳۷۶)

یکی از مهمترین مولفه‌های برنامه اقتصادی اسلام توجه به اقشار آسیب‌پذیر جامعه است: «ما باید برای این طبقه کارگر و کارمند، که ضعیف هستند، طبقه‌ای که شما اینها را پایین می‌دانید در حالی که اینها از همه شما بالاتر و بلندمقام‌تر هستند، باید دولتها برای اینها کار بکنند.» (همان، ج ۷: ۳۳۵)

امام راحل درباره توجه به محرومین به مسئولین تاکید می‌کنند: «دولت واقعا باید با تمام قدرت آن‌طور که علی علیه‌السلام برای محرومین دل می‌سوزاند، دل بسوزاند. مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می‌رود که آنها را سیر کند.» (همان، ج ۱۸: ۱۵۹)

یکی دیگر از مولفه‌های تامین رفاه برای آحاد جامعه تاکید بر مقوله امنیت اقتصادی است که از جمله وظایف اولیه حکومت اسلامی به شمار می‌رود: «دولت اسلامی باید مردم را در همه چیز مطمئن کند، در سرمایه‌هایشان، در کسبشان، در کارخانه‌هایشان، در همه چیز مردم در آرامش باشند. و دولت ابتدا نمی‌تواند به آنها تادی بکند و نباید تادی بکند. و اگر کسی تادی کرد، تادیب خواهد شد.» (همان، ج ۱۷: ۱۶۱)

### • حکومت به مثابه خدمتگزار

از دیدگاه حضرت امام (ره) میزان کارآمدی حکومتها بسته به میزان خدمتگزاری آنها به مردم است (همان، ج ۹، ص ۴۲) از دیدگاه ایشان، اساسا دین اسلام دین خدمت به مردم است و به تبع آن حکومت اسلامی وظیفه ای جز خدمتگزاری به مردم ندارد. ایشان در همین زمینه خطاب به مسئولین نظام جمهوری اسلامی می‌فرمایند: «ملتفت باشید که شمایی که الآن به حکومت رسیده اید، [این] حکومت نیست؛ خدمتگزار هستید. اسلام حکومت به آن معنا ندارد. اسلام خدمتگزار دارد... شما خودتان را حاکم مردم ندانید؛ شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید.» (صحیفه امام(ره)، ج ۱۳: ۲۰۲ و ۲۰۳)

ایشان حتی انبیا و اولیای الهی را هم خدمتگزار مردم معرفی می‌کند (همان، ج ۱۵: ۳۵۸) مطابق با دیدگاه حضرت امام (ره)، خدمتگزاری به مردم باید در عرصه عمل خود را نشان دهد بگونه‌ای که مردم عملا احساس کنند که مسئولین خدمتگزار ایشانند و کارآمدی خود را در رفع عملی نیازهای آنها می‌بینند. ایشان در همین زمینه به مسئولین توصیه می‌کنند: «توجه به این معنا داشته باشد که حکومت باید در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم؛ حالی کنند لفظاً؛ حالی کنند عملاً.» (همان، ج ۱۳: ۳۸۲) و در جای دیگر می‌فرمایند: «همه ما و همه شما و همه کسانی که دست‌اندرکار امور مردم هستند - از دولت و از همه - [باید] این وضع را پیدا بکنند که خودشان را خدمتگزار بدانند... حکومت‌ها باید خدمتگزار مردم باشند. مردم [باید] احساس کنند که اینها به نفع آنها عمل می‌کنند.» (همان: ۳۷۰)

از منظر گفتمان امام خمینی(ره)، از برکات و نشانه‌های مشارکت عملی مردم در اداره کشور، احساس رضایت مردم از عملکرد مسئولین است. ایشان بارها در دیدار با مسئولین آنها را به جلب رضایت و محبت مردم توصیه می‌کنند: «آقا کاری باید بکنید که محبت مردم را جلب کنید. این هم رضای خدا در آن هست.» (همان، ج ۸: ۱۲۶) ایشان تلاش در این زمینه را وظیفه عمومی همه کارگزاران و مسئولین حکومتی ذکر می‌کنند: «همه‌مان و شما آقایان، همه و آنهایی که در اختیار شما هستند، همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید.» (همان، ج ۱۸: ۳۷۸) ایشان عنوان می‌کنند که حتی پیامبر اکرم (ص) هم به جلب رضایت و محبت مردم توجه ویژه داشت: «جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می‌کرد [و] دنبال این بود که مردم را جلب کند.» (همان، ج ۱۷: ۲۵۱)

در سیره حکومتی امام خمینی (ره) یکی از مهمترین شاخصه‌های حکومت مسئول و کارآمد، شفافیت آن و بالتبع محرمیت مردم با آن حکومت است که از لوازم آن می‌توان به ضرورت انتقادپذیری دولت و حکومت اسلامی اشاره کرد. (صحیفه امام ج ۲۱: ۲۰) ایشان در جایی دیگر در خصوص انتقاد آزادانه می‌فرماید:

«کوچک‌ترین فرد می تواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد.» (همان، ج ۵: ۴۴۹)

امام خمینی (ره) نظارت بر همه ارکان حکومت اسلامی را وظیفه آحاد جامعه اسلامی دانسته و در این زمینه می فرماید: «همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن.» (همان، ج ۷: ۱۱۸)

ایشان در جای دیگری با بیان این مطلب که از حاکم اسلامی می توان آشکارا و به طور صریح انتقاد کرد و او را حتی مورد استیضاح قرار داد، و او باید در برابر مردم خود را پاسخ گو بداند می فرماید: «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده دهد و در غیر این صورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است.» (همان، ج ۴: ۱۹)

### • مشارکت فعالانه مردم در اداره کشور

بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در کنار توصیه‌هایی که به مسئولین در قبال جایگاه و نقش مردم در حکومتداری می‌کنند، مردم را نیز موظف به پشتیبانی از حکومت و مشارکت در اداره کشور می‌داند. ایشان صراحتاً به مردم می‌گویند که اداره کشور وظیفه انحصاری دولت و مسئولین رسمی حکومتی نیست بلکه آنها نیز باید به نوبه خود بار این مسئولیت را بر دوش گرفته و در اداره کشور مشارکت فعال و موثر داشته باشند. ایشان خطاب به ملت می‌فرمایند: «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید ... و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند. دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد؛ شماها باید پشتیبانی کنید.» (همان، ج ۶: ۵۲۹) ایشان رفع مشکلات دولت را نیز در گرو مشارکت و پشتیبانی مردم در حکومت می‌داند: «دولت و مردم بایستی یکی باشند تا از گرفتاری و پیشامدهایی که برای دولت و مملکت پیش می‌آید، مردم از دولت پشتیبانی نمایند... دولت و مردم نبایستی از یکدیگر جدا باشند [و] اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خشنود می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌دزدند، ولی هرگاه یکی باشند، مردم گلیم زیر پای خود را در مواقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود...» (همان، ج ۱: ۱۲۲ و ۱۲۳)

در اندیشه امام خمینی (ره)، مشارکت مردم در حکومت تنها منحصر به بحث کارآمدی حکومت نیست، بلکه فراتر از آن، بقا یا زوال یک حکومت نیز بسته به میزان پشتیبانی مردم از آن حکومت است: «اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت.» (همان، ج ۸: ۳۷۲)

از دیدگاه امام راحل (ره) تفاهم و همدلی بین ملت و مسئولان حکومت علاوه بر آنکه دوام کشور را ممکن و میسر می‌سازد، نهایتاً به کارآمدی نظام اسلامی هم منتهی می‌شود. در اندیشه ایشان وحدت و یکدلی میان مردم و مسئولین از چنان اهمیتی برخوردار است که سلامت کشور در پرتو آن شکل گرفته و نتیجه فقدان آن نیز فساد و تباهی کشور است. (همان، ج ۸: ۲۳۰ و ۲۳۱) ایشان منشأ همه مشکلات را در جدایی دولت از ملت دانسته و می‌فرماید: «جدایی دولت‌ها از ملت‌ها منشأ همه گرفتاری‌هایی است که در یک کشوری تحقق پیدا می‌کند.» (همان، ج ۸: ۱۱۸)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی وجود تفاهم و اعتماد متقابل میان مردم با حکومت را شرط توفیق دولت در دستیابی به اهدافش می‌دانند: «اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد.» (همان، ج ۸: ۲۳۰) و «اگر یک مملکتی دولت و ملتش، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت با هم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو مملکتی و کشوری شکست نخواهد خورد.» (همان، ج ۹: ۱۴۴)

این اعتماد موجب می‌شود تا با افزایش مشارکت مردمی در اداره امور، کارآمدی دولت به شیوه‌ای مطمئن‌تر تضمین گردد. مشارکت مردمی به عنوان یک اصل بنیادین در نظام سیاسی اسلامی که در مبانی مردمسالاری دینی نیز ریشه دارد هم به اعتماد متقابل دولت و مردم وابسته است و هم می‌تواند روند تحقق دولت کوچک و کارآمد را تسهیل کند. امام در اهمیت مقوله مشارکت مردمی به آحاد جامعه توصیه می‌کنند: «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید، و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند، دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد، شماها باید پشتیبانی کنید.» (همان، ج ۶: ۵۲۹) و در جایی دیگر صراحتاً اصلاح و آبادانی کشور را منوط به مشارکت همه مردم در اداره کشور عنوان می‌کنند: «نمی‌شود که ملت کنار بنشیند و بگوید دولت همه کارها را بکند، یک همچو خرابه بزرگی را دولت به این زودی‌ها، اگر قدرت ملت نباشد نمی‌تواند آباد کند.» (همان، ج ۱۰: ۳۳۲) از دیدگاه امام (ره) کارآمدی حکومت اسلامی به حس مسئولیت‌شناسی همه آحاد ملت وابسته است و در این میان هیچ فرقی میان هیچکدام از مردم نیست: «اگر یک مملکت کارمندش و دولتش و ملتش و روحانیتش و بازارش و همه چیز، وقتی هر کدام به آن وظایفی که خدای تبارک و تعالی محول کرده بر آنها، خوب عمل کردند، این مملکت بعد از چندی همه‌اش درست می‌شود.» (همان، ج ۹: ۴۸۰)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بر مشارکت مردم در شئون مختلف اداره کشور به کرات تأکید شده است. به عنوان نمونه، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شوراهای استان، شهر و روستا با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند (اصل ششم) و از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی و شوراهای استان، شهرستان و روستا ارکان‌های تصمیم‌گیری در اداره امور کشور هستند (اصل هفتم). برای اینکه این حضور و مشارکت از بعد معنوی نیز ارزشگذاری، و از بعد انگیزش برای آحاد جامعه ظرفیت‌سازی شود با استناد به تکلیف دینی امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه مدنی همگانی و متقابل میان مردم نسبت به یکدیگر و دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت تعریف شده است (اصل هشتم).

همچنین دولت موظف است همه امکانات خود را به کار برد تا با رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه (اصل ۳، بند ۷) و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (اصل ۳، بند ۸) زمینه را برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (اصل ۳، بند ۶) و نیز محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی (اصل ۴۳، بند ۳) فراهم آورد. مسئولان کشور موظفند تلاش کنند تا با تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد (اصل ۸)

افزون بر این در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت (اصل ۹) و



به این ترتیب مردم نه تنها در گزینش فرمانروایان و اداره امور کشور مشارکت می‌کنند، بلکه از آنچه در دنیای امروز به عنوان حق نظارت همگانی بر هیأت حاکمه یاد می‌شود، نیز برخوردار است و این را نه حق که وظیفه خود نیز تلقی می‌کند و از این رو هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. (اصل ۲۳)

تفتیش عقاید ممنوع (اصل ۲۶) و نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند (اصل ۲۷)، تشکیل احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیتهای دینی شناخته شده (اصل ۵۸) و نیز اجتماعات و راهپیمایی‌ها (اصل ۵۹) از جمله حقوق و آزادی‌های ملت است.

حتی از نظر قانون‌گذاری نیز در محدوده مقرر در قانون اساسی اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود. (اصل ۱۰۰) و بالاتر اینکه در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. (اصل ۱۰۳)

مردم، حتی در سطح روستاها، با تشکیل شوراهای محلی بر همه برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی (اصل ۱۱۴) نظارت دارند و استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند. (اصل ۶۲)

#### • دیوانسالاری کارآمد

مطابق با آنچه در معارف اسلامی آمده است هر اندازه که یک نظام اداری در جامعه اسلامی با عقلانیت توحیدی نسبت بیشتری داشته باشد، به همان اندازه در جهت تامین رفاه و توسعه جامعه اسلامی موثرتر بوده و تحقق حیات طیبه اسلامی به عنوان هدف غایی نظام اسلامی را میسرتر خواهد ساخت. از این رو کارآمدی نظام اسلامی دارای شاخصه‌های معینی در حوزه‌های گوناگون مخصوصاً در حوزه اقتصادی است که تحقق آنها بدون توجه به اصلاح و کارایی نظام اداری و مدیریت اجرایی کشور امکانپذیر نخواهد بود.

در ادامه سیره حکمرانی نبوی و علوی که بر ضرورت گماشتن انسانهای صالح و کارآمد بر مصادر امور تاکید فراوان شده است، امام راحل (ره) نیز یکی از شروط کارآمدی نظام اسلامی را در گرو بهره‌گیری از مدیران و مسئولین کارآمد و شایسته می‌دانند: «بدبختی و خوشبختی ملت‌ها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیأت حاکمه است. اگر چنانچه هیأت حاکمه، کسانی که مقدرات یک کشور در دست آنهاست، اینها فاسد باشند، مملکت را به فساد می‌کشند، همه بعدها مملکت را رو به نیستی و فساد می‌برند.» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۰۹). و در جای دیگر می‌فرمایند: «تا دولت صالح نباشد مملکت صلاحیت پیدا نمی‌کند.» (همان، ۱۵۷).

امام خمینی (ره) در تبیین شاخص‌های حکومت کارآمد، از ضرورت جمع تخصص‌گرایی و ایمان دفاع کرده و انتخاب چنین افرادی را شرط کارآمدی حکومت اسلامی عنوان می‌کند: «دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران، به کردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت‌کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند ... نه بر دوستی و آشنایی و حرف‌شنوی بی‌تفکر و تأمل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. .... دوست خوب

برای دست‌اندرکاران، آن [کسی] است که در پیشرفت امور محوله به آنان مؤثر باشد و در خدمت ملت باشد، نه در خدمت آنان ... دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند. دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است، به پیش روند و این سیاست صحیح اسلامی است.» (همان، ج ۱۹: ۱۵۷ و ۱۵۸).

نظام اداری مطلوب از دیدگاه حضرت امام (ره) را می‌توان یک نظام کوچک و کارآمد دانست که در آن بسیاری از امور اجرایی بر عهده مردم گذاشته شده است. ایشان از جمله افرادی بودند که در برابر روند کلی دولتی کردن امور مقاومت کرده و همواره با تاکید بر بکارگیری مشارکت مردمی در اداره کشور بر لزوم ایجاد دولت محدود اما مقتدر و فعال تاکید داشتند: «دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی کنید، دولتی کردن در یک حدودی است که معلوم است، لکن مردم را شرکت بدهید، بازار را شرکت بدهید.» (همان، ج ۱۷: ۲۵۱). و یا در جای دیگری می‌فرماید: «دولت بی‌شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود.» (همان، ج ۱۹: ۴۴).

امام خمینی (ره) صراحتاً یکی از مهمترین رموز تعالی و کارآمدی نظام اسلامی را اصلاح نظام اداری عنوان می‌کنند. نکته مهم در اصلاح اداری از نگاه ایشان این است که تحقق آن باید به عنوان یکی از وظایف اصلی حکومت و مسئولین ارشد نظام دیده شود: «اصلاح دولت و اصلاح ادارات و اصلاح جامعه و بازسازی، همه اینها بر دوش شما آقایانی است که در رأس امور هستید و چنانچه همت نگمارید چه‌بسا که ما قدم را به واپس برداریم.» (همان، ج ۱۵: ۴۹۲). این عبارت حضرت امام (ره) به خوبی اهمیت اصلاح نظام اداری را نشان می‌دهد بگونه‌ای که عدم رسیدگی به این مهم، موجب عقب ماندگی ملت و کشور خواهد شد.

### • التزام به قانون

امام خمینی (ره) در راستای ضرورت شکل‌گیری و استقرار و تداوم توأم با کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، قانون‌گرایی را از شرایط ضروری جامعه و حکومت اسلامی برشمرده بگونه‌ای که حکومت اسلامی را حکومت قانون می‌نامند: «در اسلام قانون است. همه تابع قانونند و قانون هم قانون خداست؛ قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است؛ قانونی است که قرآن است؛ قرآن کریم است و سنت رسول اکرم است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل بکنیم. فرقی ما بین اشخاص نیست در قانون اسلام؛ فرقی ما بین گروه‌ها نیست.» (صحیفه امام، ج ۹: ۴۲۵) امام عزیز قانون‌گرایی را عمل به رسالت کلیه انبیاء اعلام می‌کنند: «از صدر عالم تاکنون تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقرار کردن قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند.» (همان، ج ۱۴: ۴۱۴)

از منظر ایشان قانون‌گرایی و التزام به قانون از جانب همگان، مبنای نظام و عدالت و بی‌قانونی و قانون‌ستیزی منشأ اختلافات است. (همان) ایشان در جایی دیگر و در خطاب به مسئولین نظام جمهوری اسلامی می‌فرمایند: «اگر می‌خواهید که از صحنه بیرون‌تان نکنند، بپذیرید قانون را. نگویید هی قانون و خودتان خلاف قانون بکنید! بپذیرید قانون را. همه تان روی مرز قانون عمل بکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید.» (همان، ۳۷۸)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم تأکید شده است که مفاد قانون اساسی و تمام قوانین، که به تصویب نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی می‌رسد، باید توسط فقهای شورای نگهبان منطبق با موازین اسلام تشخیص داده شود. بنابراین رعایت موازین قانونی هم از جهات شرعی و هم از جهات مدنی برای آحاد جامعه الزام‌آور است و در هر صورت، عدم رعایت آن، هم مجازات مدنی دارد و هم عقوبت الهی بر آن متصور است. بنابراین پایبندی به قانون از درجات بسیار زیادی در حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی برخوردار است (اصل چهارم قانون اساسی).

### • برقراری عدالت

حکومت عادل جلوه واقعی یک حکومت کارآمد است. به عبارت دیگر آنچه می‌توان مهمترین نشانه کارآمدی یک حکومت یا نظام سیاسی باشد میزان تلاش و توفیق آن نظام در بسط عدالت در جامعه است: «آن کسی که به یک ملتی حکومت دارد، چنانچه عدالت‌پرور باشد، دستگاه او عدالت‌پرور خواهد شد، قشرهایی که به او مرتبط هستند به عدالت گرایش پیدا می‌کنند، تمام اداراتی که تابع آن حکومت است، خواه ناخواه به عدالت گرایش پیدا می‌کنند و عدالت گسترده می‌شود» (همان، ج ۹: ۱۳۵) و نیز «باید دولتی بوجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند، و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند.» (همان)

### • رویه و فکر واحد (پرهیز از سیاست‌بازی)

حکومت اسلامی تنها آهنگام از نهایت کارآمدی برخوردار خواهد بود که با اصالت کار و تلاش به اداره جامعه بپردازد و در این میان منافع و مقاصد سیاسی و جناحی هیچ جایگاهی نداشته باشند. بی‌تردید دلمشغولی به بازی‌های سیاسی به عنوان مهمترین مانع بر سر راه حل مسایل جامعه می‌تواند یکی از مؤلفه‌های سلب کارآمدی نظام شود. امام (ره) درباره ضرورت پرهیز از سیاست‌زدگی و گروه‌گرایی می‌فرماید: «دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است به پیش روند و این سیاست صحیح اسلامی است. و خدای نخواستہ در سیاست‌بازیهای گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می‌شوند. (همان، ج ۱۹: ۱۵۷) من از همه ارگانهای دولتی و ملی و همه گروهها می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند و از راهی که ملت می‌رود منحرف نشوند، و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست‌بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند و در صدد تضعیف یکدیگر برنیایند.» (همان، ج ۱۲: ۴۴۳).

### • انسجام ملی و سیاسی

امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، هم بر انسجام ملت محور تأکید دارد و هم انسجام امت محور را حائز اهمیت می‌داند. او در دوران حاکمیت تفکر انسجام امت محور، هنگامی که صادق خلخانی از تغییر نام خلیج فارس به خلیج اسلامی یاد کرد، انقلابیون را از اظهار چنین موضعی بازداشت. امام خمینی (ره) دو تفسیر متفاوت از اسلام ارائه کرد، اسلام کشورهای مسلمانی که با منویات استکبار جهانی هماهنگ بود اسلام آمریکایی نام نهاد و اسلام ایران انقلابی و داعیه‌دار مبارزه با استکبار جهانی را اسلام ناب محمدی اعلام کرد. در انسجام ملت محور، امام به استقلال ایران می‌اندیشید، اصل تعدد و تمامیت ارضی کشورها را مابین با اسلام نمی‌دانست و از رابطه دولت پیامبر(ص) با دیگر دولت‌ها به عنوان یک واحد ملی مستقل مثال ذکر می‌کرد و با تمام وجود برای هویت ایرانی در کنار هویت اسلامی ارزش قائل بودند. علی اکبر ولایتی در این‌باره

می‌گوید: «بحث تصمیم‌گیری در خصوص نام شط‌العرب یا اروندرود بود که از امام خمینی (ره) پرسیدند نام قطعی آنجا چه باشد و ایشان فرمودند اروندرود چه اشکالی دارد؟! این امر نشان می‌دهد که امام (ره) به هویت ایرانی اسلامی اهمیت می‌دادند.» (ولایتی، ۱۳۸۷: ۵)

همچنین امام (ره) با رویکردی واقع‌گرایانه انقلاب اسلامی را با اصولی همراه ساخت که با نقطه‌ی عزیمت واحد ملی ایران به سمت انسجام و اتحاد جهانی اسلام حرکت کنیم. اصل وحدت ایمانی و اسلامی، اصل همبستگی‌های سرزمینی، اصل مسئولیت‌پذیری در قبال مسلمانان جهان، اصل حمایت از محرومان و مستضعفان صرف نظر از نوع دین آنها در الگوی فکری امام (ره) در تعامل و پویایی هستند. امام خمینی (ره) اعتصام به حبل‌الله و اجتماع بر پایه حق را مبنای وحدت و انسجام سیاسی عنوان کرده و در سخنرانی خویش در جمع طلاب مدرسه فیضیه در ۷ تیر ۵۸ می‌فرمایند: «شما آقایان، که ان شاء الله تشریف می‌برید و موفق می‌شوید و مردم را هدایت می‌کنید، اولاً دعوت کنید همه را به وحدت کلمه. خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا. هر اجتماعی مطلوب نیست، وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ مَطْلُوبٌ است. همان است که اَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ. اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند.» (صحیفه امام (ره)، ج ۸: ۳۳۴)

ایشان همچنین در سخنرانی در جمعه بانوان دانشجوی اصفهان در ۲۶ تیر ۵۸ فرمودند: «دستور همان است که آیه شریفه را که این خواهر خواندند، فرمود: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا. در آیه فقط امر به اجتماع نیست، تمام دستورهای مردم عادی و رژیم‌های غیر الهی این است که همه با هم باشید فقط دستور به اجتماع است. لکن دستور خدا دستور وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ است. اینکه مهم است این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید؛ امر این است که همه با هم اعتصام به «حبل‌الله» بکنید. راه، راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد. انبیا نیامده‌اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند، انبیا آمده‌اند که همه را در راه حق مجتمع کنند؛ یعنی - این راهی که - راهی است که از طبیعت شروع می‌شود تا ماوراء الطبیعه، و تا آنجا که ماها نمی‌توانیم الآن بفهمیم. اگر همه با هم مجتمع بشوند و این راه را بروند، دسته جمعی این راه را بروند، این اداره امور دنیا را می‌کند و اداره امور آخرت را، هر دو.» (همان، ج ۹: ۱۳۰)



### جمع بندی

به عنوان جمع‌بندی این فصل می‌توان بار دیگر به روایت مقام معظم رهبری از مکتب امام (ره) ارجاع داد. رهبر معظم انقلاب در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت امام خمینی (خردادماه ۹۴) بیانات مهمی را ایراد فرمودند که بخش مهمی از آن به بیان مواضع تحریف راه امام(ره) و بیان مقومات و اصول مکتب امام اختصاص داشت. آیت الله خامنه‌ای در این بیانات ضمن تشریح آفتهای موجود بر سر راه انتقال پیام و مسیر مکتب امام خمینی(ره) به اصول هفتگانه این مکتب اشاره کرده و از همگان می‌خواهند که مکتب امام را در این هفت اصل و سایر اصولی که از منابع معتبر و متواتر قابل استخراج است، جستجو کنند.

مهمترین محور بیانات رهبری در بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) به هشدارها و تأکیدات ایشان در خصوص خطر تحریف راه و مکتب امام خمینی (ره) اختصاص دارد. این تحریف‌ها از آن رو حایز اهمیت است که بی توجهی به آنها ملت ایران را از مسیر اصلی تحقق اهداف انقلاب اسلامی دور خواهد کرد. از نظر آیت الله خامنه‌ای، ملت ایران تنها آن هنگام در مسیر اصلی تحقق اهداف و آرمانهای انقلاب قدم برخواهد داشت که با تحریف مکتب امام(ره) مقابله کند: «اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد. همه باید بدانند که هاضمه‌ی سیری ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورشان برنداشته است؛ یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع‌شده‌ی در یک چهارراه حسّاس جهانی، برای قدرتمندان دغل‌باز عالم خیلی مهم است. اینها دست از طمع خود برداشته‌اند، چشم برداشته‌اند؛ فقط آن وقتی عقب

خواهند نشست که شما ملت ایران آن چنان قدرتی پیدا کنید، آن چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجا است که خطر تحریف امام اهمیت پیدا میکند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه‌ی این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجا است که خطر تحریف امام به‌عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه‌ی به این راه دارند و عموم جوانان، فرزندان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود.» (بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در قسمت پایانی بیاناتشان به آرایه اصول و مبانی هفتگانه ای می پردازند که از طریق مراجعه اصولی به سیره امام(ره) استخراج شده است و رجوع به آنها می تواند مسیر تحریف شخصیت و مکتب امام(ره) از سوی دشمنان خارجی و مغرضین داخلی را مانع گردد. رهبر معظم انقلاب هر چند اصول مکتب امام(ره) را به این هفت اصل، محدود نمی دانند و دیگر صاحب‌نظران را به کاش و استخراج سایر اصول دعوت می کنند، اما اصول ذیل را «جزو مسلمات منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام» عنوان می کنند:

۱. اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است.
۲. [دومین اصل] از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است.
۳. سوم؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛
۴. نکته‌ی چهارم در بُعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود.
۵. نکته‌ی پنجم در بُعد خارجی [است]. امام صریحاً در جبهه‌ی مخالف قسدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی کرد.
۶. یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، رد سلطه‌پذیری [است].
۷. یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خط امام مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیتها، فارس و عرب و ترک و لر و بلوچ و امثال اینها.



## **فصل سوم**

### **الزامات پیشرفت و کارآمدی در اندیشه مقام معظم رهبری**



## مقدمه

جایگاه «رهبری» در نظام جمهوری اسلامی ایران، واجد ویژگیهای چند سویه ای است؛ از یکسو، رهبری بالاترین مقام رسمی کشور است و برخی از مقامات رسمی کشور (نظیر رییس قوه قضاییه، فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی، فقیهان شورای نگهبان، رییس صدا و سیما، اعضای حقیقی شورایی انقلاب فرهنگی، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و...) مستقیماً توسط ایشان تعیین می گردند و از این رو نقشی تعیین کننده در تعیین سیاستها و سیاستگزاران کلان و موثر نظام ایفا می کنند و از سوی دیگر، رهبر انقلاب اسلامی مهمترین معیار «انقلابی» بودن در نظام جمهوری اسلامی به شمار رفته و گفتمان ایشان را باید مرجع تشخیص چارچوب و شاخصهای انقلابیگری و پیشرفت در کشور در نظر گرفت. مقام معظم رهبری در طول بیش از سه دهه گذشته بارها به تبیین ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی پرداخته و در سخنرانیهای متعدد با دولتمردان و کارگزاران نظام، توصیهها و رهنمودهای خود در خصوص شاخصها و الزامات کارآمدی دولت و پیشرفت کشور در حوزهها و عرصههای مختلف را بیان کرده اند. علاوه بر بیاناتی که در مقاطع مختلف از سوی ایشان ایراد شده است، تاکید ایشان در نامگذاری دهه چهارم انقلاب با عنوان دهه «پیشرفت و عدالت» و نیز تاکید بر لزوم تدوین و تبیین «الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت» را می توان نشانه ای از دغدغههای ایشان در حوزه توسعه و پیشرفت کشور دانست.

در این فصل بدنبال آن خواهیم بود تا با مروری بر مهمترین دیدگاههای رهبر معظم انقلاب پیرامون شاخصها و الزامات کارآمدی، پیشرفت و آرمانگرایی در نظام اسلامی، به تعریفی مشخص از جامعه و دولت انقلابی و توسعه یافته از منظر گفتمان انقلاب اسلامی نزدیک شویم.

### ۱. «انقلابی بودن» به مثابه دال اصلی سیاست ورزی انقلابی

در اندیشه و گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی، هر چند تنوع و تعدد جریانها و گفتمانهای سیاسی در ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی به رسمیت شناخته شده است اما ایشان هیچگاه خود را در ذیل این خرده گفتمانها تعریف نکرده اند و همواره تنها ملاک و معیار برای تعریف خودی و غیر خودی در نظام اسلامی را انقلابی بودن دانسته اند. از منظر مقام معظم رهبری، انتساب به هر یک از جریانهای سیاسی معیار انقلابی بودن یا غیرانقلابی بودن افراد نیست بلکه در میان هر کدام از جریانها می توان افرادی از هر دو نوع را مشاهده کرد. سیره سیاسی رهبری نیز موید این واقعیت است که ایشان همواره جریانها، افراد و دولتها را بر مبنای میزان انطباق آنها با آرمانها، اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی مورد ارزیابی قرار داده اند. از منظر ایشان، انقلابی بودن یا نبودن تنها ملاک و معیار ارزیابی در نظام جمهوری اسلامی است. بواسطه اهمیت این معیار است که تاسی به شاخصهای انقلابی بودن در اندیشه و گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی می تواند سرآغاز تشکیل و تداوم یک دولت توسعه گرای انقلابی در تراز انقلاب شکوهمند اسلامی باشد. بر مبنای بیانات آیت الله خامنه ای، اصول انقلاب که بر مبنای میزان اعتقاد و التزام به آنها می توان میان افراد و جریانها به داوری نشست، به این شرح است: «اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیتنامه ای امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است.» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبههای نماز جمعه تهران، ۲۰/۰۶/۱۳۸۸) سایر معیارهای انقلابی بودن از دیدگاه ایشان عبارتند از:

### ✓ تاکید بر دینی و اسلامی بودن نظام

یکی از مهمترین الزامات باقی ماندن در دایره گفتمان انقلاب اسلامی، مرزبندی شفاف و قاطع با هر نوع رویکرد و جریانی است که بدنبال منحرف کردن نظام از چارچوب و مبانی دینی آن است. به عبارت دیگر، مهمترین معیار انقلابی بودن تاکید بر هویت دینی نظام اسلامی و پاسداری از این هویت است. همسو و همزمان شدن با جریان‌هایی که بدنبال سکولاریزه کردن نظام هستند از جمله عللی است که افراد و جریانها را از دایره گفتمان انقلاب اسلامی خارج می‌سازد. در واقع پایبندی و دفاع از اسلامیت نظام، خط قرمز تمام نیروهای وفادار به انقلاب است. رهبر معظم انقلاب در تبیین اهمیت این نکته می‌فرماید: «نکته این است که باید همه مراقب باشیم که نظام جمهوری اسلامی - که نظام اسلامی است، نظام دینی است، مفتخر به این است که در قالب احکام دین و اسلام و قرآن می‌خواهد حرکت کند - تبدیل نشود به یک نظام بی‌اعتقاد به دین؛ به قول آقایان، یک نظام سکولار؛ باطن سکولار، ظاهر دینی؛ باطن مجذوب به فرهنگ غربی و قدرتهای مسلط بر آن فرهنگ، و ظاهر شعائر دینی و مسائل دینی دم‌دستی؛ اینجوری نشود. نظام اسلامی باید به معنای واقعی کلمه، اسلامی باشد و روزبه‌روز به مبانی اسلام نزدیکتر شود؛ این است که گره‌های فروبسته را باز می‌کند، این است که مشکلات را حل میکند، این است که به جامعه عزت و اقتدار می‌دهد، این است که طرفداران نظام جمهوری اسلامی را در همه جای دنیا بیشتر خواهد کرد.» (همان)

### ✓ مرزبندی با دشمن؛ شرط انقلابی بودن

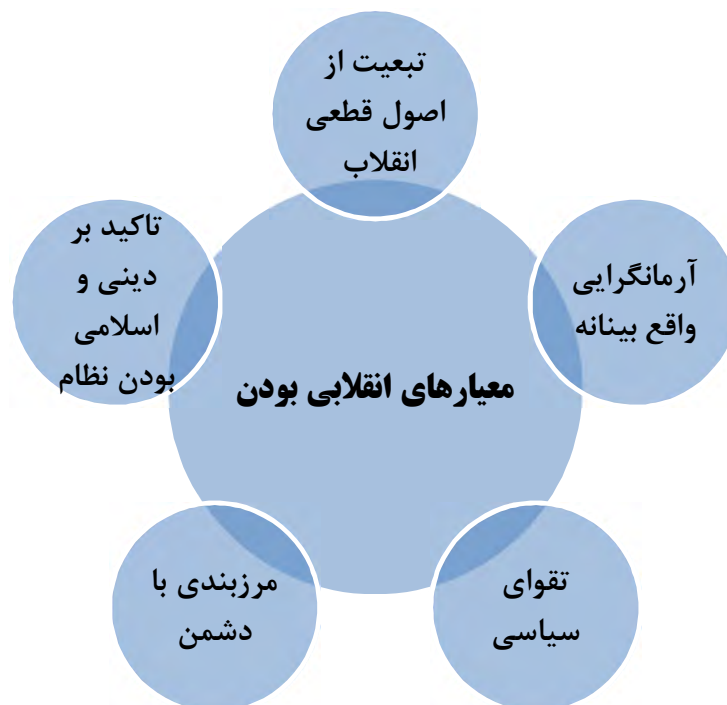
نکته مهم بعدی در شاخص‌های انقلابی بودن که به نوعی در تداوم شاخص قبلی معنا می‌یابد، آن است که موضع‌گیری‌ها و رفتار سیاسی ما بگونه‌ای باشد که ذره‌ای دشمن‌هراسی یا همخوانی با منویات و خواسته‌های دشمنان شناخته شده انقلاب در آن وجود نداشته باشد. بی‌تردید هرگونه همراستایی با مواضع دشمنان و حرکت در امتداد منویات آنها، می‌تواند افراد و جریانها را از گردونه نیروهای انقلاب خارج سازد: «مرزها را باید روشن کرد. بعضی، از دشمن رودرپایستی دارند؛ بعضی، ملاحظه‌ی دشمن را می‌کنند. ملاحظه‌ی ملت را باید کرد، ملاحظه‌ی خدا را باید کرد، نه ملاحظه‌ی دشمن را. دشمن، دشمن است؛ هرچه ملاحظه‌کنی، هر چه عقب بنشیننی، او جلو می‌آید. اگر خاکریز شما در مقابل دشمن خاکریز مستحکمی نباشد، او نفوذ می‌کند. دشمنان این را می‌خواهند. یکی از شاخص‌ها همین است. مردم در هر جای کشور هستند، به این شاخص توجه کنند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲)

### ✓ تقوای سیاسی لازمه انقلابی بودن

تقوای سیاسی را می‌توان شاخه‌ای از مفهوم تقوا در چارچوب دینی آن دانست که لازمه حضور انقلابی در عرصه سیاسی و اجتماعی است. رهبر معظم انقلاب با تاکید بر شاخص‌هایی نظیر التزام به نظام، قانون اساسی و راه امام (ره) به عنوان لازمه تقوای سیاسی می‌افزاید: «آن کسی که اسلام را نمی‌پسندد و مقررات اسلامی را قبول نمی‌کند و برای خاطر دل بیگانگان و خوشامد دیگران، به انقلاب و ارزش‌های انقلابی اهانت می‌کند و یا به خاطر ترس از دیگران، به جای این‌که به ملت گرایش نشان دهد، به دشمن گرایش نشان می‌دهد و آن کسی که تقوای لازم را ندارد و اهل معنویات نیست و اهل دنیاست و فقط برای نام و نشان و استفاده‌ی شخصی، این مسؤولیت را می‌خواهد، او لایق و شایسته‌ی این کار نیست.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۴/۱۲/۱)

## ✓ انقلابی یعنی آرمانگرایی واقع بین

رهبر معظم انقلاب در تبیین شاخص‌های رفتار انقلابی بر پرهیز از هر نوع افراط و تفریط، و حرکت در چارچوب آرمانگرایی واقع بینانه تأکید می‌کنند. رویکردی که جمع میان شور و شعور، عقل و ایمان، آرمانگرایی و اعتدالگرایی است: «اگر ما توانستیم آرمانگرایی را با واقع‌بینی و واقع‌گرایی همراه کنیم، ترجمه عملیاتی‌اش می‌شود این که ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در یک چارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگزاران نظام، مرداد ۹۱) ایشان در واکنش نسبت به یکی از معضلات امروز ما در عرصه سیاسی که تفکر و رویکرد ارزشی و انقلابی را با خردگرایی و افراط‌گرایی یکی می‌داند، تأکید می‌کنند: «آرمانگرایی را با پرخاشگری اشتباه نکنیم؛ تصور نکنیم که هر کس آرمانگراتر است، پرخاشگرتر و دعوکن‌تر است.» (بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان، مرداد ۹۱) ایشان در همین زمینه هر نوع انتخاب و تصمیم‌گیری بر مبنای احساسات زودگذر و بی‌اعتنا به علم و خرد را شدیداً نهي می‌کنند: «تصمیمی که بر اساس یک احساس گرفته بشود، یک مطالعه دقیق، موشکافانه و عالمانه پشت سرش نباشد، آن تصمیم، لزوماً تصمیم درستی نیست.» (همان)



## ۲. «مردم»، مبنای تحقق نظام اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی بر آمده از مردم و برای مردم تعریف می‌شود. انقلابی که مبنای اصلی حرکت خود را رهایی مردم از قید استبداد و استعمار و تحقق آرزوها و آرمانهای دیرینه ملت ستمدیده ایران قرار داده بود. مهمترین شعار و آرمان انقلاب اسلامی تاسیس و ایجاد حکومتی بود که در آن مردم نقش اساسی را در اداره جامعه و تعیین سرنوشتشان بر عهده داشته باشند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره)، بارها در سخنرانی‌های قبل از انقلابشان، نظام سیاسی آینده ایران را «جمهوری اسلامی» نامیده

بودند و بر نقش و جایگاه مردم در شکل‌گیری و اداره این نظام تأکید فراوان داشتند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که می‌توان آن را تجلی خواستها و آرمانهای این انقلاب بزرگ دانست، بارها بر نقش و جایگاه مهم مردم در اداره حکومت تأکید شده است. مطابق با قانون اساسی، انتخاب مسئولان نظام (رهبری، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و ...) مستقیم یا غیرمستقیم از سوی مردم صورت می‌گیرد. همچنین به طور غیر مستقیم در انتخاب وزراء و مسئولان عالی رتبه دیگری که توسط ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شوند نقش دارند. دیدگاه رهبر معظم انقلاب را نیز باید در تداوم آرمانهای بلند انقلاب اسلامی و جایگاه کلان مردم در نظام اسلامی تفسیر کرد. ایشان صراحتاً تأسیس نظام اسلامی را منوط به حضور و خواست مردم عنوان می‌کنند: «در نظام اسلامی، رأی، خواسته و عواطف مردم، تأثیر اصلی را دارد و نظام اسلامی بدون رأی و خواست مردم تحقق نمی‌یابد.» (روزنامه اطلاعات، ۷۹/۶/۱۰) مهمترین تأکیدات رهبر معظم انقلاب در این زمینه عبارتند از:

#### ✓ التزام به «مردمسالاری دینی»

دیدگاه رهبر معظم انقلاب در خصوص جایگاه مردم در نظام اسلامی را باید در تأکیدات ایشان در خصوص مفهوم «مردمسالاری دینی» مورد بررسی قرار داد. الگویی جدید از حکومتداری که نتیجه مستقیم اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی است: «امروز مردم سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران، حرف نو و جدیدی است که توجه بسیاری از ملت‌ها، شخصیت‌ها و روشنفکران عالم را به سوی خود جلب کرده است.» (روزنامه کیهان، ۷۹/۸/۲۹)

از دیدگاه رهبری، مهمترین تفاوت این الگو با نظام‌های دموکراسی متداول این است که در نظام مردمسالاری دینی مردم به طور «واقعی» و ملموس در جریان اداره کشور حضور دارند و نه بواسطه منافع حزبی و رقابتهای سیاسی: «اینجا مردمنده که دارند تصمیم میگیرند، مردمنده که دارند تشخیص میدهند. ممکن است این تشخیص یک جا درست باشد، یک جا غلط باشد - بحث در این نیست - اما تصمیم‌گیر، خود مردم هستند. پشت سر آراء مردم، آراء باندهای قدرت و ثروت و اینها قرار ندارد. در انتخابات، واقعاً احترام به رأی مردم است؛ احترام به تشخیص مردم است.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸۸/۱۲/۶)

از دیدگاه رهبر انقلاب، مردمسالاری در این الگو در تطابق کامل با اسلام‌گرایی قرار دارد و در واقع ریشه مردم‌گرایی این نظام در اسلام‌گرایی آن نهفته است: «اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما - که مردم‌سالاری دینی است - دارای فلسفه و مبناست. (بیانات رهبری در حرم مطهر امام خمینی (ره))، (۱۳۸۰/۳/۱۴)

#### ✓ خدمت به مردم؛ اولین وظیفه مسئولین

در حکومت اسلامی آنگونه که رهبری مشخص کرده اند، اصل و اساس حکومت، مردم هستند و آنها را باید صاحبان اصلی انقلاب و کشور دانست: «در نظام اسلام، کشور متعلق به مردم، و اصل، مردم است.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۹/۱) در چنین وضعیتی، مسلماً مهمترین وظیفه تمام ارکان حکومت نیز خدمت به مردم و بسیج تمام همت خود برای انجام این وظیفه خواهد بود: «تکلیف و وظیفه مسئولان در

نظام جمهوری اسلامی ایران، بکارگیری تمام توان برای خدمت به مردم است». (روزنامه کیهان، ۷۹/۸/۲۸) بدینگونه است که برخلاف بسیاری از دیدگاههایی که حکومت اسلامی را از وظایفی که در قبال سرنوشت دنیای مردم دارد معاف می‌دانند، رهبر معظم انقلاب صراحتاً بر وظایف مسئولین در قبال تامین رفاه و معیشت مردم به عنوان یک اصل ضروری تاکید می‌کنند: «در نظام مردم سالار دینی، رسیدگی به امور مردم، تأمین رفاه و آسایش و حل مشکلات آنان... یک اصل مهم است». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۹/۱)

از دیدگاه رهبری، آنچه خدمتگذاری در نظام اسلامی را با عملکرد مسئولین در سایر نظام‌های مردمسالار متفاوت می‌کند، اصالت یافتن خدمت در نزد مسئولین بدور از هر نوع تظاهر به خدمت در جهت تامین منافع سیاسی است: «منت نگذاشتن به مردم در قبال کارهای انجام شده، مبالغه نکردن در گزارش عملکردها، پرهیز از دادن وعده‌های بدون عمل، خودداری از خودمحموری و خودخواهی در قبال مردم، و ندادن دستور و امر و نهی به مردم به واسطه برخورداری از مقام و منصب، تلاش برای کسب رضایت مردم و خودداری از کسب رضایت صاحبان قدرت و ثروت، از جمله وظایف مهم مسئولان نظام اسلامی است». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۹/۱۳)

در راستای اصل خدمتگذاری به مردم است که لزوم پاسخگویی مسئولین به مردم نیز معنای خاصی در نظام اسلامی می‌یابد که آن را با دموکراسی‌های غربی متفاوت می‌سازد: «وجه دیگر نظام مردم سالاری دینی، وظایف جدی مسئولان و دولتمردان در قبال مردم است. تبلیغ و جنجال برای گرفتن رأی از مردم و سپس به فراموشی سپردن آنان و عدم پاسخگویی به مردم، با مردم سالاری دینی سازگار نیست». (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۷۹/۹/۱)

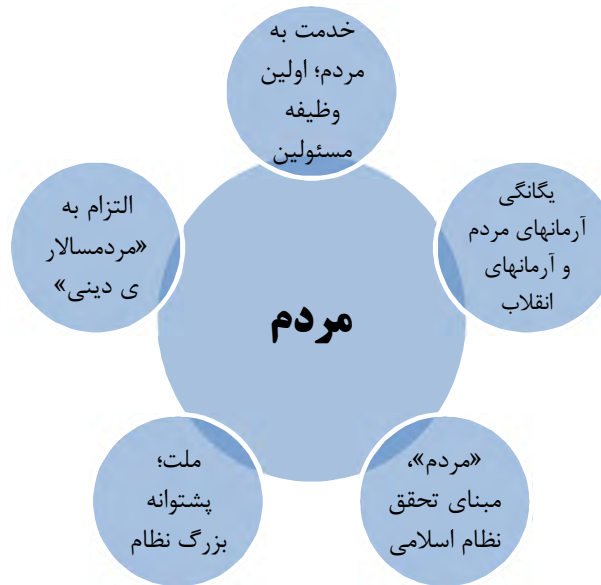
### ✓ یگانگی میان آرمانهای مردم و آرمانهای انقلاب اسلامی

از دیدگاه رهبری، مردم با انقلاب اسلامی بدنبال تحقق نظامی بودند که آنها را به سوی سعادت واقعی رهنمون شود و نظام جمهوری اسلامی نیز چنین آرمانی را سرلوحه خود قرار داده است، از این رو به هر اندازه که نظام اسلامی در تحقق آرمانهای انقلاب موفق تر عمل کند، مردم نیز در تحقق مطالباتشان به رضایت بیشتری دست خواهند یافت: «بنای حکومت اسلامی، این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد... اراده دین (این) است که انسان را از ظلمات خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسایل شخصی، خارج کند و به نور ببرد. نور اخلاص، نور صفا، نور تقوا... اگر این طور شد، جامعه، نورانی خواهد شد». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۱/۱۱)

### ✓ ملت؛ پشتوانه بزرگ نظام

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات گوناگونشان بارها از ویژگی‌های منحصر بفرد ملت ایران به عنوان پشتوانه بزرگ انقلاب اسلامی و عامل نیرومندی جامعه ایران نام برده اند: «ملت ایران نیرومند و تواناست. چرا؟ چون ملتی است دارای هوش، استعداد و دارای نسل بزرگی از جوانان در این دوران معاصر که خود، سرمایه بسیار عظیمی است... ملت مؤمنی است». (روزنامه کیهان، ۷۹/۸/۲۵) بواسطه چنین آگاهی و بصیرتی است که نظام اسلامی همواره بزرگترین پشتیبان خود برای تحقق اهداف و آرمانهای انقلاب و مبارزه با دشمنان را مردم می‌داند: «نظام اسلامی با پشتوانه عظیم و بی نظیر حمایت ملت، استحکام ساختاری و تشکیلاتی خود و احساس وظیفه مسئولان در برابر پروردگار قادر است تمامی مشکلات و چالشهای موجود را بخوبی حل کند و دوران جدید را در تاریخ این سرزمین رقم زند». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۲/۱۰)

از مجموع بیانات رهبری اینگونه بر می آید که جایگاه مردم در نظام اسلامی، یک جایگاه مبنایی و تاسیسی است به این معنا که بدون حضور و نقش موثر و فعال مردم، نظام اسلامی نه تنها امکان تحقق نخواهد یافت بلکه در صورت تحقق نیز بقا و استمرار آن در گرو تداوم این حضور و مشارکت موثر مردم است. تاکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر حضور مردم در مشارکتهای سیاسی در سطوح و دوره‌های مختلف انتخابات و پیگیری‌های ایشان از مسئولین در خصوص تحقق مطالبات و خواسته‌های مردم را نیز باید از دیگر سطوح اهتمام ایشان به جایگاه مردم در این نظام دانست.



### ۳. پیشرفت و کارآمدی

یکی از مهمترین ضرورتهای داخلی تاکید بر مقوله پیشرفت در گفتمان مقام معظم رهبری را باید در ضرورت پیگیری و تحقق سند چشم انداز توسعه و سایر برنامه‌های بلندمدت توسعه ای جستجو کرد. رهبری پیش از این نقشی اساسی در تدوین این اسناد بلندمدت و لوازم جانبی آن نظیر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و... ایفا کرده بودند و از این رو تاکید اخیر ایشان بر تبیین و پیگیری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را می توان ناشی از آسیب شناسی ایشان از روند تحقق اسناد توسعه و ضرورت ارایه یک الگوی بنیادین برای رفع چالش‌ها و تناقض‌ها در این زمینه و هموار شدن مسیر آینده نظام اسلامی دانست.

تاکید بر ضرورت پیشرفت از این واقعیت بر می خیزد که یکی از مهمترین علل تداوم سلطه گری جهان استکبار، تفوق علمی و تکنولوژیکی آنها بر سایر ملل بوده است. رهبری بر این باورند که برای خارج شدن از زیر سلطه استکبار و نیل به استقلال حقیقی باید بر غلبه انحصاری قدرتهای غربی بر علم فناوری پایان داد: «در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید یک حرکت علمی کرد... این است که من گفته‌ام امروز یکی از پایه‌های ترین گفتمانهای کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد. بدون اینکه ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون اینکه این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلاء بدهیم، امکان مقابله با آن قدرتها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت در اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد.» (بیانات مقام معظم

رهبری در ۸۷/۶/۵)

چالش دیگری که پاسخگویی به آن، تاکید بر گفتمان پیشرفت را به عنوان یک ضرورت مطرح می‌سازد، تلاش دشمنان در جهت ناکارآمد جلوه دادن الگوی مردمسالاری دینی با تاکید بر نارسایی‌ها و مسایل لاینحل مانده جامعه اسلامی است. در دنیای امروز کارآمدی یک نظام سیاسی در نسبتی مستقیم با پیشرفت آن نظام و توان آن برای رفع مسایل و مشکلات جامعه معنا پیدا می‌کند. به عبارت دیگر کارآمدی و پیشرفت علت و معلول یکدیگرند، همانگونه که تاکید بر کارآمدی نظام می‌تواند به تحقق پیشرفت منتهی می‌شود، پیشرفت و تعالی یک جامعه و نظام نیز نشاندهنده کارآمدی یک نظام سیاسی خواهد بود. بدینگونه است که اهمیت پیشرفت در گفتمان رهبری به عنوان یک ضرورت اساسی برای تحقق افق چشم انداز نظام اسلامی ما را به ضرورتی دیگر یعنی تلاش در جهت اثبات و تحقق کارآمدی نظام مردمسالاری دینی رهنمون می‌شود.

در الگوی پیشرفت مدنظر رهبری، سعادت انسانها تنها در گرو رفاه مادی نیست بلکه توجه به رستگاری آسمانی انسانها و سعادت اخروی ایشان از محورهای اصلی این الگوی پیشرفت به شمار می‌رود: «آنچه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه‌ی خودمان ناکافی بدانیم، در درجه‌ی اول این است که نگاه جامعه‌ی غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلفند؛ اما برآیند همه‌ی آنها این است - با نگاه اسلام به انسان، بکلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد. لذا پیشرفت که برای انسان و به وسیله‌ی انسان است، در منطق فلسفه‌ی غرب معنای دیگری پیدا می‌کند، تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵)



#### ۴. «ثابت» و «متغیر» در سیاست خارجی

چنانچه سیاست خارجی را نوع مواجهه میان یک دولت دارای حاکمیت در یک محدوده سرزمینی خاص با محیط خارجی خود بدانیم، قسمت ثابت آن، بیانگر چارچوب کلی سیاستگذاری خارجی است که اصول جهت دهنده سیاست خارجی در درون آن تنظیم می‌گردند و عمدتاً مبتنی بر قانون اساسی، آموزه‌های نظری و نظام ارزشی حاکم است، اما قسمت متغیر سیاست خارجی ناظر به استراتژیها و تاکتیک‌هایی است که متناسب با اوضاع و شرایط تنظیم و تدوین می‌گردند. برخی از ابعاد ثابت و متغیر سیاست خارجی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح زیرند:

##### • قانون اساسی، مبنای ثابت سیاست خارجی نظام

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولین ارشد وزارت امور خارجه، سیاست خارجی کشور را همان سیاست خارجی نظام در قانون اساسی خواندند و خاطر نشان کردند: «این سیاست خارجی متخذ از اسلام و منبعث از اهداف و آرمانهای انقلاب است و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و کارداران در حقیقت «نمایندگان، سربازان و خدمتگزاران این اصول و آرمانها» هستند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی، ۹۴/۸/۱۰) مطابق با این تبیین، اصول و آرمانهای ثابت سیاست خارجی در متن قانون اساسی به صراحت مورد تاکید قرار گرفته است و دستگاه دیپلماسی کشور تنها در چارچوب این اصول و آرمانها می‌تواند بدنبال تحقق اهداف و تامین منافع عالیه نظام و جامعه اسلامی باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای اصول استقلال خواهی، استکبارستیزی و دفاع از مظلومان و مستضعفان تدوین شده است به خوبی راهبردها و اهداف سیاست خارجی نظام را ترسیم کرده است و بدین ترتیب حرکت در چارچوب آن می‌تواند به مثابه رعایت ارزشهای انقلاب اسلامی قلمداد شود. ایشان «اسلام» و ارزشهای دینی را جوهره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌کنند که در قانون اساسی هم بر آن تاکید شده است: «در قانون اساسی، اسلام معیار سیاست خارجی است بنابراین موضع گیری در مقابل کشورها و مسائل مختلف، باید مختصات دینی داشته باشد.» (همان)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به اصول سیاست خارجی در قانون اساسی از جمله تعهدات برادرانه به همه مسلمانان جهان، حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب در همه زمینه‌ها، حفظ استقلال همه جانبه، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد به قدرتهای سلطه گر، روابط صلح آمیز متقابل با دولتهای غیر محارب، خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملتها و حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان در مقابل مستکبران در هر نقطه از جهان بر این نکته تاکید می‌کنند که این اصول جذاب، نو و والا، ذهن ملتها بخصوص نخبگان را به خود جلب کرده است. (همان)

رهبری با تاکید بر تداوم بی وقفه راهبردهای ثابت سیاست خارجی می‌افزایند: «ادعا نمی‌کنیم به همه اهداف خود رسیده ایم یا حتی نزدیک شده ایم چون اجرای «سیاست خارجی انقلابی» در عمل با برخی غفلتها، کم کاریها، ناهوشمندیها و موانع خارجی همراه بوده است اما جایگاه عزتمند فعلی کشور، مدیون همین سیاستهای حکیمانه است و اگر به این اصول عمل نکرده بودیم، خدا می‌داند در داخل مرزها، با چه مشکلات و ضربات عجیبی، دست به گریبان می‌شدیم.» (همان)

##### • اهداف سیاست خارجی



رهبر معظم انقلاب در گذشته نیز بارها به تبیین اهداف سیاست خارجی نظام اسلامی پرداخته اند و همواره تعریفی مشخص از این سیاستها در اختیار مسئولین امر قرار داده اند: «هدف ما، هدف و راهی است که اسلام معین کرده، نه در آن ظلم است و نه تجاوز به حقوق انسان، و نه بی‌اعتنایی به تجاوزهایی که مردم ظالم نسبت به مردم مظلوم انجام می‌دهند. حقوق انسان در آن، در حداکثر میسور و ممکن رعایت شده است راه ما این است. تا حالا هم بحمدالله این هدفها را تعقیب کرده ایم.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی، ۹۴/۸/۱۰)

### • دولتها در مقام کارگزاران سیاست خارجی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولین وزارت خارجه به تبیین جایگاه دولتها در روند پیاده سازی سیاست خارجی کشور می‌پردازد. مطابق با دیدگاه ایشان، تعهد دولتها در حوزه سیاست خارجی، پیگیری دقیق آرمانهای مندرج در اصول ثابت سیاست خارجی نظام از طریق راهکارهای ابتکاری و منطبق با شرایط اقتضائات زمانه است: «همه تاکتیکهای دیپلماسی در دولتهای مختلف باید در خدمت پیشبرد اصول سیاست خارجی در قانون اساسی باشد و نمایندگان سیاسی ایران در خارج، خود را نماینده و مدافع جدی و منطقی سیاستهای نظام بدانند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی، ۹۴/۸/۱۰)

رهبر انقلاب، با اشاره به برخی آثار مثبت اجرای راهبردهای سیاست خارجی می‌فرماید: «اجرای سیاستهای انقلابی در هر زمینه، از جمله عرصه دیپلماسی باعث افزایش اقتدار و تأثیرگذاری، ارتقای جایگاه کشور و عزت و اعتبار ایرانیان در میان ملتها می‌شود.» (همان) ایشان، خطاب به مسئولین وزارت خارجه و سفرا و کارداران تأکید می‌کنند: «با «استحکام و اقتدار و افتخار»، ادامه اصول انقلابی و راهبردهای ثابت سیاست خارجی را تکرار کنید تا بیگانگان و دنباله‌های داخلی آنان، به تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی دلخوش نکنند.» (همان) رهبر انقلاب «اعتماد به نفس، صراحت و استحکام در مواجهه با عوامل مخالف و موانع» را از دیگر الزامات سیاست خارجی خواندند و در تبیین اصول دیپلماسی کارآمد توصیه‌های زیر را خطاب به کارگزاران سیاست خارجی کشور ابلاغ می‌کنند (همان):

«تثبیت و تکیه بر مؤلفه‌های قدرت و اقتدار ملی» از جمله «نقش پررنگ و تعیین کننده مردم در کشور»، «نیروی انسانی کارآمد، زبده، جوان و پر شمار» و «پیشرفتهای شگفت‌انگیز علمی و فناوری»، «پایبندی عمیق سفیران و نمایندگان خارجی به موازین دینی و روحیه انقلابی»، و «استفاده از ظرفیت کشورهای عدم تعهد و نقش آفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی»

### • جایگاه مذاکره در سیاست خارجی

مذاکرات دشوار و طولانی ایران با گروه ۵+۱ درباره مسایل هسته ای، سوای از نتیجه و عواقب این مذاکرات، بواسطه ماهیت این مذاکرات و جایگاه این اقدام سیاسی در روند تداوم انقلاب اسلامی حایز اهمیت زیادی است. در طول سالهای گذشته که بحث مذاکره مستقیم با آمریکا در دستور کار کارگزاران دیپلماسی کشور قرار گرفت، رهبر معظم انقلاب در مقاطع مختلف سعی داشته اند تا رویکرد کلان نظام اسلامی در این زمینه را ترسیم کنند. در این قسمت سعی خواهیم داشت تا به اجمال تحلیل مقام معظم رهبری از روند تداوم خط مشی انقلاب اسلامی در شرایط کنونی و پیش رو را بازگو نماییم:

### الف) مذاکره برای شناساندن حقیقت:

یکی از مهمترین اهداف نظام اسلامی برای مذاکره مستقیم با دولت آمریکا، تلاش برای رهایی از تحریم‌های ظالمانه ای بود که با رهبری آمریکا بر علیه ملت ایران اعمال شده بود. آمریکا در جریان تصویب و اعمال این تحریم‌های ظالمانه، بوسیله تبلیغات و تصویرسازی‌های جعلی و یکسویه خود موفق به ایجاد یک اجماع جهانی بر علیه نظام اسلامی شده بود و بنابر این نفس حضور در مذاکرات و بیان صریح و شفاف اهداف و نیات نظام اسلامی از بکارگیری انرژی هسته‌ای، نقش مهمی در خنثی سازی این تبلیغات یکسویه ایفا می کرد و از سوی دیگر نشانگر عزم جدی ایران برای حل مسالمت آمیز بحرانی بود که غربی‌ها و در راس آن آمریکایی‌ها مبدع آن بوده اند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید: «یکی دیگر از ترفندهای جبهه استکبار در مقابل نظام اسلامی، ایجاد فضای بین المللی بر ضد جمهوری اسلامی، با بهانه‌های عامه پسند برای افکار عمومی است. موضوع هسته‌ای، یک نمونه از مسائلی است که تلاش کردند، به بهانه آن، بر ضد نظام اسلامی فضا سازی و دروغ پردازی کنند... هدف آنها این است که با این بهانه، فضای بین المللی را بر ضد ایران حفظ کنند و بر همین اساس بود که با طراحی جدید دولت برای مذاکره درخصوص موضوع هسته‌ای موافقت شد تا این جو جهانی شکسته و ابتکار عمل از طرف مقابل گرفته شود و حقیقت نیز برای افکار عمومی دنیا مشخص شود.» (بیانات در دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی با رهبر انقلاب ۲۰/۱/۱۳۹۳)

همین که نتیجه مذاکرات می توانست اجماع جهانی بر علیه ایران را بر هم زده و سلاح تحریم را از دست دشمنان ملت ایران خارج سازد، به خودی خود یک موفقیت بزرگ به حساب می آمد. رهبر معظم انقلاب یکی از مهمترین دلایل حضور ایران در این مذاکرات را رسیدن به چنین هدفی عنوان می کنند: «ما دنبال از بین بردن و برداشتن تحریمها هستیم؛ هدف ما از این مذاکرات لغو تحریمها است؛ جداً دنبال این هستیم که این تحریمها لغو بشود.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۹۴/۲/۴)

یکی دیگر از برکات حضور در این مذاکرات که با کارشکنی‌ها و بدعهدی‌های مداوم طرف آمریکایی روبرو بود، برملا شدن چهره واقعی آمریکا و نیات دولتمردان این کشور در خصوص تداوم دشمنی و کینه توزی با ملت ایران بود. رهبر معظم انقلاب در این باره می فرماید: «یکی از برکات همین مذاکرات اخیر این بود که دشمنی آمریکایی‌ها و مسئولین دولت ایالات متحده‌ی آمریکا با ایران و ایرانی، با اسلام و مسلمین آشکار شد، برای همه مدلل شد، همه این را فهمیدند.» (بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۲)

### ب) مذاکره به مثابه مطالبه حق:

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی را باید دفاع از حقوق ملت ایران و مطالبه و احقاق این حقوق در عرصه‌ها و سطوح مختلف مخصوصاً در عرصه بین المللی دانست. بر مبنای نظام تحمیل شده از سوی قدرتهای مستکبر جهانی بر عرصه روابط بین الملل، ملت‌های مستقل و مظلوم جهان همواره مجبور به سکوت و تحمل ظلم و بی عدالتی‌های جهانی شده اند و در طول تاریخ کمتر ملت و دولتی را شاهد بوده ایم که در برابر این روابط ناعادلانه قیام و اعتراض کرده باشد. فریاد بلند حق طلبی ملت ایران در روند مذاکرات هسته‌ای و به چالش کشیدن تمام ادعاهای دنیای استکبار و به تبع آن اثبات حقانیت ملت ایران و پذیرش این حق توسط قدرتهای سلطه جوی جهانی، علاوه بر آنکه امری بی بدیل در تاریخ معاصر جهان است،

موفقیتی بزرگ در روند منطقی مقاومت و مبارزه حق طلبانه ملت ایران نیز به شمار می رود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین مطالبات حق طلبانه ملت ایران در روند مذاکرات می فرماید: «ایران در مسئله‌ی هسته‌ای، فقط میخواهد حق غنی‌سازی او - که حق طبیعی‌اش است - از طرف دنیا شناخته شود؛ مسئولان کشورهایی که مدعی هستند، اعتراف کنند که ملت ایران حق دارد غنی‌سازی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز در کشور خودش و به دست خودش انجام دهد.» (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱)

### ج) مذاکره در جهت مبارزه با ظلم و اجحاف:

هنگامیکه هدف از انجام مذاکرات را مبارزه با ظلم و احقاق حقوق اساسی ملت ایران تعریف کردیم، دیگر نمی توان از تعارض میان این اهداف با استکبارستیزی سخن گفت. «مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم‌دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است.» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۲/۸/۱۲) با چنین تعریفی از استکبارستیزی هر قدمی که در جهت مبارزه با ظلم و احقاق حق ملت ایران برداشته شود چیزی جز حرکت قاطعانه در مسیر مبارزه با استکبار نخواهد بود: «ما آن روزی که وارد این مذاکرات شدیم، دستاورد قابل قبول و مهمی داشتیم؛ احساس کردیم با دست قوی داریم وارد میشویم. دستاورد آن روز ما از جمله این بود که ما توانسته بودیم درحالی که همه‌ی قدرتهای هسته‌ای دنیا امتناع کردند که به ما سوخت بیست درصد را برای مرکز [تحقیقاتی] تهران بدهند ما خودمان توانستیم در شرایط تحریم، سوخت بیست درصد را تولید کنیم، [بعد] این سوخت بیست درصد را تبدیل کنیم به صفحه‌ی سوخت و از آن استفاده کنیم. طرف مقابل مات شد!... ما با این روحیه وارد مذاکره شدیم.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۴/۴/۲)

### ۵. انسجام ملی و سیاسی

حضرت آیت الله خامنه‌ای در ابتدای سال ۸۶ درباره ضرورت نامگذاری آن سال به نام سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» می فرماید: «به نظر من امسال، سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» است؛ یعنی در درون ملت ما اتحاد کلمه‌ی همه‌ی آحاد ملت و قومیت‌های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی؛ و در سطح بین‌المللی، انسجام میان همه‌ی مسلمانان و روابط برادرانه‌ی میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه‌ی آنها»

تاکیدات رهبر معظم انقلاب در این زمینه ناظر بر اشراف ایشان بر موقعیت و هویت جغرافیایی - تاریخی و سیاسی - مذهبی ایران بزرگ است. همان طور که پیش تر اشاره شد جامعه تحت حکومت جمهوری اسلامی ایران گستره وسیعی از فرهنگ‌ها و اقوام گوناگون را در خود جای داده است که بسته به نگاه سیاست ورزان نظام سیاسی و شرایط تاریخی می تواند برای حکومت فواید و مضراتی داشته باشد. از آن جمله است پویایی تمدنی و گستردگی منابع فرهنگی و انسانی که دولت‌ها را در اجرای صحیح برنامه‌های خود در حوزه‌های مربوط به سیاست داخلی و بین‌المللی یاری می رساند. همچنین امکان دارد تا در صورت سوء سیاست گذاری به ایجاد بی ثباتی سیاسی و اجتماعی، و پدیدار شدن نزاع‌های فرهنگی و اجتماعی - که خود

موجد بی ثباتی سیاسی و اجتماعی است- منتهی شود. در واقع تنوع فرهنگی- اجتماعی برای حکومت مداران پتانسیلی قوی است که متناسب با توانایی ایشان در برنامه ریزی ملی ایشان را در امر حکومت داری به شیوه ای موثر یا مخرب عمل می نماید.

رهبر معظم انقلاب، وحدت و انسجام سیاسی را اینگونه تعریف می کنند: «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یک جور فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک جور سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را یا یک گروه را بخواهند؟ نه. معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم یعنی نبودن تفرقه، نفاق، درگیری و کشمکش، حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی هم مثل هم نیستند، می توانند کنار هم باشند، می توانند دعوا نکنند.» (به نقل از کوثر ولایت ۵) مطابق با تعریف رهبر معظم انقلاب، زمینه‌های گسترده ای برای تحقق وحدت و انسجام سیاسی در درون نظام جمهوری اسلامی وجود دارد و تنوع سلیق سیاسی و حتی تفاوت‌های دینی نمی تواند مانعی برای تحقق انسجام و وحدت سیاسی به شمار آید.

یکی از مهمترین محورهای مورد تاکید رهبر معظم انقلاب در مورد انسجام سیاسی، تاکید قبول داشتن اصل اسلام و انقلاب به عنوان ملاک «خودی» و غیر «خودی» در نظام جمهوری اسلامی است. مقام معظم رهبری در بیانات خویش در خطبه‌های نماز جمعه در ۸ مرداد ۷۸ فرمودند: «گفته می‌شود «خودی» و «غیر خودی». حالا خودی و غیر خودی داریم یا نداریم؟ اگر بخواهیم ملت را حساب کنیم، نه؛ آحاد ملت همه خودی اند. اما جریان‌های سیاسی، بله؛ جریان خودی داریم، جریان غیر خودی هم داریم. خودی کیست؟ خودی آن است که دلش برای اسلام می‌تپد؛ دلش برای انقلاب می‌تپد؛ به امام ارادت دارد؛ برای مردم به صورت حقیقی نه ادعایی احترام قائل است. غیر خودی کیست؟ غیر خودی کسی است که دستورش را از بیگانه می‌گیرد؛ دلش برای بیگانه می‌تپد؛ دلش برای برگشتن امریکا می‌تپد.»

در جای دیگر ایشان اعتقاد به حاکمیت اسلام، راه امام(ره) و اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی را محور ایجاد انسجام سیاسی عنوان می کنند: «اعتقاد به حاکمیت اسلام، راه امام(ره)، استقلال کشور، پاسداری از نظام جمهوری اسلامی، تلاش برای حل مشکلات مردم و تأمین عدالت و ایستادگی در مقابل نفوذ مستکبران به ویژه آمریکا، معیارهای تشخیص حقانیت افراد و جناحها است.» (بیانات در دیدار جوانان استان مرکزی در ۲۶ آبان ۷۸) رهبر معظم انقلاب، وحدت حول اصول انقلاب را مهمترین عامل ایجاد و تقویت انسجام سیاسی در کشور عنوان کرده و در این زمینه می فرماید: «آن چیزی که می‌تواند جلو تهاجم گستاخانه‌ی امریکا را بگیرد، فقط وحدت ملی و وحدت کلمه است. آن‌ها در هر جا بخواهند قدم بگذارند، اول باید ایجاد تفرقه کنند. وسیله‌ی موفقیت آن‌ها، وجود اختلاف در صفوف داخلی ملت‌هاست. هر جا توانسته‌اند زور گویی و اعمال خشونت کنند، اگر دقت کنید، می‌بینید بین صفوف ملت شکاف وجود داشته است. آنجایی که وحدت کلمه باشد، این‌ها جرأت نمی‌کنند نزدیک شوند. علاج مقابله با تهدیدهای امریکا عبارت است از وحدت ملت، وحدت مسئولان، مراعات جناحهای مختلف سیاسی و گردآمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما به عنوان اصول این انقلاب و نظام معین کرده و مورد قبول این ملت است؛ همان چیزهایی که ملت برای آن فداکاری کرد.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگاهی راهبردی و انسجام گرایانه، هرگونه تلاش در جهت خارج کردن نیروهای انقلاب به بهانه خالص سازی را مردود دانسته و بر حفظ انسجام نیروهای درون جبهه انقلاب تاکید

می کنند. ایشان در دیدار دانشجویان در رمضان سال ۸۹ فرمودند: «یک سؤال دیگر این است که بعضی‌ها میگویند وحدت، بعضی‌ها میگویند خلوص؛ شما چه میگویند؟ من میگویم هر دو. خلوص که شما مطرح میکنید - که ما بایست از فرصت استفاده کنیم و حالا که غربال شد، یک عده‌ای را که ناخالصی دارند، از دایره خارج کنیم - چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و با حرکت تند و فشار آلود به وجود بیاید؛ خلوص در یک مجموعه که اینجوری حاصل نمیشود؛ ما به این، مأمور هم نیستیم. .. اینجوری نیست که شما بیائید افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به بهانه‌ی اینکه میخواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هرچه میتوانید، دایره‌ی خالصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که میتوانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ این خوب است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیاناتی در سال ۹۲ در دیدار با ائمه جماعات بار دیگر بر ضرورت انسجام داخلی تاکید کردند. تاکید ایشان در آن مقطع ناشی از شرایط جدیدی بود که در ابعاد داخلی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی با آنها روبرو بود. در عرصه بین‌المللی رهبر انقلاب شرایط آن روز را اینگونه توصیف می‌کنند: «اکنون شرایط منطقه و دنیای اسلام بگونه‌ای است که غربیها تصور می‌کنند از هماوردی با تفکر انقلاب اسلامی عقب مانده‌اند و بر همین اساس تمام توان خود را به کار گرفته‌اند تا این عقب‌ماندگی را جبران کنند.» ایشان با تاکید بر اینکه حوادث منطقه را باید با چنین نگاهی تحلیل کرد، گفتند: «دولت و مسئولان و سیاسیون و دیپلماتها و آحاد مردم، باید دارای نگاه جامع و صحیحی باشند زیرا در غیر این صورت، واقعیات را نخواهیم دید و علاوه بر آنکه سرمان کلاه خواهد رفت، ضربه هم خواهیم خورد.» (بیانات رهبری در دیدار با ائمه جماعات، شهریور ۹۲)

به نظر می‌رسد که تاکیدات رهبر معظم انقلاب بر ضرورت نگاه جامع و صحیح از سوی سیاسیون در مورد وقایع آن روز جهان، می‌تواند در هر مقطع زمانی دیگر، مخصوصاً شرایط امروز منطقه‌ای و بین‌المللی، مورد توجه و تاکید قرار گیرد. رهبر معظم انقلاب در ادوار گذشته بارها خطاب به سیاسیون بر این نکته تاکید کرده بودند که در اعلام مواضع و رفتارهای سیاسی باید واقعیتهای حاکم بر عرصه داخلی و بین‌المللی در کنار توجه به ارزشها و اصول راستین انقلاب اسلامی مورد توجه و تاکید قرار گیرد. رهبر انقلاب به سیاسیون داخلی گوشزد می‌کنند که عرصه تنازعات بین‌المللی را گسترده‌تر از سطوح مشهود کنونی ببینند و با ابتنا بر این بصیرت سیاسی و انقلابی بدنبال تقویت ارزشها و اصول انقلاب اسلامی باشند. رهبر معظم انقلاب، در همان دیدار، جمهوری اسلامی ایران را یک «فتح الفتوح» در عرصه رویارویی دنیای مادی با اسلام عنوان کرده و بر ضرورت حفظ و تقویت انسجام داخلی برای پیروزی جبهه حق در این نبرد تاریخی تاکید می‌کنند: «این فتح الفتوح همچنان با قدرت و استحکام وجود دارد و انسجام داخلی بیش از پیش و پایبندی بیشتر دستگاهها به ارزشها و اصول، قطعاً این اقتدار و فتح الفتوح را آسیب‌ناپذیرتر خواهد کرد.»

بی تردید لازمه اقتدار در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب، حفظ و ارتقاء انسجام ملی و سیاسی است. در شرایطی که جهان غرب یکصدا بدنبال تحت فشار قرار دادن نظام اسلامی در عرصه جهانی و ایجاد اختلاف و تفرقه میان جهان اسلام است، رهبری به همه سیاستمداران و مسئولین کشور تذکر می‌دهند که با رفتارها و مواضع غیراصولی و تفرقه افکنانه بدنبال تضعیف وجهه داخلی و تقویت جبهه دشمن نباشند.

انسجام ملی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قالب تفکیک ناپذیری استقلال، آزادی و وحدت و تمامیت ارضی کشور بیان شده است: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدش‌های وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند» (قانون اساسی، اصل نهم). بنابراین، انسجام ملی در پرتو استقلال و وحدت سرزمینی کشور و همچنین حفظ آزادی‌های مشروع و قانونی که تأکید بر تکثر قومی، مذهبی، دینی، سیاسی و اجتماعی در کشور دارد، تحقق می‌پذیرد. اما این تکثر به سوی انسجام و وفاق ملی در پرتو ارزش‌ها و هنجارهای مشترک حرکت می‌کند.

از منظر قانون اساسی، دین مبین اسلام نقطه عزیمت صورت بندی انسجام ملی در ایران و سپس انسجام و اتحاد جهان اسلام است: «دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند.» (قانون اساسی، اصل ۱۲)

به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی و تقویت جاذبه‌های جانب مرکز جهت نیل به انسجام و اتحاد ملی: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل کنند» (قانون اساسی، اصل ۳) اصل ۴ قانون اساسی نیز اذعان می‌دارد: «دولت ج.ا.ا و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل کنند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و ج.ا.ا توطئه و اقدام نکنند.»

از منظر قانون اساسی، زبان فارسی مبنا و ارزش فرهنگی مشترک جهت صورت‌بندی انسجام ملی و به رسمیت شناختن خرده فرهنگ‌ها و گویش‌های محلی و قومی در پرتو فرهنگ تاریخی ملی است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد، مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» (قانون اساسی، اصل ۱۵).

تأکید بر حقوق شهروندی و برابری حقوق اساسی همه شهروندان یکی از زیر ساخت‌های انسجام ملی است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.» (قانون اساسی، اصل ۱۹).

انسجام ملی در پرتو نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری در عرصه روابط بین‌الملل از دیگر اصول قانون اساسی است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» (قانون اساسی، اصل ۱۵۲). به‌طور خلاصه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت ایجاد انسجام ملی و حرکت به سمت انسجام و اتحاد در سطح جهان اسلام دو نکته مهم را مورد اهتمام قرار می‌دهد (قانون اساسی، اصل ۳):

الف) توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه برادران.  
 ب) تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان.

مشاهده می شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای نظری و قانونی وثیقی برای تحقق انسجام ملی و سیاسی در درون نظام جمهوری اسلامی تدارک دیده است؛ اما بی تردید این مبانی نظری و قانونی آنگهنگام به تحقق انسجام ملی و سیاسی منتهی می شود که در عرصه اجرا و عمل از سوی تمامی نهادها و کنشگران عرصه سیاسی و مدیریتی کشور با جدیت پیگیری شود. تحقق انسجام سیاسی در گرو تعهد و التزام عملی تمامی کنشگران عرصه سیاسی به چارچوبها و الزامات قانونی مخصوصا اصول متقن قانون اساسی است.

### ۶. ضرورتی به نام حفظ نظام اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیاناتی مهمترین مصادیق معروف در عرصه اجتماعی امروز ایران اسلامی را مشخص کرده و امر به این معارف را از ضرورت‌های پیشرفت و تعالی جامعه عنوان می کنند: «بزرگ‌ترین معروفها در درجه‌ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، امر به معروف است؛ حفظ عزت و آبروی ملت ایران، بزرگ‌ترین معروف است. معروفها اینها هستند: اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده‌ی برای اعتلای کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی؛ مهم‌ترین معروفها اینها است و همه موظفند در راه این معروفها تلاش کنند؛ امر کنند» (بیانات در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۴)

### ۷. ضرورت پشتیبانی همیشگی ملت ایران از دولتها

بر مبنای اصول دوم و سوم قانون اساسی، دولتها در نظام جمهوری اسلامی ایران -سوی از مصادیق آنها- تنها کارگزاران اجرایی اراده عظیم ملت ایران به سمت پیشرفت و تعالی هستند و مشروعیت آنها نیز در گرو میزان التزام آنها به این اهداف و آرمانها و نیز میزان کارآمدی آنها در تحقق این اهداف و عمل به وظایف محوله است. نوع نگاه مقام معظم رهبری به جایگاه و وظایف دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران را نیز می توان در چارچوب همین جایگاه در قانون اساسی مورد بررسی و تفسیر قرار داد: «وقتی ما هدفی داریم، کارکنان و عاملان و بازکنان نوبه‌نویی وارد صحنه می‌شوند، ابتکارهای خودشان را به کار می‌زنند، کارهای جدیدی را انجام می‌دهند، رأی و نظر خودشان را به کار می‌بندند و ممکن است از صحنه کنار بروند و کس دیگری بیاید و در بخشی از بخشها جای آنها را بگیرد - این ایرادی ندارد - و ابتکار جدیدی را به کار بزند و نگاه جدیدی به مسائل و اجرائیات داشته باشد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴)

بواسطه همین جایگاه بالای دولت در تحقق اهداف نظام است که رهبری حمایت از دولتهای مختلف را از جمله رویکردهای اساسی و همیشگی خود عنوان می‌کنند. ایشان در تبیین دلایل حمایت از دولتهای مختلف می‌فرمایند: «توفیقات نظام، در توفیقات دولت - به عنوان بخش اصلی اداره‌کننده کشور - تجسم پیدا می‌کند. یک بُعد این مسأله این است که هیچ کس نباید از این حقیقت غفلت کند که آرزوی موفقیت دولت، یک آرزوی انقلابی و ملی است. همه کسانی که دلسوزند و به سرنوشت کشور و نظام علاقه‌مندند، باید آرزو و دعا و تلاششان این باشد که دولت در بخشهای مختلف، توفیقاتی را که شایسته زمان و شایسته نیاز کشور است، به دست آورد.» (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۱/۰۶/۰۴)

ایشان صراحتاً تأکید می‌کنند که «کمک به دولت، کمک به کشور است؛ از هر جناحی می‌خواهد باشد. همه‌تان یادتان هست، دیدید که دولتهای مختلف از زمانی که بنده این مسئولیت را داشتم، مورد حمایت من بودند. این معنایش این نبوده که من با سیاستهای آن دولتها در همه جا موافق هستم، نه؛ تصریح هم می‌کردم و می‌گفتم که با بعضی از سیاستهایشان در زمینه‌های مختلف موافق نیستم؛ اما کلیت دولتها را من همیشه حمایت کرده‌ام» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸)

این رویکرد اصولی رهبری را می‌توان به بارزترین وجه در این عبارات ایشان مشاهده نمود: «موضع رهبری و ملت نقد منصفانه و دفاع واقع‌بینانه از دولت است البته دفاع از عملکرد دولت به مفهوم نادیده گرفتن برخی کمبودها، خطاها و احیاناً غفلتها و قصورها نیست بلکه به معنای تأیید جهت صحیح فعالیتها و تلاشهای عظیم این مجموعه است.» (دیدار آقای خاتمی رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۷۹/۰۶/۰۷)

مقام معظم رهبری درباره ضرورت پشتیبانی همیشگی ملت ایران از دولتها در نظام اسلامی تأکید می‌کنند: «دولتها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند؛ حتی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند؛ این حرف حقیقی و لبّ معنای انسجام اجتماعی و ملی در کشور اسلامی ما است. همه باید به‌عنوان یک واحد، با دولتی که مسئول کار و بر سر کار است اتحاد کلمه نشان بدهند و به آن کمک کنند.» (بیانات در حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۴)

ایشان در ادامه این توصیه راهبردی را مربوط به نحوه تعامل با همه دولتها در نظام اسلامی دانسته و در تشریح علل این توصیه به چند نکته مهم اشاره می‌کنند: «اولاً به خاطر اینکه همه‌ی دولتها دغدغه‌ی اصلی و اساسی‌شان حل مشکلات مردم است؛ البته ممکن است توانایی‌های مختلفی داشته باشند و همه در یک ردیف نباشند؛ ثانیاً ممکن است که سلايق گوناگونی داشته باشند؛ اما هدف در همه‌ی این دولتها عبارت است از اینکه در دوره‌ی مسئولیت خود در حدّ توان خودشان بتوانند مشکلات کشور را حل کنند. هر دولتی که در چهارچوب قانون اساسی بر سر کار بیاید، دولت قانونی است، دولت مشروع است. مهم نیست که چقدر و چه نسبتی از آحاد رأی‌دهندگان به این رئیس‌جمهور یا آن رئیس‌جمهور رأی دادند؛ تعداد کاهش و افزایش آراء به محبوبیت ارتباط پیدا میکند، اما به مشروعیت و قانونیت ارتباطی ندارد. هر کسی با هر تعداد رأیی که از طرف اکثریت مردم بر طبق چهارچوب قانون اساسی انتخاب شد؛ این مشروع است، دولت قانونی است و باید مردم او را قانونی بدانند و تا آنجایی که میتوانند به او کمک کنند؛ [البته] حقوق دوجانبه‌ای برقرار است.» (همان)



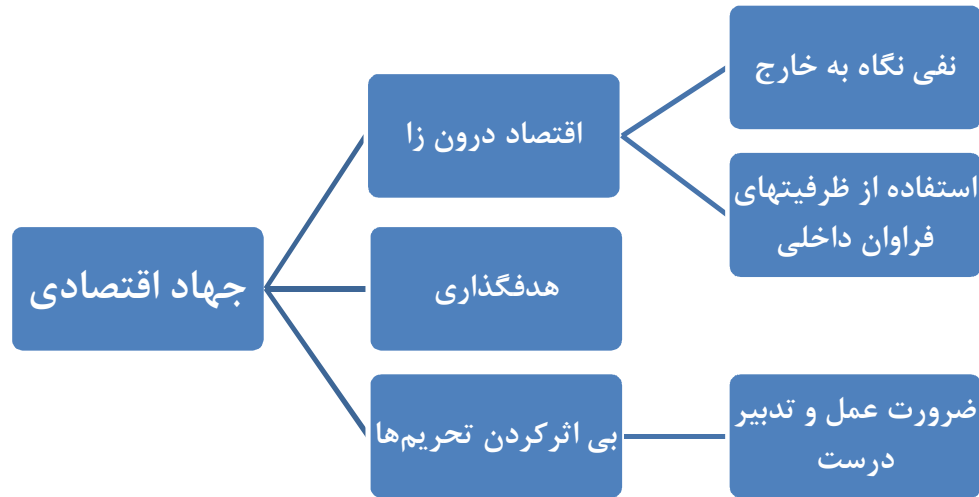
## ۸. جهاد اقتصادی با تکیه بر ظرفیتهای داخلی

اگرچه اقتصاد در اسلام هدف نیست اما وسیله ای برای تعالی جایگاه انسان محسوب می شود. جایگاه اقتصاد در جامعه اسلامی مورد نظر مقام مظم رهبری به قدری رفیع است که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص آن فرمودند: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) از مجموع صحبت‌ها و سخنرانی‌های رهبری می توان اینگونه استنباط کرد که ایشان در بعد اقتصادی بر دو مساله اقتصاد پویا و عدالت محور متمرکز هستند.

رهبر معظم انقلاب عرصه اقتصادی را یکی از مهمترین عرصه‌های پرچالش ما در طی سالهای اخیر عنوان می کنند که هدف اصلی تلاش‌های دشمنان در زمینه اعمال تحریم‌ها نیز تاثیرگذاری بر این عرصه حساس بوده است: «دشمنان ما صریحاً میگویند که هدفشان از فشارهای اقتصادی یک هدف سیاسی است. هدف آنها این است که مردم ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند.» هدف دشمنان از ایجاد فشارهای اقتصادی نیز رودر رو قرار دادن مردم و نظام و از بین بردن امنیت کشور است: «مردم را در مقابل دستگاه قرار بدهند؛ این را صریحاً میگویند که میخواهیم فشار اقتصادی بیاوریم تا وضعیت مردم سخت بشود و مردم وادار به اعتراض بشوند در مقابل دولت و در مقابل نظام اسلامی. این را صریحاً میگویند... میخواهند این امنیتی که امروز در کشور ما هست را - که این امنیت، در منطقه‌ی غرب آسیا که ما در آن قرار داریم، بی نظیر است؛ بحمدالله امروز نه در شرق ما، نه در غرب ما، نه در شمال ما، نه در جنوب ما، در هیچ کشوری امنیتی مانند امنیتی که امروز بر کشور ما و ملت ما حاکم است، وجود ندارد - به دست مردم از بین ببرند و مردم را وادار کنند به برهم زدن امنیت؛ و حرکات اعتراضی را در کشور شروع کنند؛ دارند تحریک میکنند، دارند کار میکنند، دارند برنامه‌ریزی می کنند.» (همان)

رهبر معظم انقلاب با توجه به تهدیدات دشمن در حوزه اقتصادی، تلاش در جهت رفع این تهدیدات را از مهمترین وظایف مردم و مسئولین عنوان کرده و در این رابطه بر چند نکته مهم تاکید می کنند: «نکته اول این است که امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاستهای خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه‌ی کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است... نکته‌ی دوم این است که در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد... یک نگاه میگوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیتهای درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. ظرفیتهای بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیتهای استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است؛ از این ظرفیتهای استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا!... نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزها است؛ میگوید سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند... امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. نکته سوم؛ نه در اقتصاد و نه در هیچ برنامه‌ی دیگری، بدون هدف‌گذاری نمیشود حرکت کرد، باید هدف‌گذاری بشود. ... نکته‌ی چهارم در زمینه‌ی اقتصاد این است که تحریم تنها ابزار دشمن

است، این را بدانند. تنها ابزار دشمن برای مقابله‌ی با ملت ایران امروز عبارت است از تحریم؛ اگر ما درست عمل کنیم، با تدبیر عمل کنیم، تحریم می‌تواند بی‌اثر بشود.» (همان)



اقتصاد ایران در دهه سوم انقلاب، به دلیل تشدید تحریمها از سوی کشورهای خارجی (در جهت رسیدن به اهداف خود) با شرایط بحران اجتماعی مواجه شد که این شرایط را می‌توان با بررسی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در این دوره به وضوح دید. در این دوره، کشور تحت فشار تحریمها با مشکلاتی همچون تورم بالای ۲۰ درصد، رکود اقتصادی، کاهش تولید ملی، کاهش صادرات نفت، میزان بالای بیکاری، میزان بالای بدهی دولت به بانک مرکزی، بلوکه شدن دلارهای نفتی ایران از سوی کشورهای غربی، صعود نجومی قیمت مسکن، دلار و طلا و کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، کاهش ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج جوانان، مهاجرت به خارج به خاطر دستیابی به اشتغال، کاهش رشد ملی و افزایش طلاق... مواجه بود. مجموعه این مشکلات که از یکسو ناشی از عدم انطباق الگوهای توسعه وارداتی، کاربست نادرست آنها و از سوی دیگر نیز برآیند فشارهای خارجی برای متزلزل ساختن اقتصاد ایران بود، باعث شد تا سیاستگذاری کلان کشور به طرح راهبردهای جدید و کارآمد برای تحکیم اقتدار ملی در منطقه و جهان ترغیب شود؛ از این رو، ایده «اقتصاد مقاومتی» برای مقابله با این مشکلات، نخستین بار از جانب مقام معظم رهبری مطرح شد؛ لذا برای دستیابی به درک درست از این اصطلاح، ناگزیر از مرور ادبیات مربوطه در فرمایشات ایشان خواهیم بود. با بررسی بیانات رهبری، مفهوم اقتصاد مقاومتی به نوعی از اقتصاد اطلاق می‌شود که در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم بوده و دچار آسیب نشود و نیز بتواند تهدیدهای احتمالی را به فرصت بدل کرده و قادر به رشد و شکوفایی در وضعیت فشار و تحریم باشد. همچنین از دیدگاه ایشان، اقتصاد مقاومتی در ایران یک الگوی رشد اقتصادی است که باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر گردد و همواره بر ضرورت رعایت مبانی و ارزش‌های اسلامی در علوم انسانی، از جمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی آن تأکید ورزیده اند (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۵۴)

در مجموع، اقتصاد مقاومتی دارای چهار اصل اساسی است:

۱) اقتصاد موازی: این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند، وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه سیاستگذاری و اداره امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال، می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه یافته غربی نام ببریم.

۲) اقتصاد ترمیمی: اصل دوم از اقتصاد مقاومتی به دنبال «مقاوم سازی»، «ترمیم»، «خللگیری»، «آسیب زدایی» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. در رویکرد جدید، به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این اصل، از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی خواسته می‌شود که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریمها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه، عملکردی جهادی ارائه دهند.

۳) اقتصاد دفاعی: اصل سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه شناسی»، «پدافندشناسی» و «آفندشناسی» ما در برابر آن هجمه است؛ بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها، استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

۴) اقتصاد الگو: چهارمین اصل نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی، یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ این اصل، چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این اصل، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد (پیغامی، ۱۳۹۱)

اقتصاد مقاومتی		
نتایج	شرایط و الزامات	ظرفیتهای کشور
<ul style="list-style-type: none"> <li>• استحکام اقتصاد ملی در شرایط عادی و بحران</li> <li>• مقاوم سازی اقتصاد در برابر فشارهای اقتصادی</li> <li>• تضمین رشد اقتصادی حتی در وضعیت بحران</li> <li>• رونق فضای کسب و کار</li> <li>• ایجاد شرایط اشتغال</li> <li>• جلوگیری از بیکاری عوامل تولید</li> <li>• جلوگیری از اختلال در رفاه عمومی</li> <li>• حل مشکلات مردم</li> <li>• دلگرمی مردم به نظام</li> <li>• حل یا بهبود مشکل تورم</li> <li>• تحقق حداکثری سند چشم انداز بیست ساله</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور ایجاد تحول اقتصادی</li> <li>• اجرای هدفمندی یارانه‌ها</li> <li>• بهره گیری از تمام ظرفیت‌های دولتی و مردمی در تحقق آرمان‌های توسعه ملی</li> <li>• مردمی کردن اقتصاد</li> <li>• توانمندسازی نیروی کار به ویژه بخش خصوصی</li> <li>• توجه به اقتصاد دانش بنیان</li> <li>• کاهش وابستگی به نفت و جایگزینی آن با درآمدهای غیر نفتی</li> <li>• حمایت ویژه از تولید ملی و جایگزینی تولیدات با کیفیت داخلی به جای کالاهای خارجی</li> <li>• حمایت از صادرات کالای ملی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• محوریت تفکر دینی و امید به توفیق الهی در دستیابی به پیشرفت انسانی (ملت، به ویژه جوانان)</li> <li>• منابع مالی موجود (امکانات و ثروت داخلی)</li> <li>• منابع طبیعی غنی و زیرساخت‌های گسترده</li> <li>• منابع انسانی غنی (مردم)</li> <li>• عزم ملی برای رشد، پیشرفت و توسعه</li> <li>• عدم بدهکاری جهانی</li> <li>• مسئولان دلسوز و معتقد</li> </ul>

<ul style="list-style-type: none"> <li>• بهبود زندگی طبقات ضعیف</li> <li>• توزیع عادلانه ثروت میان قشرهای مختلف مردم در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی</li> <li>• حرکت به سوی تحقق آرمان عدالت اجتماعی</li> <li>• رشد بهره‌وری</li> <li>• تقویت رقابت پذیری اقتصاد در سراسر کشور</li> <li>• حفظ وحدت، همبستگی و انسجام ملی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه ویژه به تولید داخلی و کمک به فعال‌سازی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط</li> <li>• مبارزه با مفاسد اقتصادی</li> <li>• مدیریت بهینه منابع طبیعی در جهت نیازهای کشور</li> <li>• مدیریت منابع ارزی و مالی</li> <li>• مدیریت مصرف به کمک فرهنگ سازی برای جلوگیری از اسراف</li> <li>• برنامه محوری در اجرا به منظور تحقق حداکثری اهداف برنامه</li> <li>• استفاده بهینه از زمان، مکان و امکانات</li> <li>• بازتعریف نقش دولت</li> <li>• بازتعریف نقش و مسئولیت مردم</li> <li>• تقدم استقلال و رشد اقتصادی بر مصالح فردی</li> </ul>	
--	---	--

منبع: پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری (۱۳۹۲/۱۱/۳۰)

## ۹. عدالت‌گستری

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدی است و تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. در این نگاه جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هویت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه برخورداران نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). ایشان در باب مفهوم عدالت اجتماعی معتقدند «نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون امتیازات و برخوردها و رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۵) اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی نیز توجه کرده است. ایشان در جایی دیگر با استناد به آیه قرآن کریم، هدف نظام اسلامی را قسط دانسته و می‌فرمایند: «اساس جامعه در نظام جمهوری اسلامی ليقوم الناس بالقسط است. هدف عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه زمانی به صلاح، آبادانی و عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تأمین شود». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹)

نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت

اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). لذا در منظومه فکری رهبری حتی اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این با منطق اسلام، پیشرفت محسوب نمی‌شود. «امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیقتر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۲). لذا نمی‌توان از جامعه اسلامی سخن گفت اما عدالت اسلامی در آن وجود نداشته باشد.

### ۱۰. شاخص‌های دولت مطلوب

این شاخصه‌ها سوای از پایگاه طبقاتی، سیاسی و جناحی دولتها، می‌توانند به عنوان معیارهایی ثابت، مبنای تشکیل و ارزیابی دولتها در نظام جمهوری اسلامی به شمار آیند.

#### الف) التزام به توسعه و پیشرفت؛ به عنوان یک شاخصه محوری

اصلی‌ترین محور تاکیدات و دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب در طول سالهای اخیر را می‌توان مفهوم پیشرفت و ضرورت پیگیری و تحقق آن دانست. تاکید مجدانه ایشان بر ضرورت تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و پیگیری تبیین و اجرای این الگو از جمله نشانه‌های این دغدغه مهم است. ایشان در جمع مردم خراسان شمالی، پیشرفت را مهمترین و اصلی‌ترین هدف ملت ایران عنوان می‌کنند: «اگر بخواهیم هدفهای ملت ایران را در یک مفهوم خلاصه کنیم که بتواند تا حدود زیادی خواسته‌های عمومی کشور و ملت را بیان کند و آن را در بر بگیرد، آن مفهوم کلیدی عبارت است از پیشرفت؛ منتها با تعریفی که اسلام برای پیشرفت میکند.» (بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۹۱/۷/۱۹)

از منظر رهبری، تحقق پیشرفت نیازمند اعتقادی راسخ به مقوله پیشرفت و حرکتی پرشتاب از سوی مجموعه نظام مخصوصاً کارگزاران اجرایی کشور در مسیر آن است. نمی‌توان به پیشرفت اعتقاد نداشت و یا در مسیری دیگر گام برداشت و در عین حال به انتظار تحقق پیشرفت نشست: «ما عرض کردیم که هدف، پیشرفت است. پیشرفت به معنای تحرک دائمی است. اگر دقت کنیم، پیشرفت، هم راه و مسیر است، هم هدف است.» (همان)

پیشرفت به عنوان اصلی‌ترین هدف نظام و جامعه ما آهنگام رنگ تحقق به خود خواهد گرفت که توسط دولتمردانی باورمند به پیشرفت و دارای برنامه مشخص در این زمینه پیگیری و به مرحله اجرا در آید. از همین رو است که از دیدگاه رهبری، شرط لازم تحقق پیشرفت وجود چنین مدیران پیشرفت‌گرا و توانمندی است: «تحقق پیشرفت و عدالت نیازمند وجود مدیرانی مومن، شجاع، با تدبیر، مخلص و دارای عزم راسخ است.» (بیانات در حرم رضوی، ۸۸/۱/۱)

دولت کارآمد در نظام جمهوری اسلامی دولتی خواهد بود که از چنین مدیرانی تشکیل شده و دارای عزم و اراده جدی برای حرکت در مسیر پیشرفت و توسعه کشور باشد. استفاده بهینه از منابع و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور و قرار دادن آنها در مسیر توسعه و پیشرفت کشور در گرو قرار گرفتن مدیریت‌های کارآمد در راس بخش‌های اجرایی و اداری کشور است. رهبری در زمینه توسعه علمی کشور بر این موضوع تاکید داشته

اند که می توان آن را به عنوان یک شاخصه کلان به سایر عرصه‌های اداری و اجرایی کشور نیز تعمیم داد: «همه این کارها فقط احتیاج به پول و استعداد ندارد، بلکه احتیاج به مدیریت شایسته دارد که این برمی‌گردد به بخشهای مدیریتی دانشگاه؛ چه رؤسای دانشگاهها و دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی، چه مدیران دستگاههای دولتی که مربوط به علمند؛ مثل وزارتخانه‌های علوم، بهداشت و آموزش و پرورش. اینها وظایف سنگینی دارند. چون ظاهراً وزرای محترم این‌جا تشریف دارند، این نکته را بگویم که آنها بشنوند و دنبال کنند: کسانی که در وزارتخانه‌ها و دانشگاهها مسؤولیت مدیریتی دارند، با تشخیص درست و اهمیت دادن به موضوع، می‌توانند نقشی بسیار مهم و تعیین کننده در این هدفی که مورد علاقه همه ماست، ایفا کنند.» (دیدار جمعی از استادان دانشگاههای سراسر کشور ۸/۸/۸۲)

### ب) ثبات سیاستها و برنامه‌ها

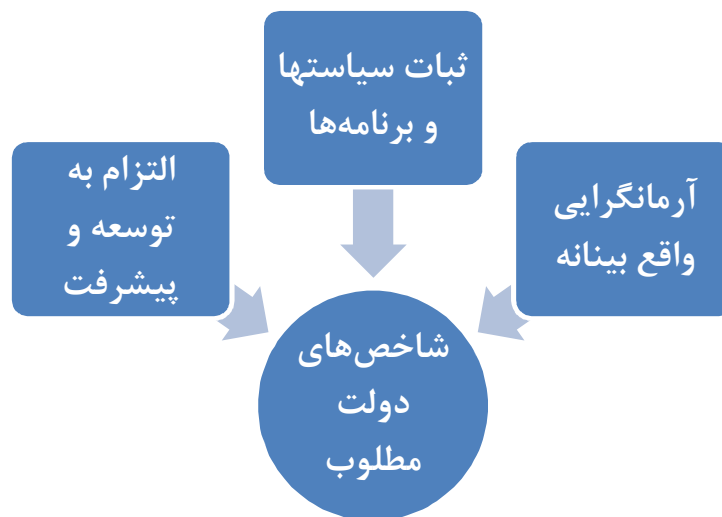
تحقق اهداف و آرمانهای نظام در گرو تعهد به سیاستها و برنامه‌های کلان نظام و پیگیری و تداوم آنها است. یکی از بزرگترین آسیب‌هایی که در طی چند سال گذشته به مسیر تحقق اهداف نظام وارد شده است بی‌اعتنایی کارگزاران اجرایی به اسناد و برنامه‌های بالادستی و تغییر پی در پی و غیر معقول برنامه‌ها و قوانین بوده است. هنگامیکه رهبری بر التزام به پیشرفت‌گرایی به عنوان یک رویکرد محوری در دولت تاکید تاکید می‌کنند، تداوم خط مشی‌های کلی نظام واستمرار برنامه‌های مدون توسط دولتهای مختلف را نیز از ضرورت‌های تحقق پیشرفت می‌دانند: «یکی از چیزهایی که اطمینان و اعتماد را به کار بلندمدت اقتصادی و اجتماعی در کشور تضمین می‌کند، ثبات سیاستهاست؛ ما بایستی به این موضوع هم در اظهاراتمان، هم در عملکردمان و هم در انعکاس کارهایمان توجه کنیم و اهمیت دهیم.» (دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۴/۶/۸۳)

التزام به کار کارشناسی و لزوم برنامه ریزی برای رفع معضلات جامعه و داشتن اعتماد به نفس از دیگر مولفه‌های یک دولت است که در پیوند با توجه به سیاستهای کلان نظام معنا می‌یابد: «کار دیگری که باید انجام دهیم، این است که **صحنه‌ی جامعه را از سه دشمن بزرگ، یعنی فقر و ناامنی و بی‌سوادی پاک کنیم.** هر جامعه‌ی عقب افتاده‌ی، سه دشمن اساسی دارد که باید آن را از جامعه، ما برطرف کنیم. باید برای رفع آن، برنامه‌ریزی و کار و تلاش بشود. ناامنی در یک کشور - چه ناامنی قضایی و چه ناامنی شغلی و مدنی - برخلاف توصیه‌ی اسلام است و یک ضد ارزش می‌باشد. باید برای تأمین آن کار شود. بی‌سواد و فقر هم همین‌گونه است» (دیدار با مسئولین نظام، ۹/۱۱/۶۸)

### ج) آرمانگرایی واقع بینانه

تحقق آرمانها و اهداف نظام و کشور نیازمند تشکیل دولتی است که ضمن پرهیز از افراط و تفریط، مطابق با آن رویکرد اصولی حرکت کند که رهبری بارها از آن با عنوان آرمانگرایی واقع‌بینانه یاد کرده‌اند. رویکردی که جمع میان شور و شعور، عقل و ایمان، آرمانگرایی و اعتدال‌گرایی است: «اگر ما توانستیم آرمان‌گرائی را با واقع‌بینی و واقع‌گرائی همراه کنیم، ترجمه‌ی عملیاتی‌اش می‌شود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد.» (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، مرداد ۹۱) ایشان در واکنش نسبت به یکی از معضلات امروز ما در عرصه سیاسی که تفکر و رویکرد ارزشی و انقلابی را با خردگرایی و افراط‌گرایی یکی می‌داند، تاکید

می‌کنند: «آرمان‌گرایی را با پرخاشگری اشتباه نکنیم؛ تصور نکنیم که هر کس آرمان‌گرا تر است، پرخاشگرتر و دعوکن‌تر است.» (بیانات در دیدار با دانشجویان مرداد ۹۱) ایشان در همین زمینه هر نوع انتخاب و تصمیم‌گیری بر مبنای احساسات زودگذر و بی‌اعتنا به علم و خرد را شدیداً نهی می‌کنند: «تصمیمی که بر اساس یک احساس گرفته بشود، یک مطالعه‌ی دقیق، موشکافانه و عالمانه پشت سرش نباشد، آن تصمیم، لزوماً تصمیم درستی نیست.» (همان)



#### محورهای اصلی بیانیه «گام دوم انقلاب»

##### • محورهای کلی:

✓ مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بالاراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست.

✓ حساسیت بر مرزبندی‌ها: جمهوری اسلامی، متجرب و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است.

✓ مشی انقلاب از ابتدا: این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.

##### • مهمترین ماموریت‌های نسل جوان برای گام دوم انقلاب:

✓ حوزه علم و پژوهش: باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهمترین رشته‌ها عبور کنیم. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است، ناکام سازید.

✓ حوزه معنویت و اخلاق: شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد. این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است؛ و این تلاش و جهاد بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد داشت.

✓ حوزه اقتصاد: جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و

تسلیم نشدن در برابر دشمن است پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است، خطایی نابخشودنی است.

✓ **حوزه عدالت و مبارزه با فساد:** اگر زمام اداری بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مومن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمد الله کم نیستند - سپرده شود امید اجرای عدالت و مبارزه با فساد برآورده خواهد شد ان شاء الله.

✓ **حوزه استقلال و آزادی:** بدیهی است که استقلال نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی، تعریف شود.

✓ **حوزه عزت ملی و روابط خارجی:** امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

✓ **حوزه سبک زندگی:** مقابله با سبک زندگی غربی، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

### جملات کلیدی:

✓ برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.

✓ دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه ✓ این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است.

✓ گسترش عدالت در جامعه هر چند نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است.

✓ اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

✓ نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است.





## **فصل چهارم**

### **انقلاب و پیشرفت از منظر صاحب‌نظران**

## مقدمه:

به منظور شناخت بیشتر نسبت به رابطه «انقلاب اسلامی» با مفاهیم پیشرفت و توسعه به سراغ برخی از صاحب‌نظران رفته و دیدگاه آنها درباره تعریف از انقلاب و نسبت میان انقلاب و ارزشهای آن از یکسو و توسعه و الزامات آن، از سوی دیگر، را جویا شدیم. در این قسمت از پژوهش بدنبال پاسخ به این دغدغه اصلی بوده ایم که اصولاً مفهوم دولت توسعه‌گرای انقلابی را می‌توان مفهوم معناداری ارزیابی کرد؟ آیا می‌توان به صورت توأمان هم بر ارزشهای انقلابی پایمردی کرد و بدنبال تحقق آنها در سطح ملی و جهانی بود و هم به توسعه و رشد و ارتقاء شاخص‌های آن اندیشید؟ و چنانچه لازم باشد در برخی از ارزشهای انقلاب به منظور رسیدن به توسعه تجدید نظر کنیم، آن ارزشها کدام خواهند بود؟

برای رسیدن به پاسخ این سئوالات به سراغ افرادی رفته ایم که اولاً، فهم کافی از توسعه ملی داشته باشند. زیرا ممکن است افرادی توسعه در سطوح بنگاه و بخش را خوب دریافته باشند اما از استلزامات توسعه در سطح ملی آگاه نباشند. ثانیاً، فهمشان از توسعه ملی یک فهم انتزاعی نباشد. برخی از استادان و دانشگاهیان ما دارای فهم کافی از توسعه ملی هستند اما فهمشان انتزاعی است. ما بدنبال افرادی بوده ایم که دستی بر آتش اجرا داشته و با مسایل و دشواری‌های عینی توسعه ملی در ایران آشنا باشند. ثالثاً، از پیچیدگی فهم و اجرای توسعه در ایران و اهمیت هماهنگی میان قطب نمای توسعه و ساکننداری توسعه در ایران آگاهی داشته باشند.

## مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	مدرک	تخصص	سمت
۱	عباس احمدآخوندی	دکتری	اقتصاد سیاسی	عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران وزیر اسبق راه و شهرسازی
۲	محمد اسحاقی آستانی	دکتری	فقه و مبانی حقوق اسلامی	عضو هیات علمی دانشگاه تهران معاون آموزشی و پژوهشی موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری)
۳	محمد جواد ایروانی	دکتری	مدیریت	معاون نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام وزیر اسبق امور اقتصادی و دارایی
۴	فواد ایزدی	دکتری	ارتباطات جمعی	عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران
۵	محمد رضا باهنر	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی اقتصادی	عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام نماینده ۷ دوره مجلس شورای اسلامی نایب رییس سه دوره مجلس
۶	سید محمد بحرینیان	کارشناسی	مهندسی صنایع	عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران مدیرعامل مجموعه صنعتی تکلان توس
۷	اکبر ترکان	کارشناسی	مهندسی مکانیک	مشاور عالی پیشین رئیس‌جمهور وزیر اسبق دفاع و راه
۸	احمد توکلی	دکتری	اقتصاد	عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام

وزیر اسبق کار نماینده ۴ دوره مجلس					
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی	اقتصاد	دکتری	داود دانش جعفری ۱	۹	
عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام وزیر اسبق اقتصاد و نماینده دو دوره مجلس	#	#	داود دانش جعفری ۲	۱۰	
رئیس جهاد دانشگاهی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی	مهندسی برق	دکتری	حمید رضا طیبی	۱۱	
عضو هیئت علمی دانشگاه محیط زیست	خط مشی گذاری عمومی	دکتری	علیرضا علوی تبار	۱۲	
استادیار دانشگاه شهیدبهبشتی و مشاور وزیر نیرو	جامعه شناسی سیاسی	دکتری	محمد فاضلی	۱۳	
استاد مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر و عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی	مهندسی مکانیک	دکتری	منصور کبگانیان	۱۴	
عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی	جامعه شناسی	دکتری	حسین کچویان	۱۵	
نماینده و رئیس سابق مجلس شورای اسلامی در ۳ دوره	فلسفه	دکتری	علی لاریجانی	۱۶	
دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی رئیس اسبق سازمان صدا و سیما وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی					
معاون اسبق رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی نماینده دو دوره مجلس	اقتصاد	کارشناسی	سید حسین مرعشی	۱۷	
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نماینده سه دوره مجلس	فقه (ارشاد اقتصاد)	دکتری	غلامرضا مصباحی مقدم	۱۸	
معاون ارتباطات مردمی دفتر مقام معظم رهبری	مکانیک		سید علی مقدم	۱۹	
معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	اقتصاد	دکتری	احمد میدری	۲۰	
رئیس مجلس در دوره‌های چهارم و پنجم، رئیس دفتر بازرسی رهبری، وزیر کشور و...		اجتهاد	علی اکبر ناطق نوری	۲۱	
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی	علوم سیاسی	دکتری	قدیر نصری	۲۲	
مشاور وزیر نفت وزیر اسبق صنایع و کار	مهندسی محیط زیست	کارشناسی	محمد رضا نعمت زاده	۲۳	
استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران	جامعه شناسی سیاسی	دکتری	احمد نقیب زاده	۲۴	

علاوه بر مصاحبه‌های فوق، دو جلسه هم اندیشی نیز با حضور برخی از اعضای هیات علمی جهاد دانشگاهی برگزار گردید و مجریان طرح، سئوالات مربوطه را با آنها در میان گذاشته و پاسخ‌های آنان را در کنار پاسخ‌های ارایه شده از سوی صاحب‌نظران فوق مورد تحلیل قرار دادند:

## اعضای هم اندیشی نخبگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	مدرک	تخصص	سمت
۱	حمید امین اسماعیلی	دکتری	مدیریت	مشاور ریاست جهاد دانشگاهی معاون پژوهشی سابق جهاد دانشگاهی
۲	محمد جواد چیت ساز	کارشناسی ارشد	جامعه شناسی	عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
۳	اسد رازانی	کارشناسی ارشد	برنامه ریزی شهری	"
۴	علی رنجبرکی	دکتری	اقتصاد	"
۵	سید رضا شاکری	دکتری	علوم سیاسی	"
۶	نقی عسگری	کارشناسی ارشد	برنامه ریزی شهری	"
۷	رضا عسگری مقدم	کارشناسی ارشد	جامعه شناسی	"
۸	ایرج قاسمی	دکتری	برنامه ریزی شهری	"
۹	سید محمد موسی مطلبی	دکتری	اقتصاد	"

در ادامه این فصل، پاسخ‌های صاحب‌نظران به پرسش‌های تحقیق را با تاکید بر دو سؤال: ۱. نسبت میان انقلابی بودن و پیشرفت و ۲. نسبت میان توسعه گرایی و ارزشگرایی به بحث و تحلیل می نشینیم.

## ۱) نسبت میان انقلابی بودن و پیشرفت

یکی از مهمترین سئوالات ما در این تحقیق این بود که آیا می توان هم بر هویت و عملکرد انقلابی پافشاری کرد و هم داعیه و آرزوی پیشرفت را در سر پروراند؟ به عبارت دیگر، آیا دولت جمهوری اسلامی ایران می تواند هم به عنوان یک دولت انقلابی شناخته شود، یعنی دولتی که بر آرمانها و اهداف و اصول انقلابی خود تاکید می کند، و هم بدنبال ارتقای شاخص‌های پیشرفت، متناسب با تعاریف و برداشت‌های متعارف جهانی، در کشور باشد؟ همواره این موضوع مطرح بوده است سایر کشورهای انقلابی هم تنها آنهنگام به توسعه رسیده اند که از آرمانهایشان دست برداشته اند یا آنکه پیگیری آنها را موقتا تعطیل کرده اند و بر مبنای یک اولویت بندی، اول به ساختن داخل پرداخته اند تا در وهله بعد به آرمانهایشان بپردازند. آیا می شود در همین چارچوب انقلاب به شاخص‌های توسعه دست یافت؟

پاسخ‌های نخبگان منتخب به این سؤال را می توان بصورت زیر طبقه بندی کرد:

## الف) ناهمسویی و عدم نسبت

تعدادی از مصاحبه شونده‌گان با تاکید بر اولویت «توسعه» بر این باورند که رفتار و هویت انقلابی با حرکت در مسیر پیشرفت کشور سازگاری ندارد.

• پیش شرط توسعه، وجود ثبات، امنیت و عقلانیت است در حالیکه در رویکرد انقلابی ما شاهد غلبه احساسات، بی ثباتی، تکیه بر اتفاقات لحظه ای و کمبود عقلانیت هستیم. (هم اندیشی نخبگان ۲)

به اعتقاد این گروه، چنانچه لازمه انقلابی بودن «ایجاد مناقشات بین المللی»، «پیروی از یک ایدئولوژی و روش و منش خاص و منافی اصول توسعه»، «پیگیری و حمایت از انقلاب‌های منطقه‌ای»، «ضدیت با موجودیت اسرائیل»، «گسترش حوزه نفوذ به سوریه و یمن و...»، «مبارزه با آمریکا به مثابه یک اصل و پیگیری آن در عرصه جهانی» و... باشد، نمی‌توان به سمت تشکیل دولتی توسعه‌گرا حرکت کرد.

• تقریباً هیچ تجربه موفق تاریخی در قرن بیستم در زمینه توسعه‌گرایی انقلابی وجود ندارد. توسعه‌یافتگی در قرن بیستم با اتخاذ نگاه‌های غیرانقلابی، رفورمیستی و هماهنگی با نظام بین‌الملل و تنش‌زدایی در روابط داخلی و خارجی صورت گرفته است. (هم‌اندیشی‌نخبگان ۱)

• اگر ما بخواهیم انقلابی باشیم همانگونه که سیاستگذار ما، رهبر معظم انقلاب، بر انقلابی بودن تأکید دارند، چنین امری نمی‌تواند با توسعه‌محور بودن به معنایی که امروز جهان می‌فهمد، هماهنگ و سازگار باشد. یا باید انقلابی بود یا توسعه‌محور. مگر اینکه توسعه را بگونه‌ای دیگر معنا کرد، غیر از آنچه که در جهان رخ داده است. (مصاحبه شماره ۱۸)

• یکی از آرمان‌های بسیاری از انقلاب‌ها رسیدن به استقلال است. به معنای آنکه از قدرتهای بیگانه برحذر باشند و آنها را از امور داخلی کشور خود دور نگه دارند. پیگیری همین آرمان نیاز به کنش انقلابی دارد. به همین دلیل همه انقلاب‌ها با نوعی بسیج همراه هستند مثل انقلاب روسیه که حزب کمونیست به بسیج توده‌ها می‌پرداخت. در آلمان هیتلری هم جنبش فاشیسم یک رویکرد توسعه‌گرایانه داشت. به هر صورت گفتمانها توسعه‌گرا بودند اما در عمل محصور در ایدئولوژی‌های خود باقی ماندند. این دولتها تنها زمانی به معنای واقعی توسعه‌گرا شدند که ایدئولوژی را کنار گذاشتند و بدنبال واقعیت‌های زندگی رفتند و دیر یا زود این واقعیت را دریافتند که زندگی چیزی فراتر از ایدئولوژی است و ایدئولوژی‌ها یا ساخته و پرداخته‌های ذهنی یا محصول نیازها هستند (مصاحبه شماره ۲۴)

گروهی دیگر از مصاحبه‌کنندگان اگر چه بر عدم تناسب و هماهنگی این دو مقوله تأکید دارند، اما با تأکید بر اصل «الاهم فالاهم» بر این باورند که هر دوی اینها نمی‌توانند بطور همزمان به عنوان اولویت دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند. بر مبنای گفته‌های ایشان، چنانچه اولویت ما «دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی و شیعه» باشد، نباید انتظار داشت که همزمان شاهد شکل‌گیری یک «کشور قدرتمند» هم باشیم. به زعم این گروه از صاحب‌نظران، اگر چه هر دو مقوله از اهمیت زیادی برخوردارند اما هر دو اولویت را نمی‌توان به طور همزمان پیگیری کرد. توصیه این افراد این است که در ابتدا باید بدنبال ساختن یک کشور قدرتمند، با رعایت تمام الزامات و ضوابط داخلی و بین‌المللی آن، بود و سپس بدنبال پیگیری سایر آرمان‌های انقلاب اسلامی رفت. (به عنوان نمونه مصاحبه شماره ۱۱)

حداقل یکی از مصاحبه‌شوندگان، با تأکید بر لزوم حراست از هویت و آرمان‌های انقلابی و دینی، هر نوع حرکت در مسیر و چارچوب توسعه غربی را، منتفی و ممتنع می‌دانند. بر مبنای این دیدگاه، از یکسو، توسعه اعانه‌ای و گدامسلکانه با هویت و مدنیت ما در تعارض است و از سوی دیگر، حتی اگر ما نیز بدنبال چنین چیزی باشیم، غربی‌ها به ما اجازه و امکان رشد و پیشرفت را نخواهند داد. (مصاحبه شماره ۱۵)

#### ب) هم‌سویی و تناسب

یکی از مصاحبه‌شوندگان هر گونه شبهه افکنی درباره افتراق میان این دو مقوله را به شدت رد کرده و معتقد است: «از اول انقلاب تاکنون همواره افرادی بدنبال ایجاد شبهه در این زمینه بوده‌اند. ما در زمان

طاغوت با همه جهان، مخصوصا با آمریکا و اسرائیل، رابطه داشتیم، آخرش به کجا رسیدیم؟ برخی‌ها بدنبال ارایه تعاریفی از انقلاب و پیشرفت هستند تا ثابت کنند که این دو قابل جمع نیستند.» (مصاحبه شماره ۱۹)

گروهی از صاحب‌نظران ضمن ارایه تعاریف خود از انقلابی بودن و پیشرفت، بر عدم تعارض این دو مقوله تاکید دارند. به زعم آنها «انقلابیگری به معنای تخریب خلاقانه و قانع نبودن به وضع موجود و تلاش در جهت بهبود این وضع (پویایی دائمی) با پیشرفت در یکرستا قرار دارد.» (مصاحبه شماره ۱) به زعم این عده «همه انقلاب‌ها رویکردی توسعه‌گرا دارند زیرا به عنوان پاسخی به عدم توسعه یافتگی ایجاد می‌شوند.» (مصاحبه شماره ۲۴)

• اگر مقصود از انقلاب، دگرگون سازی نظم موجود در عرصه جهانی و تولید انسان طراز نوین در داخل است و توسعه‌گرایی عبارت از ارتقای شاخص‌های زندگی در عرصه‌های بهداشت، امنیت، آموزش و عدالت منصفانه است باید گفت که این دو در ساحت نظر تبیینی با هم ندارند. آنچه موجب تباین و تضاحم می‌شود شیوه القای منظور و ضریب تهدید غایی به جای اطمینان سازی است. جمیع انقلابیون برای جبران کسری‌ها و عقب ماندگیهای فکری و مادی قیام و انقلاب کرده اند. (مصاحبه شماره ۲۲)

• اگر انقلابی‌گری را به معنای تغییر اساسی نسبت به وضع موجود ببینیم. اگر به کشورهای توسعه یافته نگاه کنیم می‌بینیم که در مقاطعی توسعه پیدا کرده اند که کسانی با حرفهای نو بر سر کار آمده اند. مثل آتاتورک در ترکیه یا ماهاتیر محمد در مالزی. با این تعریف از انقلابیگری می‌تواند این مفهوم درست باشد. (هم اندیشی نخبگان ۲)

• اصلا انقلاب ما یک انقلاب دائمی است و بنابراین پیشرفت ما هم باید یک پیشرفت دائمی باشد: ما زنده به آنیم که آرام نگیریم. اصلا اگر پیشرفت نباشد، رودخانه می‌گندد. تجربه سایر انقلاب‌ها را دیده ایم که چگونه بدون پیشرفت، نابود شدند. امروز هیچ نشانه‌ای از الجزایر و ویتنام و... نیست. (مصاحبه شماره ۱۴)

• باید بدنبال قرائت درست از انقلاب باشیم. انقلاب یعنی پیشرفت. اولین کار انقلاب ایجاد خودباوری در میان ما بود. در هر دوراهی، اگر گفتید که ما می‌توانیم، نشانه انقلابی بودن است و اگر گفتید که ما نمی‌توانیم نشانه ضدانقلابی بودن است. (مصاحبه شماره ۱۹)

• اساسا انقلاب متن پیشرفت ما است. ما راهی جز انقلاب برای پیشرفت نداریم. بر مبنای روایت حضرت امام (ره) و حضرت آقا از انقلاب، پیشرفت انقلابی یعنی پیشرفت مبتنی بر خودباوری. (مصاحبه شماره ۱۸)

در واقع از آنجا که همه انقلاب‌ها با در نظر گرفتن یک «آرمانشهر» و افق مطلوب ایجاد شده و توسعه می‌یابند، در بطن خود متضمن انتقاد از وضع موجود در مقایسه با یک وضع مطلوب (جامعه و کشور پیشرفته و توسعه یافته) هستند و آرمانها و اهداف انقلاب نیز چیزی جز شاخص‌های این وضعیت مطلوب و راههای تحقق آن نیست. بنابراین انقلاب اسلامی نیز اگر چه در جه سلبی خود بدنبال نفی نظم و الگوی توسعه موجود بود، اما در وجه ایجابی خود متضمن درانداختن طرحی نو از یک جامعه آرمانی اسلامی بود که بسیاری از شاخص‌های آن را می‌توان همراستا با شاخص‌های توسعه و پیشرفت در دنیای مدرن ارزیابی کرد. گروهی دیگر از صاحب‌نظران، همراستا بودن انقلاب اسلامی با توسعه‌گرایی را بر مبنای شاخص‌ها و واقعیات عینی جامعه توجیه و تایید می‌کنند. بر مبنای این دیدگاه «پیشرفتهای گوناگون کشور در حوزه‌های مختلف بیانگر فقدان هر نوع تعارض در این زمینه است.» (مصاحبه شماره ۲) به معنای دیگر،

تلاش‌های فراوانی که در سالهای بعد از انقلاب اسلامی در جهت پیشرفت و آبادانی کشور صورت گرفته است، نشاندهنده آن است که «میان کلیت انقلاب اسلامی و توسعه و پیشرفت هیچ نوع تضاد و تعارضی وجود ندارد.» (مصاحبه شماره ۲)

یکی از مشکلات کشور ما این است که حتی برخی از نخبگان کشور هم به کارهایی که جمهوری اسلامی در حوزه توسعه انجام داده است توجه نمی‌کنند. در بحث توسعه باید به شاخص‌ها نگاه کرد. زمانی که به شاخص‌های بین‌المللی نظیر شاخص توسعه انسانی (HDI) نگاه می‌کنیم در بخش رشد، در ۴۰ سال گذشته، ایران رتبه اول دنیا است. شاخص توسعه انسانی مجموعه‌ای از شاخص‌های ریز است مثل میانگین سن، شاخص‌های بهداشتی کشور و... میانگین سن اول انقلاب حدود ۵۵ سال بوده و الان حدود ۷۵ سال است. یا سالهایی که افراد مشغول به تحصیل هستند رشد زیادی داشته است. از این جهت به نظرم یک مقدار بی‌انصافی است که ما همه چیز را سیاه ببینیم، ضمن آنکه ناعادلانه است اگر همه چیز را سفید ببینیم. وضعیت جمهوری اسلامی خاکستری بوده است مثل جاهای دیگر دنیا. (مصاحبه شماره ۴)

بر مبنای این دیدگاه، انقلاب اسلامی عملاً نه تنها همسویی و عدم تعارض خود با پیشرفت و توسعه را نشان داده است، بلکه بسیاری از اقدامات توسعه‌گرایانه کشور در ۴ دهه اخیر متأثر از انقلاب اسلامی و ارزش‌ها و باورهای آن بوده است.

• نظام جمهوری اسلامی و انقلاب مانعی برای توسعه نیست. از منظر پدیدار شناسانه هم اگر بنگریم مشاهده می‌کنیم که دولتهای مختلفی بعد از انقلاب بر سر کار آمده‌اند که برخی از آنها در توسعه موفق بوده‌اند، برخی‌ها در جا زدند و برخی هم عقبگرد داشتند. همه اینها در چارچوب نظام کار می‌کردند. برخی از این دولتها هم توسعه را به پیش برده‌اند اگر چه جهش نداشته‌اند. البته قانون اساسی ما در برخی جاها معد توسعه بوده است و در برخی جاها مخل توسعه ... ولی اگر ما به عنوان مدیران تصور درستی از توسعه داشته باشیم، این قانون اساسی مانعی برای توسعه نیست (مصاحبه شماره ۱۶).

• یکی از صاحب‌نظران بر تجربه عینی خود در این زمینه اشاره کرده و می‌گوید: «از آقا یاد گرفتم که این دو موضوع تناقضی با هم ندارند. البته تعصبی هم آقا داشتند که کلمه توسعه را کمتر استفاده کنند. ایشان معتقد بودند کشوری که فقیر و ضعیف و بدبخت باشد در دنیا جایی ندارد» (مصاحبه شماره ۱۴)

از دیدگاه یکی از صاحب‌نظران، انقلاب اسلامی، در راستای تمدن اسلامی، بدنبال ایجاد مدنیتی است که لازمه تحقق آن انقلابی بودن و تمایز داشتن با غرب است:

• «آنچه من می‌فهمم این است که ما بدنبال ایجاد مدنیت خاص خودمان هستیم. دنبال این هستیم که اقتصادی داشته باشیم که از عهده حل مسایل و مشکلات ما بر بیاید. بتواند به نیازهای اقتصادی مردمش پاسخ دهد. بتواند عمران و آبادانی ایجاد کند. همان مفهومی که حضرت امیر یا دیگرانی مثل خواجه نصیر، وقتیکه هدفگذاری می‌کردند یا وظایف دولت را بر می‌شمردند، می‌گفتند که حکومت باید توفیر فی بکند، یعنی دنبال ایجاد و گسترش ثروت باشد.» (مصاحبه شماره ۱۴)

• «آنچه که مدنظر ماست این است که اتفاقاً ایجاد مدنیت و اقتصاد و سبک زندگی و نوع خانواده و رفتار اجتماعی خاص که اقتضای تمدن اسلامی است، مستلزم انقلابی بودن است. اگر قرار بود مثل کره جنوبی یا هر جای دیگر از ساختار غرب بهره ببریم و می‌خواستیم بر سرمایه و تکنولوژی غرب تکیه کنیم باید



هماهنگ و سازگار با این ساختار باشیم. ولی اگر گفتیم که ما این شکل زندگی و مدنیت و اقتصاد و سیاست و رسانه و... را نمی‌پذیریم، بلکه می‌خواهیم شکل دیگری از اینها تولید کنیم که اصول و مبانی آنها را دیانت به من داده است، آنوقت چنین چیزی مستلزم تعارض با ساختارهای تمدنی موجود است. این کارها مستلزم انقلابی بودن است. البته این به معنای جنگیدن نیست. بلکه نوع تعامل با آنها یا به چشم رقیب یا به چشم دشمن است.» (مصاحبه شماره ۱۵)

### ج) تغییر در فهم از انقلاب

گروهی از صاحب‌نظران فهم متعارف و غالب از انقلاب اسلامی را فهمی نادرست از انقلاب و به تبع آن در تقابل با توسعه می‌بینند و در مقابل، بر ضرورت تغییر فهم از انقلاب در راستای اقتضائات داخلی و شرایط بیرونی تاکید می‌کنند.

بر مبنای این دیدگاه، یکی از اقتضائات داخلی ایران، پذیرش تکثرگرایی و تنوع آراء و دیدگاهها است. «تمدن ایرانی مبتنی بر پذیرش دیگری است و ایران بر مبنای تنوع دینی و قومی و مذهبی شکل گرفته است.» (مصاحبه شماره ۱) بنابراین هر فهمی از انقلابی‌گری که بخواهد ایران را تنها در قالب یک مفهوم یا یک هویت تعریف کند، نه تنها با واقعیات ایرانی همخوانی ندارد، بلکه «اگر ایران را محصور کنیم به ایران مرکزی، به معنای مرگ ایران خواهد بود.» (مصاحبه شماره ۱)

در دیدگاهی دیگر بر وجود معانی و برداشتهای متکثر از انقلاب اسلامی تاکید می‌شود که برخی از آنها مویده توسعه‌گرایی و پیشرفت به شمار می‌روند و برخی دیگر نافی آن خواهند بود. بر مبنای این دیدگاه، چنانچه انقلابی بودن به معنای «روی کار آوردن انسان‌های صالح»، «حذف انسان‌های فاسد»، «اتخاذ سیاستهایی در راستای حفظ استقلال کشور»، «رشد طبقات ضعیف جامعه»، «ثروت آفرینی» و... باشد، منافاتی با توسعه‌گرایی ندارد. مطابق با این دیدگاه، هر نوع تعریفی از انقلابی بودن که شروط دیگر و متفاوت با شاخص‌های فوق را مورد تاکید قرار دهد، به تضاد میان انقلابی‌گری و توسعه می‌انجامد. (مصاحبه شماره ۱۷)

• انقلابی‌گری یعنی آگاه بودن از شرایط روز. آگاه بودن از جایی که در آن ایستاده ایم. آگاه بودن از آینده‌ای که به سمت آن قرار است برویم. مبنای آن هم عقل‌گرایی است که به معنای نفی احساسات و عواطف نیست. انقلابی کسی است که ابتدای بر عقل می‌کند و احساسات را در ذیل آن می‌بیند نه اینکه احساسات بر عقل غلبه کند که نتیجه آن آناارشی می‌شود (مصاحبه شماره ۱۶)

دیدگاه سوم در این باره، انقلابی بودن را به معنای ساختن یک «کشور الگو» تعریف می‌کند. این دیدگاه با اذعان به این واقعیت که «ما یک نظام انقلابی مستقل از شرق و غرب هستیم. بدیهی است که دشمنانی داریم و آنها سعی می‌کنند ما را متلاشی کنند. بنابراین در این شرایط ما باید هم مقاومت کنیم و هم پیشرفت» (مصاحبه شماره ۱۱) تاکید می‌کند «انقلابی بودن را باید در این ببینیم که در یک تعامل معقول با دنیا، به جز آمریکا و رژیم صهیونیستی، بدنبال ساختن یک جامعه الگو باشیم تا خود این الگو بودن انقلابیون کشورهای مختلف را تشویق کند تا آنها هم با اتکال بر توان داخلی بدنبال پیشرفت باشند.» (مصاحبه شماره ۱۱). اگر کشور به لحاظ داخلی به اقتدار مناسبی در عرصه اقتصادی و توان داخلی برسد، دشمنان هم می‌بینند که دیگر دشمنی فایده‌ای ندارد و از طرف دیگر ما می‌توانیم در کشورهای دیگر برای خود جایگاهی ایجاد کنیم (مصاحبه شماره ۱۰) بهتر است ما جامعه الگویی بسازیم و جوانان جامعه هدفمان

را به ایران بیاوریم تا آنها با فرهنگ و گفتمان انقلاب اسلامی آشنا شوند و خودشان بدنبال ایجاد تحول در کشورشان باشند. بر این باورم که در دنیای کنونی اگر انقلابی هم قرار باشد که اتفاق بیفتد باز هم از طریق فرهنگ و فناوری و... خواهد بود. یعنی اگر ما بتوانیم باعث تحولی در زیرساختهای علمی و فناوریانه کشورهای هدفمان داشته باشیم، تاثیر زیادی بر آن کشورها خواهد داشت. (مصاحبه شماره ۱۱)

به تعبیر دیگر، انقلابی بودن را نباید در آرایه شعارهای انقلابی یا ایجاد چالشها و تعارضات بین المللی و منطقه ای دنبال کرد، بلکه باید به صورت عملی و عینی، جامعه و کشوری در تراز انقلاب اسلامی ایجاد کرد تا بتواند الگویی از یک جامعه توسعه یافته اسلامی در اختیار سایر جوامع قرار دهد.

#### د) گریز از چالش

گروهی از صاحب نظران، مخصوصا کسانی که بر مباحث و شاخصهای عملی توسعه یافتگی نسبت به مسایل نظری آن تاکید بیشتری دارند، با رویکردی عملگرایانه و مصلحت جویانه، ورود به هر نوع مباحث اختلاف برانگیز و چالش زا در حوزه نسبت انقلابی بودن و توسعه گرایی را غیرضروری و بی ثمر می دانند. به زعم این گروه، اختلاف نظرها در این زمینه احتمالا همواره وجود خواهد داشت و نمی توان توسعه کشور را منوط و وابسته به حل کامل همه این اختلافات کرد. به زعم ایشان، باید با تاکید بر نقاط اشتراک و آن دسته از سیاستها و رویکردهایی که مورد اجماع همه دلسوزان کشور و انقلاب است، مسیر توسعه کشور را به پیش برد و توسعه گرایی را «از قسمتهای نرمی که اختلاف نظر نداریم شروع کنیم.» (مصاحبه شماره ۵) بر مبنای این دیدگاه اشتراک نظرها در مورد سیاستها و شاخصهای توسعه کشور از نقاط مبهم و اختلاف انگیز بیشترند و با اجماع بر همین نقاط اشتراک می توان الگو و برنامه توسعه کشور را به پیش برد.

در دیدگاهی دیگر، لازمه گریز از چالشهای نظری در این زمینه در آرایه تعریفی مناسب از «توسعه» جستجو می شود. بدین منظور «نباید توسعه را بگونه ای تعریف کنیم که امکان تحققش وجود نداشته باشد.» (مصاحبه شماره ۲۲) به عبارت دیگر، در این دیدگاه با مفروض دانستن شرایط انقلابی جامعه و دولت در ایران و با تاکید بر ضرورت رعایت این شرایط، بر انتخاب الگویی از توسعه و در نظر گرفتن سیاستهایی تاکید می شود که توسعه را در جامعه امروز ایران «مکانپذیر» و «قابل تحقق» سازد.

یکی از صاحب نظران نگاهش به توسعه را اینگونه تعریف می کند «توسعه را، توسعه اقتصادی در کنار اقتدار دفاعی و عدالت و اخلاق می دانم. زیرا اگر در توسعه اقتصادی عدالت و اخلاق لحاظ نشود مورد نظر ما نخواهد بود. فرایند تحقق توسعه را اینگونه می بینم که حتما باید توسعه فرهنگی، توسعه علم و فناوری، توسعه اجتماعی و توسعه سیاسی بطور هم زمان در کشور ما اتفاق بیفتد» (مصاحبه شماره ۱۱)

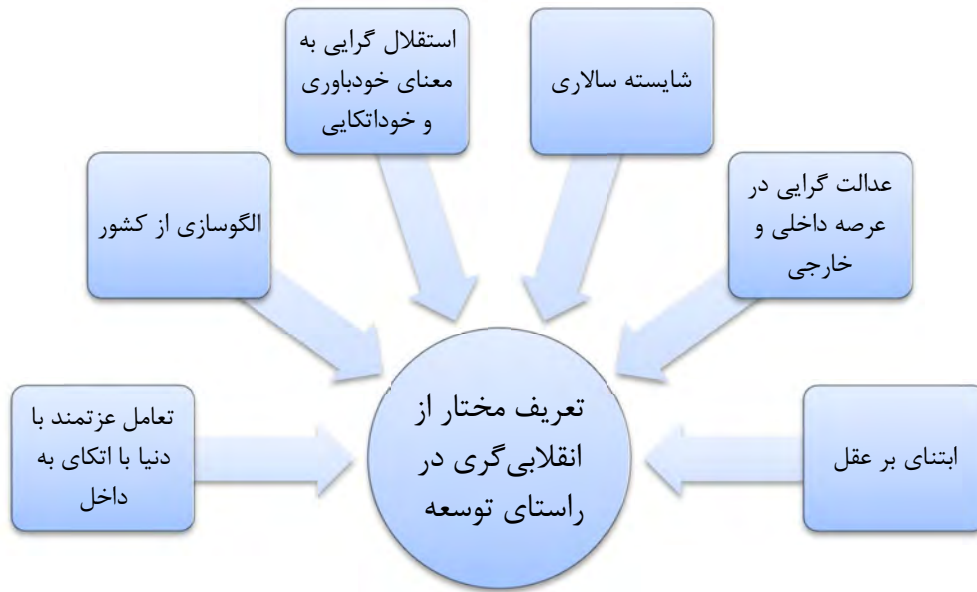
#### جمع بندی

دیدگاههایی که هر نوع تعامل و تناظر میان انقلابی گری و توسعه گرایی را منتفی می دانند، عمدتا یا انقلابی بودن را تنها به برخی ابعاد آن، مخصوصا در رویکردهای تهاجمی در حوزه سیاست خارجی، تقلیل می دهند یا ناظر بر سرنوشت برخی از مصادیق دولتهای انقلابی در جهان، بر این ضدیت و تنافر تاکید می ورزند. بر مبنای این دیدگاه تا ما همچنان هویت خود را به عنوان یک دولت انقلابی تعریف می کنیم و بدنبال تحقق آرمانهای انقلاب، مخصوصا در حوزه سیاست خارجی، هستیم، امکان دستیابی به توسعه وجود ندارد. در نقطه

مقابل با دیدگاههایی روبرو هستیم که میان انقلابی بودن و توسعه هیچگونه تباینی نمی بینند. بر مبنای این دیدگاه، چنانچه انقلابی بودن را به معنای تخریب خلاقانه و خودباوری و پویایی و... در نظر بگیریم، نه تنها منافاتی با توسعه ندارد، بلکه موید توسعه کشور هم خواهد بود. بنابراین از منظر الگوی توسعه انقلابی آن دسته از تعابیر انقلاب که همسو با توسعه و پیشرفت هستند را اینگونه می توان از تعابیر غیرهمسو جدا ساخت و تفکیک کرد:

تعابیر غیرهمسو	تعابیر همسو با توسعه
تکیه بر اتفاقات لحظه ای	تخریب خلاقانه و قانع نبودن به وضع موجود و تلاش در جهت بهبود این وضع (پویایی دائمی)
بی ثباتی	دگرگون سازی نظم موجود در عرصه جهانی و تولید انسان طراز نوین در داخل
استقلال گرایی به منزله نفی نظم جهانی	خودباوری
کمبود عقلانیت	عقلگرایی
ایجاد مناقشات بین المللی	اتخاذ سیاستهایی در راستای حفظ استقلال کشور
پیروی از یک ایدئولوژی	رشد طبقات ضعیف جامعه
پیگیری و حمایت از انقلاب های منطقه ای	ثروت آفرینی
ضدیت با موجودیت اسرائیل	اتکای بر توان داخلی
گسترش حوزه نفوذ به سوریه و یمن و..	ساختن یک «کشور الگو»
مبارزه با آمریکا به مثابه یک اصل	تعامل معقول با دنیا
غلبه احساسات	روی کار آوردن انسان های صالح (حذف انسان های فاسد)

با رجوع به دیدگاههای رهبران انقلاب اسلامی مشاهده می شود که در نظر آنها تنافر و ضدیتی میان انقلابی بودن و توسعه گرایی مشاهده نمی شود. از دیدگاه رهبران انقلاب، انقلابی بودن جامعه و دولت جمهوری اسلامی ایران یک «اصل» به شمار می رود که به هیچ عنوان قابل تغییر و صرف نظر کردن نیست. اما تاکید بر این اصل را نمی توان به معنای بی توجهی به توسعه و پیشرفت همه جانبه کشور (با تاکید بر توسعه و رفاه مادی) در نظر گرفت. به نظر می رسد که اگر انقلابی گری را در چارچوب زیر تعریف کنیم، می تواند فصل مشترک دیدگاه رهبران انقلاب و صاحب نظران در همراهی با توسعه گرایی باشد:



❖ با چنین تعریفی از انقلابی بودن، باید بدنبال ساختن یک کشور و جامعه الگو در تراز آرمانهای انقلاب اسلامی باشیم، تا به پشتوانه چنین جامعه ای بتوانیم الگوی موفقی از یک آرمانشهر اسلامی به سایر کشورهای جهان اسلام ارائه دهیم.

❖ در این تعریف از انقلابی گری، استقلال گرایی به معنای نفی جهان بیرون و ضدیت با آن نیست، بلکه به معنای «رهایی» ذهنی و عینی از دغدغه آن و وابستگی به آن است. در این دیدگاه، تحقق یک جامعه و کشور الگو، به معنای یک جامعه و کشور پیشرفته و متعالی در چارچوب شاخص‌های متعارف جهانی و دینی، با اعتماد و تکیه بر توان داخلی صورت خواهد گرفت که البته به معنای نفی تعامل عزتمندانه با جهان خارج نیست.

❖ در این دیدگاه، «خودباوری» به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، بستری برای توسعه دانش بنیان و اقتصاد درون زا خواهد بود. همچنانکه تاکنون نیز نتایج درخشان و قابل دفاعی از خود به جای گذاشته است.

❖ انقلابی بودن در این تعریف به معنای «هیجان زدگی» و رفتارهای غیرقابل پیش بینی و تخریبگرانه نیست، بلکه در قالب تصمیم گیری‌ها و رفتارهای عقلانی، دوراندیشانه و قانونمند تعریف می گردد.

❖ «مرزبندی با دشمن» و «استکبارستیزی» به عنوان دو اصل انقلابی، در قابل مفاهیمی بنیادی تر نظیر «ظلم ستیزی» و «عدالت طلبی» در ابعاد گوناگون داخلی و خارجی قابل تعریف و تبیین است و به عنوان ارزشهای جهانشمول بشری نه تنها ضدیتی با توسعه گرایی و پیشرفت ندارد، بلکه جزو اهداف و آرمانهای توسعه محسوب می شود.

## ۲. نسبت میان توسعه گرایی و ارزشگرایی

هنگامیکه با یک دولت و جامعه انقلابی روبرو هستیم که از یکسو دل در گرو آرمانها و ارزشهای انقلابش دارد و از سوی دیگر در آرزوی توسعه و پیشرفت به سر می برد و دلنگران عقب ماندگی از روندها و شاخص‌های توسعه یافتگی جهانی است، یکی از مهمترین سئوالات و دغدغه‌ها، دستیابی به نسبت میان

ارزشها و آرمانهای ملی و انقلابی با الزامات و معیارهای حرکت در مسیر توسعه یافتگی است. به عبارت دیگر پاسخ به این سؤال که: «آیا برای توسعه یافتگی باید در ارزشهای انقلاب تجدیدنظر کنیم؟»

دغدغه ما و بسیاری از صاحبان نظر در این زمینه بیشتر به نحوه پیگیری ارزشهای انقلاب در عرصه بین المللی برمی گردد. مخصوصا بحث حمایت از نهضت‌های آزادیبخش که در قانون اساسی هم مورد اشاره قرار گرفته یا بحث حمایت از برخی دولت‌ها یا جریان‌های سیاسی در منطقه که در طی ۴ دهه گذشته بعضا پیگیری شده است.

پاسخ صاحبان نظر به این سؤال را می توان در دو دسته کلی مخالفت با تجدیدنظر در ارزشهای انقلاب و موافقت با تجدیدنظر تقسیم بندی کرد:

### الف) مخالفت با تجدیدنظر

گروهی از مصاحبه شوندگان میان پایمردی بر ارزشهای انقلاب اسلامی با توسعه یافتگی کشور هیچگونه منافاتی نمی بینند. بر مبنای این دیدگاه، برخی از ارزشهای انقلاب اسلامی نظیر «استقلال» و «عزت ملی» شرط لازم توسعه یافتگی است. همچنین «توسعه یافتگی جنبه‌های کیفی ای دارد که به اخلاق، آزادی، عزت ملی و... مربوط می شود». (مصاحبه شماره ۸) بر مبنای این دیدگاه، ارزشهای انقلاب و شاخص‌های توسعه، مکمل یکدیگر هستند.

- تمام پیشرفتهای ما در این ۴۰ سال مرهون استقلال ما بوده است. بعد از انقلاب اسلامی تمام شعارهای انقلاب نظیر استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی محقق شده است. کشوری که تا قبل از انقلاب در همه اقسام زندگی وابسته به خارج بود، بعد از انقلاب به استقلال دست یافت (مصاحبه شماره ۱۹)

- ما ۱۷ قله اقتصادی را در ۴۰ سال بعد از انقلاب فتح کرده ایم که ۱۵ تای آنها متعلق به دوران جنگ است. یعنی همان دوران نزدیک به انقلاب و آرمانها و ارزشهای انقلابی. بنابراین راهکار ما برای توسعه یافتگی بازگشتن به آرمانهای انقلاب اسلامی است. یعنی بازگشت به همان شعارها و تعابیر زمان انقلاب: جمهوریت، اراده مردم، عدالت، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و... (هم اندیشی نخبگان ۱)

- واقعیت آن است که علت اصلی ایجاد این مشکل دور شدن از انقلاب است. در پایان جنگ ارزشهای آن دوران نظیر عدالت طلبی، ساده زیستی و... را با مانور تجمل از بین بردیم. بخاطر دور شدن از آرمانهای انقلاب از توسعه هم دور شدیم. برای تحقق توسعه باید به آن آرمانها بازگردیم. (هم اندیشی نخبگان ۱)

از دیدگاه یکی از صاحبان نظر، خصلتهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل قدرت نرم جمهوری اسلامی بوده و موجب تامین منافع ملی ما شده است: (مصاحبه شماره ۴)

- به قدرت نرم نیاز داریم. قدرت نرم را هم ما ایجاد نکردیم بلکه آقای جوزف نای گفته است. نیاز به قدرت نرم یعنی نیاز به ایدئولوژی. بی انصافی است که برخی‌ها در کشور ما به جای اینکه این مزیت‌های ایران را ببینند و خوششان بیاید، ناراحتند و می گویند که ایدئولوژی بد است. اگر ایدئولوژی نداشتیم که کسی حاضر نمی شد برای ما بجنگد.

- شما باید از خودتان در برابر این مشکلات دفاع کنید و دفاع هم به عقبه ایدئولوژیک و اسلامی نیاز دارد. من اگر ارمنی هم بودم طرفدار جمهوری اسلامی می شدم چون جمهوری اسلامی است که عقبه دینی و ایدئولوژیک دارد و می تواند امنیت ما را تامین کند

• این نوع و مزیت جمهوری اسلامی است. اینکه افراد بومی را از همان کشورها بدلائل ایدئولوژیک به ما علاقمند می کند (ادعاهای جمهوری اسلامی در حوزه دین ادعاهای گزافی نیست، این نظام صبغه دینی دارد).

برخی دیگر از صاحب نظران نه تنها میان این دو مقوله منافاتی نمی بینند بلکه بر بازگشت به آرمانهای انقلاب برای تحقق توسعه یافتگی تاکید می کنند: «راهکار ما برای توسعه یافتگی بازگشتن به آرمانهای انقلاب اسلامی است: جمهوریت، اراده مردم، عدالت، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و...»

• تجدیدنظر نباید بکنیم اما بروزرسانی باید بشود. آنها هم توسط اهلش و متخصصش. برعکس من معتقدم که پافشاری بر آن ارزشها باعث پیشرفتمان خواهد شد. (مصاحبه شماره ۱۴)

• الگوی اسلامی ایرانی توسعه باید نقش عدالت و توسعه را به صورت شفاف و روشن مشخص کند. ما در این زمینه ضعف تئوریک داریم. (مصاحبه شماره ۱۶)

• ارزشهای انقلاب آن ارزشهایی نیست که در ذهن امثال ما قرار دارد. خیلی از آنها ساخته شده توسط ذهن خود ما است. ارزشهای انقلاب یعنی همان مکتب امام. دیدگاههای امام درباره موسیقی و... نشان داد که برخی ارزشهای ذهنی ما در چارچوب تفکر امام جایی نداشتند. (مصاحبه شماره ۱۴)

در دیدگاهی دیگر، در انتخاب میان ارزشهای انقلاب و مسیر توسعه، «ارزشهای انقلاب لزوماً با توسعه ناسازگار نیست. چرا که ارزشهایی هستند که در عموم کشورها پذیرفته شده اند. بحث عدالت، استقلال، برابری انسانها و... ارزشهایی هستند که در انقلاب ایران حاکم بود و عموماً ارزشهای جهانی هم هستند. اما آنچه می تواند با توسعه ناسازگار باشد شیوه‌های رسیدن به این ارزشها در جامعه است.» (مصاحبه شماره ۲۰) در این دیدگاه به کشورهای مثل آمریکا اشاره می شود که «در عین پافشاری بر ارزشهای آمریکایی به توسعه و پیشرفت هم رسیده اند.»

دیدگاهی دیگر، ارایه چنین دوگانه ای را از اساس غلط می داند و معتقد است که باید بدنبال انتخاب از میان دوگانه «توسعه» یا «رفاه» باشیم: «یکی از اشتباهات تاریخی ما همیشه این بوده است که میان عدالت و توسعه یک دوگانه برقرار می کنیم به این معنا که عدالت یا توسعه؟ این دوگانه عدالت یا توسعه وقتی موجه است که شما با کمبود منابع روبرو هستید و باید بین مصرف و سرمایه گذاری یکی را انتخاب کنید (مصرف، رفاه ایجاد می کند). کاش می شد این دوگانه را به رفاه یا توسعه تغییر داد و عدالت وارد این دوگانه نمی شد. مثلاً می گفتیم که آیا می توانیم بنزین را گران کنیم تا از منافع آن پالایشگاه بسازیم (اینجا دوگانه رفاه و توسعه مطرح است نه عدالت و توسعه). اساساً این حرف برای زمانی بود که پس انداز در دنیا کم بود اما در دنیای امروز ما با مازاد پس انداز در دنیا روبرویم. یعنی اگر شما می خواهید با رشد ۱۰ درصدی پیشرفت کنید نیازی به این نیست که برای تامین منابع آن از محل پس اندازهای ملی استفاده کنید که باعث فشار بر زندگی مردم عادی شود و مجبور شوید که رفاه امروز را برای آینده ای بهتر قربانی کنید. ما می توانیم با استفاده از مازاد منابع ژاپن، مازاد پس انداز اروپا و چین و... به اشکال گوناگون فاینانس، سرمایه گذاری بین المللی، اوراق عرضه بین المللی و ... مسایلمان را حل کنیم.» (مصاحبه شماره ۱۷)

در دیدگاهی دیگر، جایگاه ارزشها در بحث توسعه گرایی بلاموضوع است زیرا «توسعه عبارت است از فرایند افزایش ظرفیت‌های یک نظام اجتماعی و پویایی‌های یک نظام اجتماعی برای تامین نیازهای ادراک

شده مردم یک جامعه و تطبیق با شرایط متحول محیطی. در فرایند توسعه دو اتفاق می افتد: اولاً ظرفیت‌های نظام اجتماعی مان بالا می رود تا بتوانیم نیازهایی که مردم جامعه ادراک می کنند را تامین کنیم. ثانیاً پویایی‌های نظام اجتماعی افزایش پیدا می کند، مثل انعطاف پذیری، استفاده از فرصت‌ها و... برای آنکه بتواند با شرایط متغیر محیطی تطبیق پیدا کند و نه انطباق. یعنی منفعلانه نیست. یعنی هم اثر بگذارد و هم اثر بپذیرد. اصلاً اینجا تعیین نشده است که مردم چه نیازی دارند.» (مصاحبه شماره ۱۱)

در دیدگاهی دیگر، ما نباید از اصول خود دست برداشته و از بیان صریح آنها خجالت زده باشیم زیرا پایمردی بر اصول و ارزشهایی خاص هیچگاه منافاتی با توسعه گرایی و تعامل با دنیا ندارد. چنانچه ما بر اصول خود پایبند باشیم، جهانیان هم به آنها به دیده احترام خواهند نگرست. (مصاحبه شماره ۲۳)

### ب) موافقت با تجدیدنظر

برخی از قائلین به این دیدگاه، بر مبنای تجارب جهانی بر این باورند که پافشاری بر ارزشهای انقلابی تنها به هدر رفتن انرژی‌های ملتها منتهی شده است: «تمام انقلابهایی که داعیه جهانی داشته اند فقط انرژی‌هایشان را هدر دادند و هیچ نتیجه ای هم نگرفتند.» (مصاحبه شماره ۲۴) بر مبنای این دیدگاه، چنین کشورهایی تنها آهنگام به موفقیت رسیدند که «ایدئولوژی» و «انقلابیگری» را به کناری نهادند:

- «همه این رژیم‌ها وقتی که ایدئولوژی و انقلابیگری را به کناری گذاشتند و با دنیا تعامل برقرار کردند به موفقیت رسیدند. کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی در ۱۹۵۶ با انقلابیگری استالینیستی وداع کرد اگر چه اسیر ایدئولوژی باقی ماند و تا فروپاشی هم پیش رفت. در انقلاب فرانسه هم تا مدتی جنگ‌های ناپلئونی برقرار بود تا اینکه در قرن نوزدهم جامعه روحیه ایدئولوژیک و انقلابیگری را کنار گذاشت و به سمت صنعتی شدن حرکت کرد. در آمریکا، بعد از انقلاب استقلال چون زودتر از سایر کشورها با ایدئولوژی وداع کرد، زودتر هم به پیشرفت رسید.» (مصاحبه شماره ۲۴)

- پافشاری ما بر برخی از جنبه‌های انقلابیگری، مخصوصاً برخی مداخلات در منطقه و جهان، موجب ایجاد حداقل دو دشمن بزرگ در منطقه، اسرائیل و عربستان، برای ما شده است که دشمنی‌های آنها انرژی‌های زیادی را از ما به تحلیل برده است. چنانچه این مداخلات منطقه‌ای، و بالتبع این دشمنی‌ها نبود، خبری از تحریم‌ها هم نبود و ما می توانستیم بدون موانع خارجی به مسیرمان ادامه دهیم.

- یک وقتی است که می گوییم ما حامل ارزشهایی هستیم و می خواهیم که از این ارزشها دفاع کنیم، حالا اگر توسعه هم عقب بیفتد مشکلی نیست؛ اما یک وقتی می گوییم که هم می خواهیم از ارزشهایمان دفاع کنیم و هم توسعه پیدا کنیم؛ اینها با هم امکانپذیر نیست. نباید به مردم دروغ گفت. نباید به مردم به دروغ بگوییم که این تحریم‌ها باعث توسعه کشور می شود. نه تنها باعث توسعه نمی شود بلکه اداره امور جاری کشور را هم متوقف می کند. ما در این دو سال، ۱۰۰ میلیارد دلار از درآمد کشور را از دست داده ایم، یعنی حداقل نصف درآمد کشور را. (مصاحبه شماره ۱۷)

برخی دیگر از صاحب‌نظران، ضمن تاکید بر انقلابی بودن، بر انجام اصلاحات بخشی یا موردی در برخی از حوزه‌ها تاکید دارند. آنها با ذکر مثالهایی از تجارب سایر کشورها، مخصوصاً چینی‌ها (و در سطحی دیگر، روس‌ها و هندی‌ها)، بر این نکته تاکید می ورزند که چنین کشورهایی ضمن پایمردی بر ارزشها و هویت ملی

خود (در عین انقلابی بودن) در برخی اصول اقتصادی یا سیاست خارجی خود تجدید نظر کرده اند و همین مساله نیز موجب قدرتمندی آنها شده است:

- چین زمانی برای رسیدن به استقلال، بیگانه ستیزی و انزوا از نظام بین الملل را پیشه کرده بود. اما بعد به اینجا رسید که اگر می خواهد مستقل باشد و بتواند جهان را وابسته به خود کند بهتر است که ارتباطات خود را با همه کشورها بویژه آمریکا گسترش دهد. در رابطه با انقلاب ایران هم، شعار نه شرقی و نه غربی، شعار درستی است. وابستگی به شرق و غرب هر دو تا مذموم است. اما آیا این استقلال طلبی تنها با رویارویی مستقیم و سیاسی و نظامی امکانپذیر است یا اقتصادی؟ رویارویی اقتصادی هم آیا به همین شیوه ترامپ که تعرفه‌ها را بلا می برد یا اینکه شما بتوانید کالاهایی را تولید بکنید که همه جهان محتاج شما باشند و شما هم محتاج جهان. (مصاحبه شماره ۲۰)

- اگر تعریف استقلال این است که ما هیچ نیازی به کشورهای دنیا نداشته باشیم و بتوانیم کشوری کاملا خودکفا باشیم. این از آن دسته ارزشهایی است که باید در آن تجدیدنظر بکنیم. استقلال یعنی وابسته کردن جهان به خودمان و به طور ضمنی ما هم دنیا وابسته باشیم. (مصاحبه شماره ۲۰)

- همه ایرانی‌ها به استقلال کشور اهمیت می دهند. استقلال آرزوی همه ایرانیان در ۲۰۰ سال اخیر بوده است، حتی آنهایی که تصور می شد دست نشانده بیگانه اند از مداخلات خارجی به ستوه آمده بودند. حتی ناصرالدین شاه از مداخلات انگلیسی‌ها روس‌ها شاکاکی است. اما امروز در شرایطی صحبت می کنیم که انقلاب پیروز شده و استقلال هم محقق شده است. استقلال با درگیری متفاوت است. (مصاحبه شماره ۲۴)

- در مورد سایر ارزشهای انقلاب هم نیاز به تعدیل وجود ندارد اما شیوه‌های تحقق آنها باید به تناسب شرایط روز تغییر پیدا کند. اگر یک زمان تکنولوژی ارتباطات بگونه ای بود که حتما باید دولتی می بود تا بتوانیم در برابر دنیا ایستادگی کنیم ... اما به تدریج آموختیم که از صنایع داخلی مان حمایت کنیم، صنایع داخلی مان را چنان تقویت کنیم که بتوانند در برابر زمینس بایستند. با تحول تکنولوژی به جایی رسیدیم که امروز دیگر لزومی ندارد دولت راسا مخابرات را در دست داشته باشد. باید به این بیندیشیم که در شرایط کنونی چگونه می توانیم خواسته‌ها و ارزشهایمان را محقق کنیم. (مصاحبه شماره ۲۰)

در دیدگاهی دیگر، حرکت در مسیر توسعه به نحیف شدن «ارزشهای انقلابی در دو ساحت داخلی و خارجی» منجر می شود. مطابق با این دیدگاه، دولت توسعه گرا نمی تواند در عرصه بین المللی به اقداماتی نظیر حامی پروری بپردازد و از سوی دیگر، انتظار اعتراض و مقاومت (در ساحت‌های فرهنگی و غیرسیاسی) از سوی عرصه بین المللی را نداشته باشد. علاوه بر این، دولت توسعه گرا ناگزیر است کنوانسیونهای بین المللی را مراعات و در رویه‌های انقلابی خود تجدیدنظر کند:

- «در ساحت داخلی می توان ارزشهای انقلاب اسلامی را در رفتارهایی چون اقدام جهادی (تخصیص بیشترین انرژی و اشتیاق ممکن همراه با چشمداشت حداقلی)، ارجاع امور اساسی و ارزشمند به نیروهای متعهد و مقید به اهداف انقلاب، التزام به تحاسب معنوی و الهی خدمات و بالاخره مراعات ظواهر شریعت (از حجاب اسلامی و التزام به خانواده و والدین گرفته تا پرداخت به موقع مالیات و سایر تکالیف دینی)، مشاهده کرد. گفتنی است که تعقیب چنین رویه ای در ساحت داخلی موجب نقض عدالت (تخصیص عادلانه منابع) و ائتلاف غیرضرور منابع کمیاب (بی اعتنایی به اصل تخصص و شایستگی در جهان پیچیده امروز) شده است.



فلذا ایدئولوژی‌های انقلابی معمولا کشور را گران و پرهزینه اداره می‌کنند. از سوی دیگر مطرودین هم عملا به اپوزیسیون تبدیل می‌شوند.

در ساحت خارجی هم مولفه‌های انقلابی بودن عبارتند از: تغییرخواهی و تحول طلبی در نظام رفتارهای بین‌المللی، توجه به جوامع انقلابی (ولو از ورای دولتها)، حمایت از نهضت‌های همسو و علاقمند به انقلاب از یکسو و ستیز بی‌امان با دول ناهمسو و گفتمان حامی آن. طبیعی است که در نظام دولت - ملت کنونی که گفتمان رایج جهانی است چنین مولفه‌هایی مداخله به شمار آمده و موجب طرد کشور انقلابی و تحریم انقلابیون بدست دولتها و گفتمانهای ذینفع می‌گردد.» (مصاحبه شماره ۲۲)

• طبیعی است که جامعه بین‌المللی با توسعه ما مخالفت خواهد داشت. اگر روزنامه‌های غربی را در دهه ۸۰ ورق بزنیم آکنده از حملات به چین است. چون چین در حال توسعه بود و جهان نگران بود که اگر چین توسعه پیدا کند و به کشورهای منطقه مسلط شود، منافع غرب به خطر می‌افتد. اما وارد درگیری با چین نمی‌شدند چون بهانه ای برای درگیری نداشتند. اما ما بهانه درگیری به دیگران می‌دهیم در حالیکه از بسیاری از آنها می‌شد جلوگیری کرد. در مورد بسیاری از مسائلی که ربط مستقیمی به ما نداشت دلیلی برای مداخله نبود. اما به هر حال این تقابل‌ها لازمه روابط بین‌الملل است. اگر توسعه پیدا کنی همسایه‌های شما نگران می‌شوند. اما این را می‌شود مدیریت کرد. تا وقتی که بهانه ای برای درگیری ندهید این مخالفتها در حد حملات لفظی باقی می‌ماند و تاثیری نخواهد داشت. (مصاحبه شماره ۲۴)

• اگر ارزش‌های ملی و منطقه ای ما متناسب با زمان و مکان نباشد نمی‌تواند دولت را راهنمایی بکند که هم در خدمت توسعه باشد و هم در خدمت انقلاب. یا مثلا مساله خشونت؛ باید درباره خشونت اجتهاد کنیم که آیا مثلا ما می‌توانیم برای رسیدن به اهداف انقلابی از خشونت استفاده کنیم یا نه؟ آیا پیامدهایش را می‌پذیریم؟ اگر در برابر ما بکار رفت تکلیف چیست؟ چون وقتی که شما یک ابزاری را می‌سازید ممکن است که دشمن هم از آن بر علیه شما استفاده کند. اگر ما با ساختن موشک به مسابقه تسلیحاتی در منطقه دامن زدیم تکلیف چیست؟ همین امروز امارات یک ماهواره به فضا فرستاد. آیا ما در این رقابت با توجه به امکانات محدودمان برنده خواهیم بود؟ آیا اگر به این مسابقه در منطقه دامن زدیم می‌توانیم پا به پای کشورهای که میلیاردها دلار پول نقد دارند و حمایت تکنولوژیک جهانی را هم دارند، در موشک سازی به پیش برویم؟ باید بگونه ای بلندمدت به این مسایل فکر کرد. شاید برخی از این پیشرفتهای ما در بلندمدت به ضد خودش تبدیل شود. (مصاحبه شماره ۱۲)

### جمع بندی

آنگونه که از بررسی دیدگاه صاحب‌نظران بدست می‌آید ما با دو رویکرد متفاوت نسبت به ارزشهای انقلاب روبرویم. در رویکرد اول، بر هزینه‌های زیاد آرمانگرایی، مخصوصا در حوزه سیاست خارجی، تاکید می‌شود و از این رو تعطیل دائم یا موقت برخی از آرمانها و یا حداقل «بازنگری» در برخی از آنها، به منظور کاهش موانع توسعه کشور، توصیه و تجویز می‌گردد. بر مبنای این دیدگاه، یکی از مهمترین ارزشهایی که باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد، مفهوم «استکبارستیزی» مخصوصا در نحوه تعامل با آمریکا است. همانگونه که در متن مصاحبه‌ها مشاهده شد، عده ای از صاحب‌نظران بر این باورند که برای حرکت دولت در مسیر توسعه یکی از

اولین الزامات، داشتن یک روال عادی در حوزه تجارت است، حوزه ای که کنترل آن در عرصه جهانی در دست دولت آمریکا و سایر قدرتهای جهانی قرار دارد و آنها نیز با استفاده از این قدرت، به ما اجازه داشتن رویه‌های عادی در تجارت را نخواهند داد. مطابق با این دیدگاه، لازمه تحقق جهش تولید و پیامد آن، فراهم بودن شرایط تامین مواد اولیه و صادرات مواد تولیدی است که در شرایط کنونی امری ممتنع به شمار می‌رود. بنابراین برای تحقق جهش تولید و رسیدن به سطح مطلوبی از توسعه یافتگی (حتی با تکیه بر توان داخلی) چاره ای جز جلب نظر مساعد غربی‌ها و تعامل با آنها وجود دارد و لازمه آن نیز تجدیدنظر در برخی ارزشها در حوزه سیاست خارجی است.

رویکرد دوم با اشاره به تجارب موفق جمهوری اسلامی در حوزه پیشرفتهای داخلی که همراه با التزام به ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی بوده است، بر تداوم همین وضعیت و حتی تاکید مضاعف بر برخی ارزشهای انقلابی تاکید می‌کنند. در چارچوب این دیدگاه ارزشهای ما، مخصوصاً در حوزه سیاست خارجی، مصداق بارز قدرت نرم جمهوری اسلامی به شمار می‌روند و تجدیدنظر در آنها به معنای صرفنظر کردن از یکی از عوامل قدرت بخش کشور ما خواهد بود. در این دیدگاه، دشمنی قدرتهای غربی با جمهوری اسلامی ایران با انجام برخی نرمش‌های ایدئولوژیک، از بین رفتنی نبوده و آنها جز به براندازی و نابودی کامل جمهوری اسلامی نمی‌اندیشند، بنابراین باید با قطع کامل هر نوع وابستگی به غرب، بدنبال ایجاد تحقق یک الگوی توسعه ملی مبتنی بر ارزشها و منابع قوت داخلی باشیم.

چکیده این دو رویکرد را می‌توان در جدول زیر به نمایش گذاشت:

مخالفت با تجدیدنظر	موافقت با تجدیدنظر
استقلال و عزت ملی شرط لازم توسعه یافتگی	ضرورت بروزرسانی ارزشها
تاکید بر آرمانهای اولیه انقلاب به مثابه مبانی توسعه	نفی بهانه تراشی
تجارب موفق ۴۰ ساله	ضرورت کاهش دشمنی‌ها
ایدئولوژی به مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی	تجارب موفق جهانی در عبور از انقلابیگری
	هزینه‌های زیاد انقلابیگری
	استقلال طلبی به معنای وابسته کردن دیگران به خودمان

دیدگاهی که بر تجدیدنظر در ارزشهای انقلاب، به عنوان شرط لازم توسعه یافتگی، تاکید می‌کند، بر برخی از تجارب توسعه یافتگی در سایر کشورها، مخصوصاً دولتهای ایدئولوژیک، به عنوان موید دیدگاه خود نظر دارد. در همین زمینه تکیه بر تجربه توسعه اقتصادی چین و تحولات حزب کمونیست چین در این زمینه، به عنوان یک الگوی مناسب توصیه می‌شود. در الگوی چینی شاهد هستیم که دنگ شیائو پینگ با بازتعریف برخی از ارزشهای ایدئولوژیک حزب کمونیست (اصول و مبانی سوسیالیسم و مارکسیسم)، آنها را در راستای تقویت اصول توسعه‌گرایی بکار می‌گیرد. به عنوان نمونه، او در توجیهات نظری پیرامون وارد کردن نیروهای بازار به سوسیالیسم بر این باور بود که «برنامه ریزی و نیروهای بازار ضرورتاً وجه اختلاف بین سوسیالیسم و سرمایه داری نیستند؛ اقتصاد برنامه ریزی شده تعریف سوسیالیسم نیست، چراکه برنامه ریزی در نظام سرمایه داری نیز وجود دارد. اقتصاد بازار تحت سوسیالیسم نیز قابل تحقق است؛ برنامه ریزی و

نیروهای بازار هر دو روش‌های کنترل فعالیت‌های اقتصادی هستند.» (Weiewi, ۲۰۱۱) این تفاسیر دنگ، نقش ایدئولوژی را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کاهش داد. وی با پیش‌لرو قرار دادن الگوی «صلح و توسعه» به عنوان مهم‌ترین رسالت در پیشبرد موفقیت آمیز چین به سوی آینده، برنامه‌نوسازی را آغاز کرد. دنگ هیچگاه نه با سیاست‌هایی که شبیه ملل سرمایه‌داری بود و نه با سیاست‌هایی که در ارتباط با مائو و کمونیسم بود، مخالفت نمی‌کرد، بلکه تعهد به عقلانیت در رفتار را از همان آغاز وجهه همت خود قرار داده بود و نتیجه‌ی سیاست‌ها را در نظر می‌گرفت. این انعطاف‌پذیری و عدم تعصب او در اتخاذ سیاست‌ها بود که موجب موفقیت سیستم او گردید. به همین خاطر دنگ با تأکید بر ضرورت اتخاذ و کاربرد روش‌های مدیریتی پیشرفته در کشورهای سرمایه‌داری در صورت لزوم، باور داشت «ماهیت سوسیالیسم آزادی و توسعه سیستم‌های مولد است» در نتیجه، سوسیالیسم و اقتصاد بازار را با هم ناسازگار نمی‌دید.

در این مرحله با شعارها و گفتمان دوران دگردیسی، سیاست‌های آرمانی به سیاست‌های ملی تغییر یافت و تحولات ساختاری و جوهری آغاز شد. این شعارها عبارت بودند از:

۱. ساختن چین بزرگ، مرفه و پیشرو و وظیفه‌ای همگانی است؛
۲. رفاه عمومی و توسعه صلح و وظیفه حزب و دولتمردان است؛
۳. همه قشرهای اجتماعی با رهبریت حزب باید در سیاست درهای باز و توسعه اقتصادی مشارکت نمایند؛
۴. دوستی با همه کشورها و حل و فصل مسایل با همسایگان سرلوحه حرکت سیاستمداران خواهد بود؛
۵. عقلانیت جمعی و استفاده از همه توانها در تصمیم‌سازی برای همگانی کردن فرهنگ توسعه ضروری است؛
۶. تولید انبوه با حداقل هزینه، قیمت ارزان و تصرف بازارهای گوناگون هدف بخش‌های تولیدی و تجاری خواهد بود.

این اصلاحات طی فرایندی آرام و بدون ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی صورت پذیرفت. در واقع اصلاحات سیاسی بسیار محدود و اصلاحات اقتصادی بسیار گسترده در این دوره، باعث ایجاد دوباره مسائل حل نشده در جامعه چین از قبیل فساد گسترده دولتی و تورم شد. (وردی نژاد، ۱۳۸۶)

ایدئولوژی مطرح از دوره دنگ به بعد، ترویج این گزاره اساسی بود که این اقدامات برای نجات سوسیالیسم لازم است. حتی دنگ در سال‌های بعد، یعنی در سال ۱۹۹۰ در سیزدهمین کمیته مرکزی، حزب کمونیست اعلام کرد «اگر اوضاع اقتصادی بهتر شود، سایر سیاست‌ها نیز به موفقیت خواهد انجامید و ایمان مردم چین به سوسیالیسم افزایش خواهد یافت. در غیر این صورت، سوسیالیسم نه تنها در چین بلکه در سرتاسر جهان به خطر خواهد افتاد.»

جالب آنکه، توصیه دنگ برای اتخاذ سیاست درهای باز نیز از این خط فکری-ایدئولوژیک پیروی می‌کرد، جایی که او گشایش درهای باز به سوی خارج را نه فقط یک اقدام مفید، بلکه اصل اساسی در جهت ساختن یک جامعه سوسیالیستی می‌دانست.

این تغییر محتوا در ایدئولوژی حاکم بر چین، از دهه ۱۹۸۰ به بعد چنان سمت و سوی پیدا کرد که حتی به باور رهبران چین، سوسیالیسم اساساً عبارت بود از «آزادسازی اقتصاد و توسعه اقتصادی» از سوی دیگر، وظیفه اصلی سوسیالیسم عبارت بود از «توسعه اقتصادی به منظور خوشبختی عمومی برای اثبات برتری سوسیالیسم بر سرمایه‌داری»، معماران چین بر این باور بودند که چین می‌بایست به مدت ۵۰ تا ۶۰

سال به سختی تلاش کند. این برتری موقعی اثبات می شود که تولید ناخالص ملی چین، به رقم تولید ناخالص ملی امریکا برسد. این دو وجه، نشان از تغییر محتوای ایدئولوژی در این کشور به همراه تلفیق این ایدئولوژی بازسازی شده با عمل گرایی خاص چینی بود.

تجربه چین ظاهراً تجربه ای موفق در بازنگری ارزشهای یک دولت انقلابی به شمار می رود، اما اینکه آیا تکرار چنین تجربه ای اولاً، برای قرار گرفتن دولت جمهوری اسلامی در مسیر توسعه گرایی «امکانپذیر» و «لازم» و ثانیاً، «مطلوب» و «کارآمد» است؟، پرسشهایی است که صاحبان نظران در سئوالات مربوط به طرح «شاخص های دولت توسعه گرای انقلابی» بدان پاسخ گفته اند.

**فصل پنجم**  
**نتیجه گیری**

همچنانکه در مباحث نظری و نتایج بدست آمده از مصاحبه با نخبگان مشاهده شد، در پاسخ به این سؤال که در شرایط انقلابی چگونه می توان به پیشرفت و توسعه اندیشید؟ و الزامات تحقق توسعه در یک جامعه و دولت انقلابی چیست؟ حداقل با دو گروه از پاسخها روبرویم. سوای از اختلاف نظرهای بعضا بنیادینی که که میان این دو رویکرد وجود داشت، تمرکز بیشتر هر دو گروه بر حوزه «سیاست خارجی» قابل تامل است. به عبارت دیگر، پاسخهای هر دو گروه ناظر بر این بود که تاثیر آرمانگرایی و ارزشهای انقلابی بر روند توسعه ملی را از منظر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران تبیین نمایند. گروهی که بر تناسب و همخوانی میان ارزشهای انقلابی و اصول توسعه گرایی تاکید می کردند، بر عدم تاثیر سیاست خارجی آرمانگرایانه بر روند توسعه داخلی تاکید دارند و گروه مقابل، از تاثیر منفی سیاست خارجی انقلابی بر روند توسعه ملی سخن می گویند. تاکید بر حوزه سیاست خارجی را می توان ناشی از واقعیات امروز ایران و تاثیر بارز تحریمهای خارجی در تضعیف دولت و افول شدید اقتصاد کشور دانست. این واقعیات در حالی به دولت و مردم ما تحمیل شده است که در اسناد بالادستی و سیاستهای کلی نظام، نقش پیشبرنده و سرنوشت سازی برای سیاست خارجی کشور ترسیم شده است.

سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۸۴ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده است، در حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل، افقهایی را فرا روی نظام جمهوری اسلامی ترسیم کرده است که تا سال ۱۴۰۴ و در قالب چهار برنامه توسعه ۵ ساله باید محقق شوند. بر مبنای این سند، نظام جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ در حوزه سیاست خارجی دولتی است:

✓ الهام بخش

✓ فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم اسلامی دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نو

اندیشی و پویایی فکری و اجتماعی

✓ تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه ای بر اساس تعالیم و اندیشههای امام خمینی (ره)

✓ دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

بسیاری از مولفه های ذکر شده در سند چشم انداز، پیش از این در اصول قانون اساسی، بیانات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز مورد تاکید قرار گرفته و دستگاه سیاست خارجی و مجموعه دولت مکلف به تحقق آن بوده اند. اما اهمیت ذکر این مولفه ها در سند چشم انداز بیست ساله از آن رو است که اولاً؛ مفاد این سند در حوزه سیاست خارجی تنها منوط و محدود به وظایف یک نهاد یا یک دولت خاص نبوده و به عنوان اهداف کلی نظام در حوزه سیاست خارجی شناخته می شود، از این رو تحقق آن نیز بر عهده مجموعه نظام و دستگاههای مسئول در این حوزه در طی این دوره ۲۰ ساله خواهد بود. ثانیاً؛ تأکیدات پیشین در قانون اساسی و بیانات رهبران انقلاب اسلامی، هر چند به مثابه توصیه های راهبردی و فرامین حکومتی لازم الاجرا بوده اند اما سقف زمانی مشخصی برای تحقق آنها مشخص نشده است، در حالیکه حداقل تا افق ۱۴۰۴ باید شاهد تحقق تأکیدات سند چشم انداز در این حوزه، همراه با سایر حوزه های مورد تاکید سند، باشیم.

در پیش نویس الزامات تحقق سند چشم انداز که به تصویب شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۷ رسیده است، ۷ بند از ۲۵ بند تصویب شده مرتبط با حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل است

و نشان می دهد که عنصر کلیدی «تعامل سازنده و مؤثر جمهوری اسلامی ایران در روابط بین الملل» مورد توجه جدی این نهاد بوده است. در این پیش نویس، موارد زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

۱. تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و تعمیق مشارکت سیاسی، ترویج عقلانیت و اعتدال، نفی اندیشه‌ی خشونت‌گرایی، تحجر، واپس‌گرایی، افراطی‌گری، غرب‌زدگی، خودباختگی و اباحیگری در تعاملات اجتماعی و روابط بین الملل؛

۲. تقویت هم‌گرایی، گسترش و تعمیق پیوندهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و تسهیل ارتباطات بین جوامع و دولت‌ها در منطقه و جهان اسلام و تشکیل بازارهای یکپارچه و مشترک؛

۳. تعامل سازنده با فرایند و روند طبیعی جهانی شدن و مقابله با پروژه‌ی جهانی سازی غرب و نظام تک قطبی و مناسبات غیرعادلانه در جهان؛

۴. ارتقای کارآمدی و بسترسازی لازم در روابط خارجی برای تعامل سازنده و مؤثر در مناسبات منطقه‌ای و بین المللی و تنظیم روابط با قدرت‌های مشروع غیرمتخاصم؛

۵. همکاری سازنده و دوستانه بین پیروان مذاهب اسلامی و تعامل مثبت و مؤثر با پیروان ادیان الهی و تلاش مشترک به منظور تحقق آرمان‌های الهی مانند خداپرستی، عدالت، کرامت انسانی و مقابله با تنازعات و اقدامات تفرقه افکنانه؛

۶. حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و برنامه‌ریزی جهت استفاده از ظرفیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها در روابط خارجی و رفع نیازهای کشور؛

۷. سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه ای و جهانی مبتنی بر عدالت، آزادی، صلح، امنیت و رفاه همگانی. (ایزدی و خلج، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹)

«تعامل سازنده و موثر» که در سند چشم انداز هم بر آن تأکید شده است، مورد تأکید صاحب‌نظران ما هم بوده است و برخی از آنها لازمه رسیدن به چنین تعاملی را دور شدن از برخی رویکردهای آرمانگرایانه اعلام کرده اند. اگر چه گروهی دیگر لازمه «الهام بخش» جمهوری اسلامی ایران را تکیه بر ایدئولوژی و آرمانهای انقلابی به عنوان مصادیق «قدرت نرم» ایران می دانند.

مورد اول در پیش نویس فوق در بردارنده همان تعریفی از انقلابیگری است که در مطالعات نظری ما هم مورد تأکید قرار گرفته بود. یعنی تأکید بر ارایه یک «الگو»ی عملی از یک نظام کارآمد و مردم‌سالار دینی به سایر جوامع هدف که در آن نه از تحجر، افراطی‌گرایی و خشونت طلبی خبری باشد و نه از خودباختگی و غرب‌زدگی و اباحیگری.

بطور کلی، با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران، می توان به دو فرضیه درباره «الزامات توسعه‌گرایی در شرایط انقلابی» دست یافت. فرضیه اول؛ بر این نکته تأکید دارد که به منظور پیگیری اصول توسعه و دستیابی به شاخص‌های یک دولت توسعه‌گرا، تجدیدنظر یا صرفنظر کردن از برخی آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی نظیر صدور انقلاب، حمایت از مستضعفین جهان و... یک ضرورت است و بدون آن نمی توانیم در مسیر توسعه یافتگی قرار بگیریم. در این فرضیه، آن تعریفی از انقلابی‌گری که در آن ستیز با قدرتهای بزرگ و تهدید منافع آنها را در بر می گیرد، با توسعه‌جویی منافات دارد. اما فرضیه دوم، مبنای توسعه یافتگی کشور را پایمردی بر ارزشهای انقلابی عنوان می کند و در حالیکه دسته اول علت عقب ماندگی ما را انقلابی‌گری و

انقلابی بودن می‌داند، گروه دوم، علت را کم‌انقلابی بودن ذکر می‌کنند و مشکل را در این می‌بینند که از آرمانهای انقلاب دور شده ایم و به تبع آن، راهکار نیز بازگشت به اصل انقلاب و آرمانهای آن خواهد بود.

علیرغم این اختلاف نظرها، به نظر می‌رسد که می‌توان با ارایه تعریفی از انقلاب اسلامی و آرمانها و شاخصه‌های آن، که البته ریشه در مبادی نظری انقلاب داشته و در چارچوب گفتمانی رهبران انقلاب اسلامی نیز قرار دارد، به چنین نزاعی پایان داد و جمهوری اسلامی را در مسیر قرار گرفتن به عنوان یک دولت توسعه‌گرا با «چالش» دشواری به نام انتخاب میان آرمانگرایی و توسعه‌گرایی روبرو ساخت. اگر چه می‌توان از نزاع بر سر مفهوم «توسعه» نیز سخن گفت، هر چند که به نظر می‌رسد در این زمینه اختلاف نظری کمتری میان صاحب‌نظران وجود دارد و تقریباً همگی بر شاخص‌های عام و متداول توسعه یافتگی اتفاق نظر دارند.

یکی از مهمترین سئوالات ما در این تحقیق نسبت میان انقلابی بودن و پیشرفت است. این سؤال ناظر بر این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مبانی شکل‌گیری و استمرار آن و نیز برخی اصول قانون اساسی آن، دولتی انقلابی به شمار می‌رود. اما سؤال اینجاست که دولت انقلابی به چه معناست؟ آیا انقلابی‌گری را باید به معنای غلبه هیجان و احساسات بر روند تصمیمات و سیاستگذاری‌ها بدانیم؟ آیا انقلابی‌گری به معنای ستیز دائمی با رویه‌ها و قدرتهای جهانی است؟ و نکته مهم آنکه با چنین تعاریفی از انقلابی بودن آیا می‌توان به شاخص‌های متعارف توسعه، آنهم در دنیای جهانی شده، دست یافت؟ نوع پاسخگویی ما به این سئوالات و نسبتی که میان انقلابی بودن و پیشرفت برقرار می‌کنیم، نقش مهمی در ترسیم نظام مطلوب و افق‌های آینده توسعه کشور ایفا می‌کند. در پاسخ به این سئوالات، دو جواب رادیکال می‌توانند در قالب نفی کامل انقلابی‌گری یا نفی کامل توسعه‌گرایی (به شیوه متداول جهانی) ارایه شوند. هر کدام از این پاسخ‌ها اگر چه ممکن است دارای توجیحات و دلایل خاص (و حتی موجهی) باشند، اما به نظر می‌رسد در فضای حاکمیتی و میان افکار عمومی جامعه طرفدار چندانی ندارند. به همان میزان که نفی مطلق انقلابی‌گری و انقلابی بودن با ساختارهای حاکمیتی، تجارب چهاردهه گذشته و آرمانها و علایق برخی طبقات اجتماعی ما ضدیت و ناسازگاری دارد، نفی و رد یکجانبه ارزشها و شاخص‌های جهانی در حوزه توسعه ملی و کیفیت زندگی نیز می‌تواند با خواست‌ها و مطالبات نخبگانی و عمومی جامعه ما در تضاد جدی قرار بگیرد و مقاومت‌هایی جدی بر انگیزاند. در مطالعات نظری شاهد بودیم که رهبران انقلاب اسلامی، به عنوان معتبرترین نمایندگان و مفسرین انقلاب اسلامی، نه تنها بر ضدیت انقلاب و پیشرفت (توسعه) تاکید نداشته‌اند، بلکه تحقق یک جامعه و کشور پیشرفته (به معنای متداول جهانی) را در زمره آرمانهای انقلاب اسلامی برشمرده‌اند. مصاحبه‌شوندگان ما نیز، که از میان طیف‌های گوناگون سیاسی کشور انتخاب شده‌اند، هیچکدام بر طرد مطلق انقلابی بودن یا توسعه‌گرایی تاکید نداشتند و اختلاف نظر آنها بیشتر بر تعریف و شاخص‌های انقلابی بودن یا توسعه‌گرایی متمرکز بود. تجارب جهانی نشان داده‌اند که تنها آن دسته از کشورها در رسیدن به توسعه موفق عمل کرده‌اند که به نوعی «اجماع» نخبگانی و عمومی پیرامون توسعه یافتگی دست یافته‌اند؛ از این رو ما نیز در این پژوهش در پاسخ به تمام سئوالات پژوهش، دستیابی به نوعی پاسخ اجماعی، که ضمن طرد رویکردهای افراطی، زمینه توافق بر توسعه ملی را هموار سازد، مورد تاکید قرار داده‌ایم. این پاسخ اجماعی طبیعتاً ممکن است، با دیدگاه هیچکدام از مصاحبه‌کنندگان یا طیف‌های سیاسی کشور مطابقت کامل نداشته باشد، اما از دیدگاه این پژوهش تنها پاسخی است که می‌تواند بیشترین



رضایت و اجماع عمومی را برای حرکت پیوسته و پرشتاب در مسیر توسعه ملی هموار سازد. با تاکید بر این رویکرد اجماعی، آن تعریفی از انقلابیگری مورد قبول این تحقیق خواهد بود که مبتنی بر خردجمعی و درک متعارف از عقلانیت بوده و استقلال گرایی به معنای خودباوری و خود اتکایی را در کنار تاکید بر عدالت گرایی و تعامل عزتمند با دنیا مورد توجه قرار دهد.

در پرسش دوم این تحقیق که نسبت مستقیمی با پرسش اول دارد، بدنبال پاسخ به این سؤال و چالش مهم بودیم که برای رسیدن به توسعه آیا نیازمند تغییر در برخی از ارزشها و آرمانهای انقلابی هستیم؟ این سؤال از آنجا ایجاد شده است که در اذهان نخبگانی و عمومی جامعه برخی از ارزشهای انقلابی با توسعه گرایی در تضاد دیده می شوند و به تبع آن برای رسیدن به توسعه چاره ای جز کنار گذاشتن برخی از ارزشهای انقلابی یا تجدیدنظر در آنها وجود ندارد. این دیدگاه همچنین ناظر بر برخی از تجارب توسعه جهانی نظیر کشور چین است که با بازتعریف یا تجدیدنظر در برخی از ارزشهای انقلابی خود به روند توسعه ملی شتابی خیره کننده بخشیده است. اما در کنار این دیدگاه، با دیدگاهی دیگر نیز روبرو هستیم که ارزشهای انقلابی ما را ارزشهایی معدّ توسعه و پیشرفت دانسته و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در برخی از ابعاد توسعه را مرهون پایدردی بر همین ارزشها عنوان می کنند. طبعاً در این دیدگاه نه تنها نیازی به تجدیدنظر در ارزشهای انقلابی نیست، بلکه لازمه حرکت پرشتاب در مسیر توسعه، پافشاری بیشتر بر ارزشهای انقلابی است.

به نظر می رسد که نمی توان به پاسخی قطعی در این باره رسید، اگر چه می توان بسیاری از ارزشهای انقلاب اسلامی را به عنوان ارزشهایی همراستا با توسعه و پیشرفت مورد بازتعریف قرار داد. ارزشهایی نظیر استقلال گرایی و تاکید بر خودباوری و عزت ملی می تواند زمینه‌های مناسبی برای پیگیری توسعه ملی در جمهوری اسلامی ایران باشند. در همین زمینه همچنین تاکید بر آرمانهای مشترک جهان اسلام و حتی تاکید مثبت بر هویت شیعی (به معنای عاملی برای همگرایی بیشتر میان جوامع شیعی منطقه و نه عاملی برای واگرایی میان جوامع شیعه و سنی) آنگهنگام که در خدمت ارتقاء برند ملی و موقعیت اقتصادی ایران باشد، می تواند مورد توجه ما قرار داشته باشد.

## منابع

- آیت الله خامنه ای، ۶۹/۳/۱۳ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-  
۲۳۷۷content?id=](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۳۷۷)
- آیت الله خامنه ای، مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۱۹۹۹۶](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۹۹۹۶)
- آیت الله خامنه ای، دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت امیرالمومنین (ع)، ۰۶/۰۵/۱۳۸۶ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۳۳۹۵](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۹۵)
- آیت الله خامنه ای، مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۲۹۹۱۴](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۹۱۴)
- آیت الله خامنه ای، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۰/۰۶/۱۳۸۸ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۸۰۳۳](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۰۳۳)
- آیت الله خامنه ای، دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۶/۱۲/۲۲ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۳۴۲۲](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۲۲)
- آیت الله خامنه ای، خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۴/۱۲/۱ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۲۷۸۵](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۸۵)
- آیت الله خامنه ای، دیدار با کارگزاران نظام، مرداد ۹۱ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۲۰۸۰۷](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۸۰۷)
- آیت الله خامنه ای، دیدار با دانشجویان، مرداد ۹۱ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۲۰۶۸۶](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۰۶۸۶)
- آیت الله خامنه ای، دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸۸/۱۲/۶ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۸۹۸۸](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۹۸۸)
- آیت الله خامنه ای، حرم مطهر امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰/۳/۱۴ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۳۰۶۸۸](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۶۸۸)
- آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۳/۲۲ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-  
۳۱۸۲content?id=](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۸۲)
- آیت الله خامنه ای، دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۶/۶/۱۳۹۲ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۲۴۰۳۳](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۰۳۳)
- آیت الله خامنه ای، ۸۷/۶/۵ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-  
۳۶۸۵content?id=](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۸۵)
- آیت الله خامنه ای، دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷/۰۲/۱۳۸۸ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۶۹۱۷](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۶۹۱۷)
- آیت الله خامنه ای، دیدار وزیر امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی، ۹۴/۸/۱۰ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=  
۳۱۳۸۶](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۳۸۶)

- آیت الله خامنه ای، دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران  
 ۱۳۶۹/۵/۱ به نقل از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۳۳۷>
- آیت الله خامنه ای، دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۹۳/۵/۷ به نقل از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۱۱۴>
- آیت الله خامنه ای، کنفرانس اندیشه ی اسلامی؛ ۱۲/۱۱/۱۳۶۸ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۶۰>
- آیت الله خامنه ای، دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام؛ ۴/۴/۱۳۸۷ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۸۶>
- آیت الله خامنه ای، دیدار اقشار مختلف مردم سراسر کشور؛ ۶/۱۰/۱۳۶۸ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۳۸>
- آیت الله خامنه ای، نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۴/۳/۱۳۸۷ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۶۳>
- آیت الله خامنه ای، دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی ۲۰/۱/۱۳۹۳  
 آیت الله خامنه ای، دیدار مسئولان نظام ۹۴/۲/۲۶ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۷۳۶>
- آیت الله خامنه ای، دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۲ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۹۴۰>
- آیت الله خامنه ای، حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۹۲ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۲۳۳>
- آیت الله خامنه ای، دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۲/۸/۱۳۹۲ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۳۷۸>
- آیت الله خامنه ای، دیدار مسئولان نظام ۲/۴/۱۳۹۴ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۰۶۹>
- آیت الله خامنه ای، دیدار جوانان استان مرکزی در ۲۶ آبان ۷۸ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۶۷۹۱>
- آیت الله خامنه ای، دیدار با ائمه جماعات، شهریور ۹۲ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۳۹۶۳>
- آیت الله خامنه ای، حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۴ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۲۳۶>
- آیت الله خامنه ای، دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴ به نقل از:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۴۷>

- آیت الله خامنه ای، دیدار اعضای هیأت دولت، ۰۴/۰۶/۱۳۸۱ به نقل از:  
۳۱۳۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
- آیت الله خامنه ای، دیدار آقای خاتمی رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۰۷/۰۶/۱۳۷۹ به نقل از:  
۲۴۶۵۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
- آیت الله خامنه ای، اجتماع مردم بجنورد، ۹۱/۷/۱۹ به نقل از:  
۲۱۱۲۶ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
- آیت الله خامنه ای، حرم رضوی، ۸۸/۱/۱ به نقل از: [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=)  
۶۰۸۲ [content?id=](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=)
- آیت الله خامنه ای، دیدار جمعی از استادان دانشگاههای سراسر کشور ۸۲/۸/۸ به نقل از:  
۳۲۰۱ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
- آیت الله خامنه ای، دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۸۳/۶/۴ به نقل از:  
۳۲۴۷ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
- آیت الله خامنه ای، دیدار با مسئولین نظام، ۶۸/۱۱/۹ به نقل از:  
۲۲۵۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>
- آیت الله خامنه ای، بیانیه «گام دوم انقلاب»
- روزنامه اطلاعات، ۷۹/۶/۱۰
- روزنامه کیهان، ۷۹/۸/۲۹
- روزنامه کیهان، ۷۹/۸/۲۸
- روزنامه کیهان، ۷۹/۸/۲۵
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۲/۱۰
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۹/۱۴
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۹/۱
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۹/۱۳
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۲/۳۰
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۹/۱۱/۱۱
- سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴
- صحیفه امام خمینی (ره)، مجموعه «بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها»، ۲۲ جلد، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- نشریه شما، ۷۹/۴/۲۳